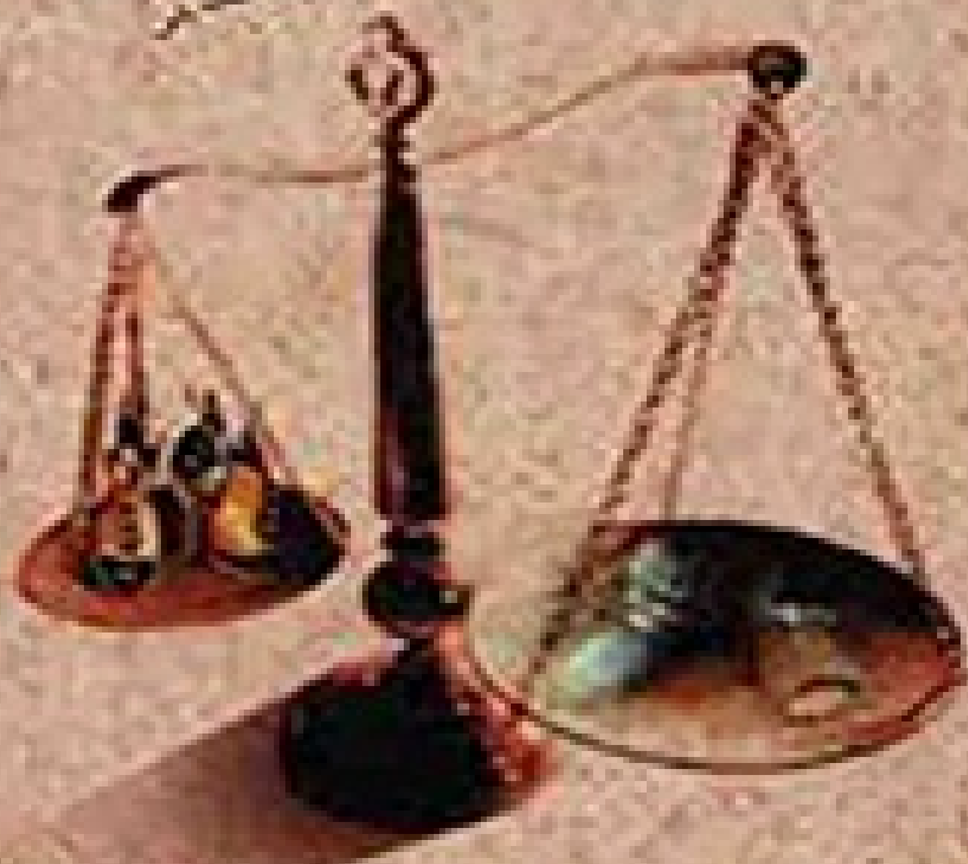


نقش عدالت اجتماعی در پیشگیری از جرم



بسم الله الرحمن الرحیم

نقش عدالت اجتماعی در پیش گیری از جرم

نویسنده:

محسن مطهری بیدگلی

ناشر چاپی:

نورالسجاد

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نقش عدالت اجتماعی در پیش گیری از جرم

مشخصات کتاب

سرشناسه : مطهری بیدگلی، محسن

عنوان و نام پدیدآور : نقش عدالت اجتماعی در پیش گیری از جرم/ محسن مطهری بیدگلی؛ به سفارش ستاد مردمی پیشگیری و حفاظت اجتماعی.

مشخصات نشر : قم: نورالسجاد، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۱۵۷ص.

فروست : عدالت و سلامت.

شابک : ۱۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۲۰-۲۰-۹ :

موضوع : عدالت اجتماعی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع : عدالت اجتماعی

موضوع : عدالت

موضوع : اسلام و عدالت

موضوع : جرم شناسی -- جنبه های مذهبی

شناسه افزوده : ستاد مردمی پیشگیری و حفاظت اجتماعی.

رده بندی کنگره : BP۲۳۰/۱۲/م۶ن۷ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۸۳۴

شماره کتابشناسی ملی : ۱۸۶۲۹۶۴

به سفارش: ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر و پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر

ص: ۱

اشاره

فهرست

ص: ۷

پیش گفتار

حفاظت از محیط زیست و سلامت فضای زندگی ابعاد مختلفی دارد؛ گاهی عبور و مرور وسائل نقلیه و فعالیّت کارگاه های پر سر و صدا، موجب آلودگی صوتی می شود، گاهی نگهداری و پخش زباله ها در فضای زندگی سبب انواع بیماری و ایذای همسایگان می گردد.

پاسداری از پاکی محیط زندگی و سلامت فضای عمومی، یک وظیفه و خواست عموم خردمندان جهان است، امّا آلودگی ها، فقط گرد و غبار و تولید دود و پخش مواد نفتی در رودخانه و دریا و ریختن زباله های متعفن و فاضلاب در کوچه و خیابان نیست.

تولید، تکثیر، پخش و نشر و نمایش مواد آلوده از دیدگاه عقیدتی و اخلاقی و اجتماعی که ایمان، اخلاق، اتحاد،

عدالت و استقلال جامعه را در معرض خطر قرار دهد، صدها بار بیش تر از دود و گرد و غبار برای جامعه مشکل ایجاد می کند. جرم و گناه وقتی در منظر و مرئی و در فضای مشترک و عمومی انجام گیرد، محیط اخلاقی و ایمانی جامعه را آلوده می کند. پیشگیری از گناه، به ویژه گناهان مشهودی که جرم و بزه و جنایت و

ص: ۱۰

خلاف شناخته می شود، وظیفه ای اجتماعی است که بر عهده افراد جامعه و دولت و ملت مسلمان و هر اندیشمند دلسوز سعادت و سلامت جامعه ی بشری است.

چندین سال است که با همین هدف مقدس «ستاد مردمی پیش گیری و حفاظت اجتماعی» در قوّه قضائیه جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده است. این ستاد می کوشد که با یاری امت از تولید و تکثیر و پیدایش و افزایش جرم های گوناگون پیش گیری کند. هسته های مردمی حفاظت اجتماعی و ستادهای احیای امر به معروف و نهی از منکر و نیروهای مخلص بسیج و سپاه و نیروی انتظامی و همه فرزندان مساجد در هر کجای کشور با هدایت و نظارت عالمان دین می کوشند که فضای زندگی عمومی را از هر گونه آلودگی به ویروس جرم و گناه پاک نگه دارند و از بروز جرایم عقیدتی، فرهنگی، اخلاقی، اقتصادی و رسانه ای جلوگیری کنند. شناخت زمینه های جرم، انگیزه های مجرمان، انواع جرم و علل و عوامل پیدایش و گسترش آن یک وظیفه ی اجتماعی است که بدون آن پاسداری از امنیّت اخلاقی و ایمانی جامعه، امکان پذیر نیست.

یکی از برنامه های این ستاد که با همکاری گروهی از محققان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه تحقق یافت، تدوین کتاب های عمیق و کاربردی در زمینه مباحث پیش گیری از جرم است. این ستاد تاکنون بیش از ده اثر علمی - پژوهشی و بعضاً آموزشی در راستای هدف پیش گیری از جرم فراهم آورده است. کتاب حاضر، که به قلم برادر گرامی محمد حسن خسروی تألیف شده تلاشی علمی است، که امید است هم چون دیگر خدمات برادران و خواهران مؤمن و فداکار در زمینه ی پیشگیری از جرم مقبول آستان قدس ربوبی قرار گیرد و یاران همراه در اقامه این وظیفه ی اجتماعی از الطاف حضرت حق جلّ

و علا بهره مند شوند. پیش گیری از جرم و گناه نوعی «جهاد فرهنگی» و مرزبانی در جبهه ی تقوا و پارسایی است.

در پایـان از حمایت های ریاست محترم قوه قضائیه حضـرت آیهالله هاشـمی شاهرودی و همکاران سـتاد مردمی و برادر گرامی حجهالاسـلام محمـود مهـدی پـور، به دلیـل هـدایت و نظـارت بر تحقیق و تولیـد این مجموعه، و از ناشـر محـترم جنـاب آقـای جلالوند سپاس گذاری می شود.

والسلام، دبیر ستاد مردمی پیشگیری و حفاظت اجتماعی کشور

سید احمد زرگر/ اسفند ۱۳۸۷

ص: ۱۲

مقدمه مؤلف

دیر زمانی بود که اندیشه ای مرا آرام و قرار ربوده بود و همواره در مواجهه با نا ملایمات، کجی ها، پلیدی ها و پلشتی ها به این فکر فرو می رفتم که چه چیزی باعث این همه بدی شده است، با مطالعه انسان...های اطرافم و تأمل در گذران زندگی افراد مختلف جامعه از پسر و دختر، پیر و جوان، خانواده و فرد و نیز مطالعه اشخاص از حیث اعتقادات، وابستگی ها، علایق و نیازها همچنین مطالعه راهبردهای برون رفت از نابسامانی ها، که از سوی مکاتب مختلف و نیز مکتب غنی اسلام که همگی به نوعی به سعادت بشر می اندیشند، ارائه شده بود، به این نتیجه دست یافتم که علی...رغم همه تلاش...های انجام شده برای سعادت و کمال بشر و جامعه بشری، متأسفانه نتیجه حاصل، مطلوب نبوده و روز به روز بر آمار جرم و جنایت و بدی افزوده می...شود و ریشه این نا مطلوبی را که به صورت جرایم متنوع در جامعه رخ نمایی می کند، در عدم تحقق عدالت اجتماعی جستجو نمودم.

...در نظام اجتماعی، عدالت و جرم در مقابل هم اند. هرجا عدالت حاکم باشد، جرم رخت بر می بندد یا به ندرت رخ می نماید و برعکس هرجا بی

ص: ۱۴

عـدالتی حـاکم باشـد، بسـتر وقـوع جرم گسـترده و فراهم می شود. عـدالت اجتمـاعی به مفهوم خـاص آن عمیق ترین اثر را در کـاهش جرم دارد. از طریق رعـایت مطلوب...تر این هنجار اجتماعی، می توان ناهنجاری های اجتماعی را کاهش داد و به طور طبیعی بر میزان کرامت انسانی و اخلاق اجتماعی افزود.

بر این اسـاس، مناسب دیـدم در پی یافتن علت عـدم تحقق عـدالت اجتماعی و نیز رابطه آن با تولیـد جرم؛ همچنین نقش مثبت عدالت اجتماعی در کاهش جرم، راه پرفراز و نشیب تتبع و تحقیق را بپویم. به طور خلاصه می توانم به دلایل زیر برای تتبع در نقش عدالت اجتماعی در کاهش جرم اشاره کنم:

۱- علاقه نگارنـده و دغـدغه شخصـی نسـبت به مبـاحث عـدالت اجتمـاعی و تـأثیر آن در سالم سازی جامعه از حیث تضـمین کرامت انسانی و نیز کاهش جرم.

۲- اهمیت بسـیار زیـاد مبـاحث عـدالت اجتمـاعی به عنوان محور فعـالیت...های اجتماعی که به دلیل ارتباط افراد با یکـدیگر و ورود ایشان در حوزه های شخصی یکدیگر زمینه بروز جرائم مختلف را فراهم می نماید.

۳- جامعیت این موضوع نسبت به موضوعات مشابه دیگر از قبیل نقش عدالت حقوقی یا ترمیمی یا اقتصادی و غیره در کاهش جرم دلیل اهمیت و برتری این موضوع بر سایر موضوعات می باشد.

۴- شـناساندن جـامع ترین راه...کـار مقابله با جرم به عنوان معضل اجتماعی و اثبات نقش کلیـدی عـدالت اجتماعی در کاهش جرم ضرورتی است که نگارنده را به بررسی و تحقیق در این موضوع وا داشته است.

۵- یکی از عمـده ترین دلایل عـدم توفیق صاحبان فکر و انـدیشه در حوزه های اجتماعی و اخلاقی که به انحاء مختلف در پی طراحی روش...های نوین جهت سعادت بشر و کام...یابی و کام...جویی او می باشند نگرش تک

بعدی به انسان و ارائه راه‌کارهای غیر جامع در جهت پیش‌گیری و کاهش جرم است.

در این تحقیق سعی شده است با بررسی راه‌های پیشنهادی مختلف و مقایسه آن‌ها با راه مورد نظر نگارنده به شفافیت موضوع مورد بحث کمک گردد.

پژوهش حاضر یک نوع تحقیقات «کتابخانه‌ ای» به شمار می‌رود وسعی‌در بررسی نظرات و راه‌کارهای مختلف در خصوص مبارزه با جرم دارد که از سوی مکاتب و اندیشمندان ارایه شده است در این نوشته به دنبال یک تحقیق «آماری یا میدانی» نخواهیم بود تا از طریق مشاهده، پرسش نامه یا مصاحبه در صدد اثبات یک تئوری از طریق داده‌های آماری باشیم؛ گرچه این روش نیز می‌توانست به اثبات مدعای ما یعنی ناکارآمدی روش‌های به کار گرفته شده کنونی کمک شایانی بنماید.

آن‌چه روش اصلی این تحقیق است، مقایسه نظریات راه‌بردی ارایه شده از سوی دانشمندان جهت کنترل و کاهش جرم با راه‌برد بر گرفته از دین اسلام است تا از این مقایسه مخاطب به هدف این نوشته، یعنی اثبات نقش عدالت اجتماعی در کاهش جرم پی ببرد.

گرچه این نوشته عاری از نقد و بررسی و قضاوت نسبت به نظریات ارایه شده از سوی مکاتب و اندیشمندان نیست، اما واقعیت این است که صرف مقایسه دیدگاه‌های مختلف با دیدگاه اسلام هر مخاطبی را به قضاوت وادار می‌کند و حداقل مطلبی که در ذهن هر کس نقش می‌بندد، ضرورت آزمایش و تجربه راه‌برد پیشنهادی اسلام برای برون رفت از مهلکه جرم و جنایت امروز جهان است.

روش جمع آوری اطلاعات در این تحقیق به این صورت بوده که ابتداً بر اساس طرح مسئله فهرست و چارچوبی تهیه و بر اساس آن مطالب

ص: ۱۶

مختلف از منابع مربوطه فیش برداری شده در نهایت بر اساس فهرست و چارچوب تهیه شده و با استناد به فیش‌ها متن نوشته شد.

به طور مشخص سؤال اصلی این تحقیق این است که: رابطه بین عدالت اجتماعی و کاهش جرم چیست؟

ضمن پاسخ‌گویی به این سؤال سعی بر آنست که به سؤالات زیر نیز پاسخ دهیم.

۱- چه تفاوتی بین عدالت اجتماعی و دیگر راه‌کارهای ارائه شده برای کاهش جرم وجود دارد؟

۲- خاستگاه عدالت اجتماعی چه نوع مختصاتی دارد؟

فرضیه پژوهش حاضر این است که «بین عدالت اجتماعی و کاهش جرم رابطه مستقیم برقرار است»؛ یعنی هر چه عدالت اجتماعی بیشتر شود کاهش جرم نیز بیشتر می شود. بر اساس این فرضیه کلیه راه کارهای مقابله با پدیده اجتماعی جرم بدون در نظر گرفتن عدالت اجتماعی، عقیم و بی حاصل خواهد بود و از آن‌جا که جامعه بشری در نگاه تکاملی باید به صورت فزاینده از جرم و جنایت فاصله بگیرد وگرنه متصف به صفت کمال نخواهد شد، عدالت اجتماعی در دست‌یابی جامعه به این مقام والا، نقش به سزایی را ایفا می کند، چرا که در کاهش جرم مؤثر بوده و در نتیجه؛ جامعه بدون جرم مساوی با جامعه تکامل یافته است.

فصل اول :واژه شناسی وتحلیل مفهومی

اشاره

ص: ۱۸

مبحث اول: تعریف عدالت

اشاره

پیرامون مفهوم عدالت تقسیمات گوناگونی صورت گرفته است که ناشی از نوع نگرش افراد به آن و نیز شرایط حاکم بر جوامع می باشد. گاهی تأکید صاحب...نظران بر طبیعت و نقش آن در شکل گیری شخصیت انسان و حیات اجتماعی معطوف است، که طبق این نگرش عدالت به رفتار مطابق با طبیعت معنا می شود. و گاهی صحبت بر سر سود متقابل و تعهدات طرفینی است، که بر آن مبنا عدالت به معنای تأمین منافع متقابل است. به هرحال، اگر چه در نظر گرفتن عدالت در هر یک از معانی مورد نظر خدشه ای به مقبولیت مفهوم کلی عدالت نزد همگان وارد نمی سازد لکن از باب آشنایی با تعاریف صاحب...نظران چند تعریف مهم را در حوزه های مختلف، درآغاز تحقیق ذکر می کنیم.

الف) تعریف فیلسوفان از عدالت

« فیلسوفان یونان از جمله سقراط (Socrates) استاد افلاطون، که خود فدایی راه عدالت است، عدالت را یکی از سترگ ترین نمودهای فضیلت می داند»؛(۱)

ص: ۲۰

۱- خراسانی، شرف الدین؛ از سقراط تا ارسطو، ص ۳۱، دانشگاه ملی ایران، تهران، ۱۳۵۲ ش.

وی معتقد است که:

« فضیلت و خوبی چیزی است که در آن برای انسان سودی نهفته است و ستم و بیدادگری، بد است چون به زیان او می انجامد».[(۱)]

یکی دیگر از فیلسوفان یونان، افلاطون (Plato) در کتاب جمهور (The republic) درباره عدالت چنین می گوید:« عدالت آرمانی است که تنها تربیت یافتگان دامان فلسفه به آن دسترسی دارند و به یاری تجربه و حس نمی توان به آن رسید. عدالت اجتماعی در صورتی برقرار می شود که هر کس به کاری دست زند که شایستگی و استعداد آن را دارد و از مداخله در کار دیگران بپرهیزد»[(۲)].

بنابراین اگر کسی بدون داشتن تخصص لازم مسئولیتی را قبول نماید چه اصلاً تخصصی نداشته باشد و یا این...که تخصص او با مسئولیتش تناسبی نداشته باشد، جامعه را دچار فروپاشی و بی عدالتی می...کند.

افلاطون، حکومت را شایسته دانایان، خردمندان و حکیمان می داند و می گوید:

«عدل آن است که اینان در موضع خود قرار گیرند و به جای پول و زر، خرد بر جامعه حکومت داشته باشد»[(۳)].

ارسطو (Aristotle) عدالت را فضیلتی می داند که به موجب آن باید به هر کس به مقدار حقش داده شود. وی عدالت را دارای دو معنای عام و خاص می داند. که از دیدگاه وی عدالت عام آن است که «شامل تمام فضایل

۱- بدوی، عبدالرحمان؛ افلاطون، ص ۴۶، کویت وکالت المطبوعات، دارالقلم، ۱۹۷۹ م.
۲- افلاطون؛ جمهور، ص ۲۳۶، م فؤاد روحانی، ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۸ ش.
۳- قربان نیا، ناصر؛ عدالت حقوقی، ص ۲۴، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،۱۳۸۱ش.

است؛ زیرا هر کس به کار ناشایسته ای دست زند، ستم کرده است».(۱) و عدالت به معنای خاص کلمه از دیدگاه ارسطو «برابر داشتن اشخاص و اشیاء است. هدف عدالت، همواره تأمین تساوی ریاضی نیست. مهم آن است که بین سود و زیان و تکالیف و حقوق اشخاص، تناسب و اعتدال رعایت شود».(۲)

ارسطو هم چنین از مفهوم انصاف در کنار عدالت سخن گفته است به عقیده وی:

«انصاف آن نوع از حقوق نا نوشته است که به قاضی، توان ارزنده ای می دهد تا به قانون از دریچه دیگری بنگرد.»(۳)

از دیدگاه ارسطو

«انصاف، قانونی از لطف، مهرورزی و نرمی است که در موقع ویژه به کار می آید و خشونتِ قانون را جبران می کند. او هم... چنین عدالت را به معاوضی و توزیعی تقسیم می کند».(۴)

ب) تعریف جامعه شناسان از عدالت

برخی از جامعه شناسان معتقدند عدالت آن چیزی است که وجدان عمومی آن را بپذیرد، و آنانکه نخواسته اند مفهوم مجرد وجدان عمومی را بپذیرند، می گویند:

«عدالت آن چیزی است که وجدان گروه بزرگی از مردم آن را

۱- همان.

۲- همان.

۳- همان

۴- ارسطو؛ سیاست، ص۷، حمید عنایت انتشارات نیل، تهران، ۱۳۳۷ ش .

درست بداند.»(۱)

در این میان برتراند راسل در تعریف عدالت می گوید:

«عدالت، عبارت از هر چیزی است که اکثر مردم آن را

عادلانه بدانند، یابه بیان دیگر، عدالت عبارت از نظامی است که آنچه را که به تصدیق عموم، زمینه هایی برای نارضایی مردم فراهم می کند به حداقل برساند».(۲)

وی بر این اساس نتیجه می گیرد که:

«سیستم عادلانه سیستمی است که در آن میزان نارضایی به حداقل ممکن برسد».(۳)

ج) تعریف حقوق دانان از عدالت

با مراجعه به تعاریف ارایه شده از سوی حقوق...دانان، به این جمع بندی می رسیم که بسیاری از ایشان و حتی غیر

حقوق...دانانی که در این زمینه اهل فکر و اندیشه هستند، اجرای عدالت را مستلزم اقبال اکثریت و تبعیت از آن نمی دانند.برای نمونه ارسطو در این باره می گوید:

«عدالت امری است که انسان عادل فکر می کند».(۴)

۱- کاتوزیان، ناصر؛ فلسفه حقوق، ج۱، ص،۶۲۵، تهران، ۱۳۸۰. به نقل از: دوگی، رساله حقوق اساسی، ج۱، ص۱۲۶ به بعد.
۲- راسل، برتراند؛ اخلاق و رسالت آن در جامعه، ص ۴۳، م، محمود حیدریان، چاپ وحید، تهران، ۱۳۴۶ ش.
۳- راسل، برتراند؛ اخلاق و رسالت آن در جامعه، ص ۴۳، م، محمود حیدریان، چاپ وحید، تهران، ۱۳۴۶ ش.
۴- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، ج۱، ص۶۲۶، تهران، ۱۳۸۰ ش.

واضح است که انسان عادل، در برگیرنده اکثریت یک قوم یا ملت نیست بلکه فرد خاصی از یک قوم یا ملت است. این مبنا با تعریف ارائه شده از سوی راسل در تعارض است. «لوفور» در این راستا در توضیح کلام ارسطو تاکید کرده و گفته است:

«نباید شمار اشخاص، ملاک رأی و نظر قرار گیرند بلکه باید نظر بهترین و صالح ترین مردم را مبنا قرار دهیم»(۱).

از این تعاریف روشن می شود که عدالت همواره چیزی نیست که اکثریت به آن رأی می دهند یا می خواهند. «روبیه» عدالت را دستاورد فکری حقوق...دانانی می داند که در جست و جوی قواعدی برای عدالت هستند و معتقد است آن چه ایشان بیان کنند، البته پس از تحقیق و مطالعه و هم فکری، همان عدالت است.

البته در بین حقوق...دانان و به طور کلی صاحب...نظران افرادی نیز هستند که عدالت را به توافق اشخاص تعریف کرده اند و هیچ قاعده مطلق و استاندارد مورد توافقی را برای تشخیص بنیادهای عدالت نپذیرفته اند که از این گفته معلوم می شود که عدالت چیز ثابت و غیر قابل تغییر نیست و در هر زمان و مکان مطابق با نیازهای آن دو، قابل تحول خواهد بود. از نام...دارترین قائلین به این نظریه، جان رالز، مشهورترین نظریه پرداز معاصر می باشد، او می گوید:

«عدالت همان است که برسر آن توافق شود».(۲)

۱- همان به نقل از: لویی لوفور، حقوق و سایر قواعد زندگی اجتماعی، آرشیو فلسفه حقوق، سال ۱۹۳۵ ش۳و۴ ص۱۹.
۲- قربان نیا، ناصر؛ عدالت حقوقی، ص ۱۳۲، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،چاپ اول، ۱۳۸۱ش.

د) تعریف صاحب نظران اسلامی از عدالت

در توضیح نظریه اسلام شناسان لازم به ذکر است که ایشان در حالت کلی به دو دسته اصلی تقسیم می شوند یک دسته قائل به حسن و قبح ذاتی هستند و دسته دیگر حسن و قبح ذاتی را قبول ندارند. اگر چه بنابر هر دو مبنا عدالت آن چیزی است که مصلحت افراد را تضمین می نماید، لکن فرقشان در آنجا...ست که دسته اول مصالح و مفاسد نفس الامری را قبول دارند؛ یعنی می گویند: عدالت آن چیزی است که مبنای همه احکام و دستورات دینی قرار گرفته است و دین نمی تواند حکمی که بر خلاف عدالت است، صادر کند. این دسته را اصطلاحاً «معتزله» می گویند که دیدگاه عدلیه نیز شبیه به این نظریه می باشد.در مقابل دسته دیگری وجود دارند که به طور خلاصه قائلند که هر چه خداوند بدان حکم کند، مصلحت و عدالت است و برای عدالت وجود مستقلی فرض نکرده اند. این دسته را اصطلاحاً «اشاعره» می گویند.

دانشمندان اسلامی و...اسلام شناسان نوعاً تعاریفی را از عدالت ارائه داده اند؛ لکن در بین آن...ها نوع نگرش شهید مطهری به جایگاه عدالت و نوع تعریف وی با توجه به آن جایگاه حائز اهمیت است، شهید مطهری ضمن انتقاد از

بی توجهی فقیهان به جایگاه عدالت به عنوان یک قاعده، معیار و میزان در استنباط، «اصل عدالت را از مقیاس...های اسلام می داند که همه چیز باید بر آن منطبق باشد. وی احکام دین را برخاسته و منطبق بر عدالت می داند نه معیار عدالت، نه با این معنا که چون دین گفته پس عدل است. بلکه آن چه عدل است، دین می گوید».(۱)

ص: ۲۵

۱- مطهری، مرتضی؛ عدل الهی، ص ۳۰ تا ۳۴، انتشارات صدرا، چاپ ۱۷، ۱۳۸۰ش.

استاد مطهری در کتاب بیست گفتار، عدالت را «وَضعُ الاُمورِفی موضعِها»(۱) تعریف می کند و در جای دیگری آن را «إعطاءُ کلِّ ذی حقٍّ حَقَّهُ»(۲) معرفی می نماید.

علامه طباطبایی درباره عدالت می فرماید:«و هی إعطاء کُلَّ ذی حَقٍّ مِن القُوی حقَّه و وضعُه فی موضعه الذی ینبغی له»(۳) و آن (عدالت) پرداختن به هر صاحب حقی است حقش را و قرار دادن آن در جایگاهی که سزاوار اوست.

از دیگر اسلام شناسان معاصر شهید صدر است که به نقش مبنایی عدالت توجه نموده است(۴). امام خمینی نیز با تأکید بر عدالت به عنوان میزان، معیارِ تعبیر و اندیشه فقهی خود را بر آن استوار ساخته است(۵).

برخی از فقیهان نیز به رغم آن که عدالت را معیار و میزان استنباط و محک آن ندانسته اند، در برداشت...های فقهی خویش به مقتضای عدالت توجه داشته اند.

علامه جعفری در تعریف عدالت می گوید:

«عدالت عبارت است از رفتار مطابق با قانون»(۶)

۱- مطهری، مرتضی، بیست گفتار، ص۹، صدرا، ۱۳۸۰ ش.

۲- . همان، اسلام و مقتضیات زمان، ج۱، ص۳۳۶، صدرا، ۱۳۶۲ ش.

۳- طباطبائی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القران، ج۱، ص۳۷۱، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۹۱ ق.

۴- صدر، سید محمد باقر؛ اقتصاد ما، ج ۱، ص۳۶۴، بی نا، بی تا.

۵- موسوی الخمینی، روح الله؛ کتاب البیع، ج۲، ص ۵۱، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

۶- جعفری تبریزی، محمد تقی؛ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج۳، ص ۲۵۴، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش.

و سپس اضـافه می نمایـد که این تعریف به نظر ما جامع ترین تعریفات برای عـدالت است؛ بـدون آن...که اشاره نمایـد مراد از قانون که تبعیت از آن معیار عدالت قرار گرفته است، چه قانونی است.

ه) تعریف علمای اخلاق از عدالت

عالمان اخلاق، عدالت را به

«انقیاد عقل عملی برای قوه عاقله» یا «سیاست کردن قوه غضب و شهوت» معنا کرده اند.(۱)

و) تعریف فقیهان از عدالت

فقیهان آن را ملکه ای نفسانی دانسته اند که به واجب فرمان می دهد و از حرام باز می دارد، بنابراین؛

«عادل کسی است که مرتکب گناهان کبیره نشود و بر ارتکاب گناهای صغیره اصرار نداشته باشد».(۲)

ز) تعریف همگان از عدالت

آخرین تعریفی که در این گفتار برای عـدالت به آن اشاره می کنیم، تعریفی است که مقبول تمام فرهنگ ها و همه ملل اسـت و آن ایـن اسـت کـه «آن چـه را برای خـود بپسـندیم کـه برای دیگران می‌پسـندیم». ایـن مطلب به عنـوان یکی از آمـوزه هـای فرهنگی تربیتی اسلام ترجمه این حدیث

شریف است که می فرماید: «أحبِب لِنَفسِك ما تُحِبُّ لِغَيرِكَ».

۱- . نراقی،مهدی؛ جامع السعادات، ۳ج، ج۱، ص ۵۲، چاپ دوم، اسماعیلیان، قم، ۱۳۸۳ ق.

۲- . انصاری، مرتضـی؛ رساله عـدالت، ضـمیمه مکاسب، ص۳۲۶، موسـسه مطبوعـات دینی، چاپ سوم، ۱۳۶۸ ش، به نقـل از محدث مجلسی و سبزواری.

ح) تعریف نویسنده از عدالت

کلیه تعاریف ارائه شـده دارای نقاط قوت و ضـعف می باشـند و هر کـدام در جای خود دارای معنا و کاربردی هسـتند اما هیچ کـدام جامع نبوده و در بر گیرنـده تمام اهـداف نگارنده در بحث عدالت اجتماعی نمی باشـند. فلذا سـعی ما بر آن است که با تـوجه بـه تعـاریف مختلفی کـه از عـدالت در دست داریم، تعریـف جـامعی را ارائه دهیم که دارای دو ویژ گی عـدم خروج از تنـاسب با معنای لغوی و تأمین کننـده نیاز ما در بحث عـدالت اجتماعی باشـد. بـدین منظور عـدالت را به صورت زیر که شاید تعریف به لازم باشد، تعریف می نماییم:

«عدالت یعنی برخورداری انسان از امکانات به میزان شایستگی و استحقاق جهت رسیدن به کمال مطلوب».

نکته ای که یـادآوری آن ضـروری است، این است که اگر بپـذیریم تعریف ارائه شـده تعریف به لازم است، در حقیقت، معنا چنین خواهد شد که عدالت را به هر شکلی که تعریف کنیم؛ اعم از تعاریف مذکور یا تعاریفی که در این...جا نیامده اند، باید چنین خاصـیتی داشـته باشد که موجب برخورداری انسان...ها از امکاناتی شود که متناسب با جایگاه و درجه مورد انتظار اسـت که مراد از درجه مورد انتظار، همان کمال مطلوب است

ص: ۲۸

مبحث دوم: بررسی مبانی تعریف جرم

اشاره

«در بین تمام واژه های حقوقی و جرم شناسی، هیچ واژه ای از نظر معنا و مفهوم به پیچیدگی واژه جرم یا بزه وجود ندارد».(۱) این پیچیدگی بیش از این...که مستند به بیان تعاریف شرح الاسمی یا لغوی متفاوت این واژه باشد، به اختلاف مکاتب، اندیشه ها، فرهنگ...ها و قوانین اجتماعی کشورها در مناطق مختلف جهان باز می گردد.

تعاریف صاحب...نظران ازجرم مختلف است. بعضی جرم را یک پدیده اخلاقی و عده ای آن را پدیده ای اجتماعی می دانند. «از نظر علمای اخلاق، قواعد اخلاقی چیزی است که از ندای درونی انسان سرچشمه می گیرد؛ این قواعد بی آن...که به دخالت دولت نیازمند باشد، معیار و میزانی برای تشخیص نیکی و بدی، ظلم و عدالت است»(۲).

در مقابل عده ای می گویند: جرم یک پدیده اجتماعی است؛ عوامل فرهنگی، اجتماعی و محیطی در بروز رفتار

مجرمانه مؤثر است. بنابراین، باید در شناخت و تبیین جرم، از روش...های جامعه شناختی استفاده کرد و از مشاهده وقایع، ملاحظات آماری، شرایط زندگی و رابطه بین جرم و سایر عوامل اجتماعی غفلت نکرد. این گروه، جرم را چنین تعریف کرده اند:

«جرم، عبارت است از نقض نظام اجتماعی، و رفتاری که با ضوابط فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه مغایرت دارد و احساسات عمومی را جریحه دار می سازد».(۳)

۱- . نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ و هاشم بیگی، حمید؛ دانشنامه جرم شناسی، ص۶۲، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.

۲- کرباسی، محمدمهدی؛ فارس نیوز، یکشنبه، ۱۷ / ۷ / ۸۴ .

۳- کرباسی، محمدمهدی؛ اینترنت، فارس نیوز، یکشنبه، ۱۷ / ۷ / ۸۴ .

چنان که «امیل دورکیم» جامعه شناس معروف فرانسوی می‌گوید:

«جرم یک پدیده طبیعی و اجتماعی است که از شرایط فرهنگی و تمدن هر جامعه ناشی می شود و شامل هر عملی است که وجدان عمومی را جریحه دار می کند».(۱)

در جرم شناسی، جرم را پدیده ای روشن و آن را فعل خلاف قانون می دانند که قانون برای آن مجازات تعیین نموده باشد(۲) برخی نیز بدون هیچ توضیح و تفسیری راجع به اصل جرم آن را «گونه ای از ناسازگاری فرد با جامعه معرفی می کنند».(۳) شاید غفلت از تبیین مفهوم جرم در علم جرم شناسی به این ایده بازگردد که اساساً بحث از معنا و مفهوم جرم خارج از بحث جرم شناسان و علم جرم شناسی است؛ و باید این مسئله در علوم شامل‌تر، مانند حقوق جزای عمومی بحث شود. شاید به همین دلیل بود که گاهی متخصصین این بحث به هنگام توضیح مفهوم جرم در عمل، به تبیین مکانیزم عمل مجرمانه توجه نموده‌اند تا به بررسی خود مفهوم جرم.(۴)

بعضی هم به جای غور در مفهوم جرم، به موضوعات مرتبط به این مفهوم پرداخته اند، به عنوان مثال «این‌که آیا جرم یک پدیده فردی است یا اجتماعی؟ رابطه جرم با گناه چیست؟ آیا جرم یک نوع بیماری است، آیا جرم نتیجه سوء کارکرد ساختار اجتماعی است؟»(۵)

ص: ۳۰

۱- ولیدی، محمد صالح؛حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۱۰۹، نشر داد، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.

۲- نجفی توانا، علی؛ جرم شناسی، ص۹۴، انتشارات خیام، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.

۳- کی نیا، مهدی؛ مبانی جرم شناسی، ج۱، ص۶۶، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰ ش.

۴- گسن، ریموند؛ جرم شناسی نظری، ص۱۵۱، ترجمه مهدی کی نیا، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۷۴ ش.

۵- نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید؛ دانشنامه جرم شناسی، ص۶۲، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.

جرم از منظر حقوق...دانان و جرم شناسان تعاریف مختص خود را دارد که عبارتند از:

الف – تعریف جرم به آثار

کمتر می توان مطلبی در کتب جرم شناسان یافت که مستقیماً به مفهوم جرم پرداخته باشد، ولی عموم جرم شناسان چون جرم را ناسازگاری افراد در اجتماع و عمل ضد اجتماعی می دانند در اصل به تعریف جرم به اعتبار اثر آن پرداخته اند. مثلاً کین برگ (جرم شناس سوئدی) ناسازگاری فرد را در اجتماع، عمل ضد اجتماعی و جرم دانسته است و فرّی (جرم شناس ایتالیایی) هر فعلی را که به حقوق افراد ضرر و زیان وارد آورد، ضد اجتماعی و جرم نامیده است.(۱)

در ارتباط با این بحث گاروفالو ایتالیایی هم جرائم را به دو نوع تقسیم نموده است:

«اول – جرائم طبیعی، که احساسات اولیه بشر یعنی عطوفت و شفقت را از بین برده و حیثیت و شرافت را در هر گروه اجتماعی جریحه دار می کند. این احساسات همیشه در نهاد بشر وجود دارد و تغییر ناپذیر است و از قدیم الایام ملاک تشخیص خوب از بد قرار گرفته است.

دوم – جرایم قراردادی که به احساسات تحول پذیر و تکامل یافته لطمه می زند. در این صورت مجازات، واکنش اجتماعی جرم است، لذا قاضی باید از طریق مجازات خطری را که از جانب مجرم متوجه جامعه است، مد نظر قرار دهد، یعنی نباید متکی به مجازات...های مندرج در قانون باشد، چون قانون گذار نمی تواند انواع مختلف حالت...های خطرناک را قبلاً پیش بینی

۱- سالمی، مجید؛ درآمدی بر باز شناسی عوامل درون زا و برون زا درجرم شناسی، ص۲۶، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد نراق.

نموده ومجازات آن را تعیین کند، پس باید اصل قانونی بودن وجرایم ومجازات ها لغو شود.»(۱)

با دقت در تعاریف فوق به روشنی می توان دریافت که در موارد فوق جرم از منظر اثرش که نقض قانون، ارتکاب عمل ضد اجتماعی، ارتکاب عمل ضد طبیعت انسان و یا ارتکاب عمل ضد قرارداد اجتماعی است، مورد توجه قرار گرفته است.

ب – تعریف جرم به موضوعات

منظور از تعریف جرم به موضوعات این است که گاهی جرم شناسان در تعریف جرم، به اعتبار موضوع جرم آن را تعریف می کنند، یعنی به جای این...که خود جرم را به عنوان یک پدیده توصیف کنند به موضوعاتی که جرم به آن...ها تعلق می گیرد، توجه نموده آن...گاه در قالب موضوعات جرم به تعریف آن می پردازند و طبعاً چون موضوعات جرم با هم تفاوت داشته و بعضاً با هم متباین هستند، ابتدا جرم را با توجه به موضوعش تقسیم نموده، بعد به تعریف آن می پردازند. مانند تقسیم جرم به جرم بدوی یا جرم سازمان یافته و تشکیلاتی،(۲) یا به صورت واضح تر مانند تقسیم جرم، به جرم جمعی (چند عمل متوالی که هر یک و همگی جرم باشند. مانند این که دزدی به

۱- دانش، تاج زمان؛ مجرم کیست جرم شناسی چیست، ص ۸۰، کیهان، تهران، ۱۳۷۹ ش.

۲- منظور از جرم بدوی، جرمی است که واکنش فرد در قبال اعمال، جزیی، شدید و توأم با خشونت است و فرد نمی تواند واکنش خود را به تعویق بیاندازد و یا متناسب عمل کند. ایجاد حریق، قتل نوزاد و سرقت از مغازه های بزرگ از جمله جرایم ارتکابی این دسته است. و منظور از جرایم سازمان یافته این است که وضعیت و موقعیت خاص برای ارتکاب جرم وجود دارد و مجرمین با طرح نقشه، نشانی محل، خرید لوازم مورد نیاز، انتخاب شرکاء و معاونین جرم مقدمات ارتکاب جرم را فراهم می کنند.(ر . ک – تاج زمان، دانش؛ مجرم کیست جرم شناسی چیست ص ۹۰ تا۹۴ .)

خانه ای رود و به دفعات از اثاث خانه بـدزدد) و جرم سیاسـی (بزه علیه سازمان ها و طرز اداره حکومت و یا علیه حقوق ناشـی از آن) و جرم عمومی (جرم خلاف مصالح عامه) و انواع بسـیار دیگر که وجه اشتراک تمام آن‌ها این است که این تقسیمات به هـدف تعریـف کردن جرم صورت گرفته است، یعنی مَقسَم همه آن‌هـا یـک مفهوم کلی از جرم است که آن مفهوم کلی، همان «نقض قانون و نقض عمل پسندیده است.(۱)

ج – تعریف جرم بنفسه

اشاره

مراد از جرم بنفسه، توصـیف خود جرم به عنوان یک پدیـده و رخداد است، به طوری که در تعریف به جایگاه و منزلت معنای اصطلاحی آن در بین دیگـر اصطلاحات حقوقی و کیفری توجه شود.(۲)

هم‌چنین در قانون مجازات اسلامی، در ماده ۲، جرم چنین تعریف شده است:

«هر فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می شود».

جرم در زبـان قرآن کریم، عبـارت از انجـام دادن فعل یا گفتن قولی است که شارع، آن را منع کرده و برای آن کیفر قرار داده است. به عبارت دیگر، جرم یا گناه عبارت است از مخالفت با اوامر و نواهی شارع مقدس.

دیـدگاه قرآن کریم به عنوان عـالی ترین صـاحب‌نظر در این مبحث ذکر گردیـد، بـدیهی است صـاحب‌نظران اسـلامی باید تعاریف خودشان را با این

ص: ۳۳

۱- سـالمی، مجیـد؛ درآمـدی بر بازشناسـی عوامـل درون‌زا و برون‌زا در جرم شناسـی، ص ۲۷، پایان نامه کارشناسـی ارشد دانشگاه آزاد نراق، ۱۳۸۰ ش.

۲- همان.

تعریف که از سوی قرآن کریم ارائه گردیده است منطبق نمایند. بر همین اساس جرم در دیدگاه فقها دارای دو اصطلاح است:

۱– اصطلاح عام:

که عبارت است از ارتکاب هر فعل حرام یا ترک واجبی که شارع، آن را ممنوع کرده است و مرتکب آن را مستحق کیفر دنیوی از جمله حدود، قصاص، تعزیر یا پرداخت دیه می داند.

۲– اصطلاح خاص:

که از آن به جنایت به نفس یا عضو تعبیر شده است و آن عبارت است از هر نوع صدمه و تجاوز ناحق نسبت به جسم و جان دیگری یا تعرض نسبت به مرده که مجازات آن قصاص نفس یا قصاص عضو یا پرداخت دیه است.

بر اساس تعاریف مختلفی که در رابطه با جرم ارائه شده است، می توان تخلف از حد و مرز تعیین شده در هر جامعه ای را به عنوان قدر مشترک آن تعاریف پذیرفت.

در بحث تعریف عدالت گفتیم معیار عدالت آن است که آیا آن فعل یا ترک فعل موجب کمال است یا نه؛ اگر موجب کمال است پس عین عدالت و گرنه ظلم خواهد بود. بدین ترتیب به نظر نگارنده جرم عبارت است از هر فعل یا ترک فعلی که مانع از رشد و کمال مطلوب اشیاء خصوصاً انسان...ها شود.

طبق این تعریف که به اعتقاد نگارنده جامع نیز هست نه افراد جامعه به خاطر ظالمانه بودن قوانین اقدام به زیر پا گذاشتن آن...ها می کنند و نه سیستم حاکم می تواند هر نوع حکمی را به بهانه های مختلف صادر و جامعه را ملزم به رعایت آن...ها بنماید. بلکه تنها قوانینی را وضع خواهد کرد که در راستای کمال افراد و جامعه باشد و در این صورت کسی هم اقدام به قانون شکنی نمی...نماید، چرا

که قوانین در راستای هدایت جامعه به سوی کمال است و

هیچ کس از رسیدن به کمال ناخرسند نمی شود مگر از روی لجاجت و عناد که این دسته هم به راحتی جرمشان قابل اثبات است.

از سوی دیگر این تعریف از جرم تمام موارد خلاف اخلاق، گناهان صغیره، کبیره، جرم ـهای پیش بینی شده در قانون و یا پیش بینی نشده را شامل می شود، و تحقق عدالت اجتماعی مورد بحث نیز به کاهش جرمِ به این تعریف می انجامد.

در تبیین رابطه منطقی جرم و گناه مصطلح نیز از یک منظر می توان بین آن دو نسبت عام و خاص من وجه بر قرار نمود؛ زیرا جرم، اصطلاحی قانونی است که هر تخلفی را که برای آن مجازاتی در قانون پیش بینی شده است شامل می شود و گناه، اصطلاحی دینی است که شامل موارد تخلف از موازین شرعی می شود که برای آن حکم تعزیر یا حد تعیین شده است. اما در این تحقیق جرم و گناه، مساوی فرض شده اند چرا که هر دوی آن ـها طبق تعریف، موجب محرومیت از به کمال رسیدن موجودات می شوند.

در حقیقت با معنای ارائه شده از جرم که عبارت است از هر فعل یا ترک فعلی که مانع از رسیدن انسان به کمال مطلوب شود و تعریف گناه به طوری که شامل همه صغایر و کبایر شود، در می یابیم که نسبت بین این دو واژه با توجه به دیدگاه نگارنده تساوی است.

ص: ۳۵

مبحث سوم: مفهوم عدالت اجتماعی

بعضـی اندیشـمندان، عـدالت اجتماعی را به عـدالت اقتصادی معنا کرده اند که در آن صورت از مبحث ما خارج است چرا که عدالت اقتصادی اخص از عدالت اجتماعی مورد نظر نگارنده می باشد و در مقابلِ عدالت سیاسـی، حقوقی، فرهنگی و ... قرار می گیرد.

برای توضـیح بیشتر به گفتار بعضـی اندیشـمندان در این زمینه می پردازیم. یکی از آن اندیشـمندان سید قطب است که درباره عدالت اجتماعی چنین می گوید:

«به درستی که عدالت اجتماعی در اسـلام، عدالت انسانی برای همه جوانب حیات انسانی و ارکان حیات انسانی است، و هرگز مراد از عـدالت اجتماعی تنها عـدالت اقتصادی نیست، بلکه آن (عدالت اجتماعی) شامل جمیع مظاهر حیات و جنبه های شادی آفرین حیات می گردد، هم...چنان که شامل ادارااک صحیح، مشی و منش درست و درونیات و وجدانیات می گردد و ارزش... هایی را که این نوع عـدالت شامل می شود تنها ارزش...های اقتصادی و ارزش های متعارف و عادی به نحو عموم نیسـتند بلکه آن ارزش ها ترکیبی از ارزش های اقتصادی و معنوی و روحی می باشـند که اسـلام به پا داشته است. عدالت انسانی که مبتنی بر دو رکن قوی است. یکی ضـمیر بشری که درونی است و دیگری تکلیف قانونی که در محیط زندگی است و اساس عدالت اجتماعی عبارت است ازآزادی فکر به طور مطلق و مساوات

ص: ۳۶

انسان...ها به طور کامل و حمایت اجتماعی محکم»(۱).

یکی دیگر از دانشمندان علوم اسلامی سید محمد باقر صدر است که درباره عدالت اجتماعی نظر دیگری دارد که تنها شامل جنبه اقتصادی و محدود به آن است. وی معتقد است «نظام عام اقتصاد اسلامی از سه رکن تشکیل شده است که عبارتند از اصل ملکیت مزدوجه(۲) و اصل آزادی اقتصادی در کادر مح-دود و اصل ع-دالت اجتماعی»(۳)

سپس در ادامه می گوید:

«شکل اسلامی عدالت اجتماعی، دارای دو اصل عمومی است که برای هر یک از این دو اصل، راه...ها و تفصیلاتی وجود دارد:

۱- اصل همکاری عمومی (تکافل عام).

۲- اصل توازن اجتماعی.

ص: ۳۷

۱- « ان العداله الاجتماعیه فی الاسلام، عداله انسانیه لکل جوانب الحیاه الانسانیه و مقوماتها، ولیست مجرد عداله الاقتصادیه محدده، و هی تتناول جمیع مظاهر الحیاه و جوانب النشاط فیها، کما تتناول الشعور و السلوک و الضمایر و الوجدانات، والقیم التی تتناولها هذه العداله لیست القیم الاقتصادیه وحدها، و لیست القیم المادیه علی وجه العموم و انما هی ممتزجهٌ بها القیم المعنویه و الروحیه جمیعاً و ان الاسلام اقام العداله الانسانیه الشامله علی رکنین قوبین الضمیر البشری من داخل النفس، و التکلیف القانونی فی محیط المجتمع. واسس العداله الاجتماعیه هی التحرر الوجدانی المطلق و المساواه الانسانیه الکامله و التکافل الاجتماعی الوثیق (ر . ک . محمود آل محمود، التامین الاجتماعی فی ضوءه الشریعه الاسلامیه، المطلب الثانی).

۲- مراد از مالکیت مزدوج (مختلط) یعنی مالکیت خصوصی، عمومی و دولتی است در مقابل شکل واحد مالکیت که سرمایه داری و سوسیالیسم به آن معتقد هستند، ر . ک، صدر، سید محمد باقر، اقتصاد ما، ج ۱، ص ۳۵۶، بی نا، بی تا.

۳- همان، ص ۳۵۴.

در همکاری و توازن با مفهوم اسلامی، ارزش‌ـهای عادلانه اجتماعی تحقق می پـذیرد و ایـده های اسـلامی عـدالت اجتماعی جلوه گر می شود».(۱)

چنـان که از گفتار شـهید صـدر پیـداست طبق نظر ایشان در صورت تحقق عـدالت اجتماعی با رویکرد اقتصادی جامعه انسانی برتر شکل خواهد گرفت.

یکی دیگر از اندیشـمندان اسلامی محمود عبدالمنعم خفاجی است که عدالت اجتماعی را به معنای عام و در همه شئون عادی و معنوی زندگی بشری جاری می داند. او می گوید:

«به درستی که عـدالت اجتماعی یعنی عـدل، مهربانی، همکاری و محبت بین مردم و این‌ـها عبارتنـد از ایثار (تقـدم دیگری بر خود) و جان‌ـفشانی و مقدم داشـتن مصـلحت جمع بر مصـلحت فرد و بخشـش نمودن نسـبت به آن چه در بساط دارد، کمک نمـودن بـه هر محتـاجی، ایـن‌ـهـا از نـاحیه معنـوی تقـویت می کنـد آزادی فردی حقیقی را ... و در نـاحیه سیاسـی، دعـوت به دموکراسـی، شوری، آزادی رأی، مسـاوات و برادری بین مردم می‌ـنماینـد و در نـاحیه اجتمـاعی با فقر مبارزه نموده و غنی را موظف به وظایف اجتماعی می نماید که بر اساس آن باید حقوقی را اداء نماید و واجب می شود بر دولت که مراقب اداء این حقوق باشد».(۲)

۱- صدر، سید محمد باقر؛ اقتصاد ما، ج ۱، ص ۳۶۴، بی نا، بی تا .

۲- (ان العـدالهالاجتماعیه هی العدل و التعاطف والتکافل و المحبه بین الناس و هی الایثار و التضـحیه و تقدیم مصـلحه الجماعه علی مصـلحه الفرد و هی الألم لشقاء الناس و بذل ما فی الید و مساعده کل ذی محتاج و هی، من الناحیه المعنویه، تدعم الحریه الفردیـه الصـادقه، و من النـاحیه الاقتصـادیه تهـدف الی مقـاومه الاسـتغلال فی شـتی صـوره، و من النـاحیه السیاسـیه تـدعوا الی الـدیمقراطیه و الشوری و الحریه الرای، و المساواه، و الاخاء بین الناس، و من الناحیه الاجتماعیه تقاوم الفقرو تجعل الغنی وظیفه اجتمـاعیه تنـاط به حقـوق یجب ان تؤدی و یجب علی الـدوله ان تراقب اداءهـا ... الـخ) . ر . ک . محمود، آل محمود، التـأمین الاجتماعیه فی ضوءه الشریعه السلامیه، ص ۸۱.

واضح است که فقط در شرایطی عدالت اجتماعی به این صورت و در تمام زمینه های حیات بشری تحقق یابد، می توان انتظار برچیده شدن بساط ظلم و جور و ستم و در یک کلمه برچیده شدن بساط جرم در سطح جامعه را داشت.

از دیگر دانشمندان اسلامی شیخ محمد ابوزهره هست که عدالت اجتماعی را به عدالت اقتصادی تعبیر نموده است و آن را ضامن توازن اجتماعی می داند، وی می گوید:

«به درستی که عدالت اجتماعی معنایش توانایی داشتن هر صاحب قدرتی است از این که به مقدار توانایی اش کار انجام دهد، به این معنا که فرصت های مناسبی را برای بروز و ظهور همه توان ها ایجاد شود و هر کس به نسبت توانایی در مرتبه مناسب قرار گیرد و این که عاجزینِ از عمل مورد تکفل واقع شوند برای ادامه حیات و دستیابی به سهم و بهره خویش از زندگی تا زمانی که به یک نیرویی در جامعه برسند در صورتی که فعلاً طفل هستند از گرسنگی و برهنگی تأمین شوند و همچنین اگر پیر سالخورده هستند که امیدی به زایل شدن سبب ناتوانی ایشان وجود ندارد، و این در صورتی است که برای هر کسی که توان فراهم نمودن اسباب زندگی را ندارد، مسکن مناسب و لباس

مناسب و غذایی که رفع مخمصه و گرسنگی بنماید فراهم شود»(۱).

چنان...که از متن سخن این اندیشمند روشن می شود مراد وی از عدالت اجتماعی مفهوم خاص آن یعنی عدالت اقتصادی می باشد.

بعضی دیگر از اندیشمندان؛ از جمله محمود آل محمود، عدالت اجتماعی را به معنای تساوی عادلانه بین افراد اجتماع گرفته اند که باید به واسطه دولت تحقق یابد. وی می گوید:

«عدالت اجتماعی یعنی تساوی عادلانه از سوی دولت بین افراد جامعه در آنچه نیاز زندگی ایشان است که عبارت باشد از مسائل سیاسی، اقتصادی، قانونی، اخلاقی، تربیتی و غیر این...ها، و نیز تساوی در آنچه که به دست می آید. از لابه لای اصول و قواعد و قوانین و ارزش...ها و توجیهاتی که تثبیت می کنند حقوق و واجبات را و محکم می کنند علاقه طرفینی بین دولت و افراد جامعه، و نیز بین بعضی افراد با بعض دیگر را»(۲).

۱- (ان العداله الاجتماعیه معناها تمکین کل ذی قوه من ان یعمل بمقدار طاقته، بحیث تهیأ الفرص المناسبه لکی تظهر لکل القوی، و توضع کل قوه فی مرتبتها، و ان توجد الکفاله للعاجزین عن العمل لکی یعیشوا او ینالوا حظهم من الحیه لیکونوا قوه فی الجماعه ان کانوا صغاراً، و لیامنوا الجوع و العری ان کانوا کباراً لایرجی ان یزول سبب عجزهم، و ذلک بان یهیا لکل من لایجد اسباب العیش المسکن المناسب، و الکساء المناسب، و الغذاء الذی یدفع المخمصه و الجوع. ر . ك . شیخ محمد ابوزهره، التامین الاجتماعی فی ضوءه الشریعه الاسلامیه، محمود آل محمود، ص ۷۹.

۲- .... العداله الاجتماعیه و هو التسویه العادله من الدوله بین ابناء المجتمع فیما یمس حیاتهم من الجوانب السیاسیه و الاقتصادیه و القانونیه و الاخلاقیه و التربویه و غیرها، و التی تتبع من خلال المبادی و القواعد و القوانین و القیم و الاتجاهات التی تقررالحقوق و الواجبات و تحکم العلاقه المتبادله بین الدوله والافراد و بین الافراد بعضهم و بعض. ر.ك. شیخ محمد ابوزهره، التامین الاجتماعی فی ضوءه الشریعه الاسلامیه؛ محمود ال محمود، ص۸۱ تا ۸۲ .

البته آنچه ما قبلاً ـ رد کردیم تساوی به معنای ریاضی بود و عبارت این نویسنده «التسویه العادله» است که اگر مراد از آن تساوی به شرط عدالت باشد مورد قبول است یعنی مرادش آن است که تساوی اگر عادلانه نبود دست از تساوی برمی داریم نه دست از عدالت، اگر چنین باشد همان است که ما در تعریف عدالت اجتماعی قائل شدیم و در غیر این صورت مردود است.

پس از بیان نظرات اندیشمندان اینک جا دارد مختار خود را درباره مفهوم عدالت اجتماعی یک بار دیگر یادآور شویم. نگارنده نیز به تبع بعضی اندیشمندان به عدالت اجتماعی به معنای عام که جمیع شؤون حیات بشری را فرا می گیرد؛ اعم از اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و .... معتقد است.

ص: ۴۱

فصل دوم :عوامل و موانع تحقق عدالت اجتماعی

اشاره

پس از تبیین مفهوم عـدالت، جرم و نیز عـدالت اجتماعی در بخش نخست، اینک بر با تمرکز بیشتر بر عدالت اجتماعی، عوامل و موانع تحقق عـدالت اجتمـاعی را مورد بررسـی قرار می دهیم. در مبحث اول عوامل تحقق عـدالت اجتماعی و در مبحث دوم موانع تحقق عدالت اجتماعی را بررسی می کنیم.

مبحث اول: شناخت عوامل موثر در تحقق عدالت اجتماعی

اشاره

پس از بررسی و تبیین راه‌های تحقق عدالت اجتماعی که عبارت بود از تبیین و شناخت معیار عدالت در دو حوزه فردی و اجتماعی و نیز تعیین گستره عدالت اجتماعی که شامل قبل و بعد از تولد انسان و نیز بعد از مرگ می شد، اینک در مبحث سوم به بازشناسی عوامل موثر در تحقق عدالت اجتماعی خواهیم پرداخت.

این عوامل به سه دسته تقسیم می شوند و در سه گفتار به شرح زیر مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند:

گفتار اول: وجود افراد صالح و عادل

به طور مسلم یکی از ارکان پیش‌برد هر برنامه ای وجود نیروهای کارآمد و مورد نیاز متناسب با اهداف آن برنامه می باشد. بدیهی است اجرای کار سخت تر و

هدف دست نیافتنی تر مستلزم این است که نیروهای انسانی که به عنوان عوامل کارگزار محسوب می شوند از کیفیت بالاتری برخوردار باشند خاصه این‌که زحمات این دسته افراد پاداش سریع الوصولی نیز نداشته باشد. یکی از آن موارد که نمونه تمام عیار ایثار، انفاق، تحمل

ص: ۴۴

درد و رنـج و ناملایمات گوناگون حیثیتی، اقتصادی و جانی می باشد، کارگزاری در راسـتای تحقق عدالت اجتماعی است؛ از آن...جا که فاقـد شـئ نمی توانـد معطی شـئ باشـد و نیز ذات نایـافته از هسـتی بخش کی توانـد که بود هسـتی بخش، لازم و ضروری است که دست انـدرکاران تحقق عـدالت اجتماعی خود افرادی صالح و امین و عادل باشـند. در همین زمینه به کلامی از امـام کاظم (علیه السّـلام) اشاره می کنیم که می فرمایـد: «لا یَعـدِلُ إلاَّ مَن یُحسِنُ العـدلَ».(۱) عـدل را محقق نمی کنـد مگر کسی که عدل را نیکو بشمارد.

که قطعاً مراد نیکو شـمردن در عمل است نه این...که صـرفاً به زبان نیکو بشمارد. و نیز امام صادق (علیه السّلام) در حدیثی می فرماید:

«إتقواالله و أُعـدِلوا فَإنَّکم تَعیبُونَ علی قومٍ لا یَعـدلونَ».(۲)تقوا پیشه کنیـد و عدالت را جاری کنید، بدرستی که شـما مذمت می کنید کسانی را که عدالت پیشه نیستند.

از این حـدیث شـریف و امثـال آن فهمیـده می شود شـرط عـدالت گسـتری، تقواپیشه بودن و عـدالت داشـتن است، چون ذیل حدیث می فرماید انکم تعیبون علی قومٍ لا یعدلون، چه کسـی اولی از کارگذاران در مذمت و عیب شـمردن بی عدالتی مردم، ایشان اگر می خواهنـد به دیگران بگوینـد بی عـدالتی نکنیـد چرا که عیب است و مذموم است، پس حتماً و به طریق اولی باید خـود، مـبرای از این عیب باشـند.همچنین در روایـتی نورانی از امیر مومنـان علی (علیه السّـلام) آمـده است: «لاـ یَکون العِمران، حَیثُ یَجورُ السُّلطان».(۳)عمران محقق نخواهـد شـد در جایی که سـلطان ظلم و جور کنـد. طبق مسـتفاد از این روایت شـریف عمران محقق نخواهد شد در صورتی که سلطان جائر باشد و

۱- الکلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب؛ اصول الکافی، ج۱، ص۵۴۲، دار الاضواء بیروت.

۲- همان، ج۲، ص۱۴۷.

۳- آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غررالحکم و دررالکلم، ح۳۵۰، بی نا، تهران، ۱۳۳۷ ش.

می دانیم که برترین و والا-ترین عمران ها تحقق عدالت است که در سایه آن همه آبادانی های دیگر تحقق خواهند یافت چنان...که در سایه ظلم خرابی وسیه روزی مستولی خواهد گشت.

درست است که روا یت مذکور تصریح به سلطان نموده است اما مراد از سلطان، تنها حاکم نیست، بلکه مراد قدرت غالبه است، که شامل عوامل و کارگزاران نیز می شود. در همین راستا مؤلفان کتاب گران سنگ الحیاه ذیل این روایت تصریح می...کنند که:

«ألمَقصودُ بالسُلطان فی أمثالِ هذه التعالیم، هوالقُدرهُ الغالِبَهُ أَیَّهً کانَت. فَلَیس فیها تقریرٌ للملوکیَّهِ الغاشِمَه ... و علی أیِّهِ حالهٍ فَالامرُ عامٌّ ولا یکونُ عِمرانٌ مَعَ الجور و خصوصاً جور حُکمٍ یأتی لإقامَهِ العَدل و إبادَهِ الإستکبار و الإستضعاف و لا یُتفاوتُ فی ذلک أن یَقَعَ الجورُ مِن أیِّ شَخصٍ و بِأیِّ إسمٍ».(۱)

مقصود از سلطان در مثل این تعالیم، همان قدرت غالبه است هر کس که باشد. پس نه چنین است که در آن ها تعیین در افراد خاصی باشد مثل ملوک. در هر حال، مورد عام است و مفهوم آن این است که مطلقاً هیچ عمرانی با جور وجود پیدا نخواهد کرد خصوصاً جور و ظلم از ناحیه حکمی که به قصد برقراری عدالت و قطع ریشه استکبار و استضعاف باشد و هیچ تفاوتی هم نمی کند که این جور از چه شخصی و به چه اسمی باشد.

در همین راستا آیه شریفه سوره مبارکه صف افراد را از گفتن آن...چه که خود به آن عمل نمی کنند بر حذر می...دارد، و می فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا سخنی می گویید که عمل

ص: ۴۶

۱- حکیمی، محمد رضا، محمد، علی؛ الحیاه، ج۶، ص۳۵۴، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.

نمی کنید».(۱)

برای تحقق عدالت اجتماعی، باید ابتدا از خود این افراد مدعی که همان قدرت غالبه بر جامعه هستند این مهم شروع شود، اگر ایشان صالـح و عادل نباشـند قطعاً اوامرشان چه ارشادی چه مولوی در دل دیگران تأثیری نخواهـد گذاشت، بلکه تأثیر سوء نیز خواهد داشت.

به همین سبب است که خداونـد متعال نیز برای برقراری عـدالت و تحقق هـدایت و انجام رسالت عهـد خود را از ظالمین دریغ داشت و فرمود:

«... لا یَنالُ عَهدِی الظّالِمینَ»(۲)پیمان من به ستمکاران نمی رسد.

خداونـد این مهم را به کسانی واگـذار کرد که اهلیتش را داشـتند و محور و میزان حق بودند چنان...که در زیارت جامعه کبیره که در حقیقت شناسنامه گویای ائمه(علیهم السّلام) است می خوانیم:

«والحقُّ مَعَکُم و فیکُم ومِنکُم وإلَیکُم وأنتُم أهلُه ومَعـدِنُهُ ومیراثُ النُّبـوَّهِ عِنـدَکُم وإیـابُ الخَلقِ إلیکُم وحِسـابُهُم عَلیکُم و فَصـلُ الخِطابِ عِندَکُم و آیاتُ اللهِ لَدَیکم وعَزائِمُهُ فیکم و نُورُه و بُرهانه عندکم و أمرُهُ إلیکم».(۳)

حق با شما و در شما و از شما و به سوی شماست و شما اهل حق و معدنش هستید، میراث نبوت [که

مجموعه ای از فعل، قول، تقریر در کلیه زمینه های اجتماعی، سیاسـی، اخلاقی، دینی و ... است] نزد شـماست و بازگشت خلق به سوی شماست و حساب...

۱- یا ایها الذین امنوا لم تقولون ما لا تفعلون، (صف،۲).

۲- بقره، آیه ۱۲۴.

۳- قمی، شیخ عباس (ره)؛ مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره، ص ۱۰۰۲ تا ۱۰۰۳، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

رسی ایشان بر عهده شماست و حرف آخر نزد شماست [به شفاعت یا عفو یا هر چیز دیگر ...] و نشانه های خدا [جهت هدایت] نزد شماست و اسرار مهم نبوت در میان شماست و نور و برهان خداوند نزد شما و امر خداوند مربوط به امر شماست.

قبل از این فراز از دعا معیار انسان های صالح و غیر صالح نیز در فرازی دیگر بیان شده است:

«فالرَّاغِبُ عنکم مارِق و اللازمُ لَکُم لا حق و المُقصِّر فی حَقِّکم زاهِق»(۱)؛

هر کس از طریق شما برگشت از دین خدا خارج شده و هر کس ملازم امر شما بود (به شما خاصان) ملحق گشت و هر کس در حق شما کوتاهی کرد محو و باطل گردید.

در این فرازهای نورانی از زیارت جامعه کبیره، ملاک..های افراد صالح و عادل که باید مسئول هدایت و نیز عهده دار تحقق عدالت در جامعه باشند مشخص گردید همچنین روشن شد که بدون وجود چنین افرادی تحقق عدالت محال است.

۱- قمی، شیخ عباس (ره)؛ مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره، ص ۱۰۰۲، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

گفتار دوم:حاکمیت عدل

پس از آن...که نیاز به وجود افراد صالح و عادل جهت تحقق عدالت اجتماعی ثابت شد اینک رکن دیگری را که حاکمیت عدل است به عنوان یک ضرورت برای تحقق عدالت اجتماعی بررسی می کنیم. پس از قبول و پذیرش ضرورت وجود حکومت - که جای اثباتش این جا نیست و این مقاله مجال پرداختن به آن را ندارد بلکه به عنوان یک فرض مورد قبول آن را تلقی می نماید- اینک تمام همت را صرف تثبیت نقش و تأثیر حاکمیت عدل در تحقق عدالت اجتماعی می گردانیم. در نُصوص آیات و روایات سفارش...های زیادی به سردمداران حکومت ها در خصوص عدالت پیشگی و عدالت محوری شده است. مثلاً خداوند متعال خطاب به پیامبرش حضرت داوود (علیه السّلام) می فرماید:

«یا داوُودُ إنَّا جَعلناکَ خَلیفهً فی الارض فاحکُم بَینَ الناسِ بِالحقِّ ولاتَتَّبع الهَوی فَیُضِلَّکَ عن سَبیل الله».(۱)

ای داوود ما تو را خلیفه (و نماینده خود) در زمین قرار

دادیم، پس در میان مردم به حق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد.

همچنین در آیه ای دیگر به رسولش می فرماید:

«... و إن حَکَمتَ فَاحکُم بَینهم بِالقسط إنَّ اللهَ یُحبُّ المُقسطین».(۲)

«اگر میان آن...ها داوری کنی، با عدالت داوری کن، که خدا

۱- صاد، ۲۶.

۲- سوره مائده، آیه ۴۲.

عادلان را دوست دارد»

گذشته از آیات قرآنی که دو نمونه آن...ها را ذکر کردیم، روایات بسیاری در رابطه با نقش و اهمیت حاکمیت عدل در برقراری عدالت در جامعه و نیز مذمت از حاکمیت جور و نقش آن در رواج بی عدالتی در جامعه وجود دارد که به بخشی از آن...ها اشاره می کنیم.

در روایتی حضرت امام صادق(علیه السّلام)حکم مشروع را فقط و فقط حکم حاکم عادل معرفی نموده و می فرمایند: تحت ولایت چنین شخصی هر حقی احیاء و هر ظلم و جوری خواهد مرد:

«...فوجهُ الحلالِ مِن الوِلایهِ وِلایهُ الوالی العدل، الذی اَمَرَالله بمَعرفته وَ وِلایتهِ و العَملِ لَهُ فی ولایته، فاذا صارَ الوالی والیَ عدلٍ، بِهذه الجِهه (ای جههُ الولایهِ التی أمَرَالله باتِّباعِها)، فالولایهُ له و العملُ مَعه و مَعُونَتُهُ فی ولایته و تقویَتُه حلال مُحلّل، و حلالٌ الکَسبُ مَعهم، و ذلک لِأنَّ فی ولایهِ والی العدل و وُلاتهِ، إحیاءَ کُلِّ حَقٍّ و کُلَّ عَدلٍ، وَ إماتَهَ کُلِّ ظُلمٍ و جورٍ و فسادٍ. فلذلک کان الساعی فی تقویه سلطانه و المعین له علی ولایته، ساعیهً الی طاعهِ الله مُقوِّیاً لِدینه».(۱)

... صورت حلال (صحیح) ولایت (حاکمیت)، ولایت والی عادل است، او کسی است که خداوند فرمان به شناخت، همکاری و یاری او در امر ولایتش نموده است وقتی والی، والی عدل شد به این جهت (یعنی جهت ولایتی که خداوند امر به تبعیتش نموده است) پس ولایت برای اوست و همکاری با او و یاری کردنش

۱- حکیمی، محمد رضا، محمد، علی؛ الحیاه، ج ۶، ص۳۴۴ تا ۳۴۵، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش، به نقل از حرانی، تحف العقول، ص۲۴۴.

در امر ولایت و تقویت (ارکان حکومت)او حلال و جایز است... و کسب با ایشان (والیان عادل) حلال است.

و این بـدان خـاطر است که در ولاـیت والی عـادل و کـار گزارانش زنـده شـدن هر حق و عـدل و نیز مرگ هر ظلم و جـور و فسـادی محقق است. به همین علت کسـی که سـعی در تقویت سـلطان عـادل نمایـد و او را یاری دهـد در امر ولایتش از سـعی کننـدگان به سوی طاعت خـدا و تقویت کنندگان دین او محسوب خواهد شد. بسـیار واضح و روشن است که اگر در جامعه... ای انسـان...هـای عـادل و صالـح وجود داشـته باشـند، شـرایط دیگر مثـل منابع مالی و پـذیرش عمومی هم باشـد اما باز عـدالت حاکمیت نداشـته باشـد یعنی حاکم و عمال او عادل نباشـند تحقق عدالت اجتماعی محال است.نمونه بارز این مسـئله، حضـرت علی (علیه السّـلام) می باشـد که مجسـمه و الگوی همه خوبی ها و در رأس آن...ها اسوه عدالت بود لکن حاکمیت نداشت لذا جامعه از فیض وجود فیاض این انسان کامل محروم بود. همین امام معصوم و مظلوم (علیه السّلام) در حدیثی می فرمایند:

«مَن عَدَل فی البِلاد، نَشَرالله علیه الرحمهَ»(۱)؛ کسی که عدالت را پیشه خود قرار دهد در بلاد تحت امرش، خداوند رحمتش را بر او (یا آن بلاد) منتشر می گرداند.

همچنین در روایتی دیگر از آن امام همام(علیه السّلام)آمده است:

«بالعدل تَتَضاعَفُ البَرکات»(۲)؛ به وسیله عدالت برکات فزونی می یابد.

ص: ۵۱

۱- آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غررالحکم و دررالکلم، ح۲۸۳، بی نا، تهران، ۱۳۳۷ ش.

۲- همان، ح۱۴۶.

باز از همان امام معصوم (علیه السّلام)وارد شده است خطاب به یکی از مخاطبان خود فرمودند:

«إجعَل الدِّینَ کَهفَکَ، وَ العَدلَ سَیفَکَ، تَنجُ مِن کُلِّ سوءٍ، و تَظهَر علی کُلِّ عَدوٍّ»(۱)

دین را پناهگاه خودت و عدل را شمشیر خودت قرار ده تا از هر بدی نجات یابی و بر هر دشمنی پیروز شوی.

همچنین امام صادق (علیه السّلام) در حدیثی می فرمایند:

«إنَّ النَّاسَ یَستَغنون إذا عُدِلَ بَینهم»(۲)

به درستی...که مردم بی نیاز خواهند گردید اگر عدالت در بینشان برقرار گردد.

با تأمل در آن...چه ذکر شد و بسیاری از آیات و روایات مشابه دیگر در می یابیم که بر مسئله حاکمیت و ولایت تأکیدهای فراوانی شده است و ولایت عدالت محور را منشأ همه برکات و ولایت ستم محور را منشأ همه ضررها و ظلم ها دانسته اند.

مولفین کتاب شریف الحیاه می فرمایند:

«.... از وظایف اولیه حکومت...های الهی، اقامه قسط و عدل است و باید مردم را به سوی آن سوق دهند تا جایی که علائم و آثار اسلامی در همه عرصه ها ظاهر گردد».(۳)

۱- آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غررالحکم و دررالکلم، ح۶۷، بی نا، تهران، ۱۳۳۷ ش.

۲- حکیمی، محمد رضا، محمد، علی؛ الحیاه، ج۵، ص۱۸۹، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷ ش.

۳- همان، ص ۱۹۷.

سپس در توضیح ضروری بودن آن می فرماید: «این اصل اساسی چیزی است که بشریت معاصر به آن احتیاج شدید دارد و قیام به آن [اقامه عدل و قسط] سبب شناساندن هرچه قوی تر اسلام در سطح عالم می شود. هم‌ـچنان که کوتاهی در این مورد، مهم‌ـترین دلیل از بین رفتن رائحه اسلام و بطلان شیوه سعادت‌ـمندی انسان و نیز از بین رفتن کلمه خدا [لا اله الا الله] در شرق و غرب عالم می شود».(1) وی نسبت به عواقب عدم حاکمیت عدل هشدار داده در آخر ا ین فراز از درد نامه خود می گویند:

«حقیقتی که نباید از آن غافل شد این است که اهمال در اقامه قسط و عدل [توسط حاکمان] سبب از بین رفتن و تضعیف اعتقادات مردم و نیز ترک بندگی و اعمال دینی می شود ولو در مناطقی از سرزمین اسلامی».(2)

در بیان علت این مطلب می گوید:

«مردم وقتی ببینند حاکمی که به اسم اسلام و تبعیت از آن قیام نموده - در حالی که خون‌ـهای زیادی برای هموار شدن راه‌ـها برای او ریخته شده و بناهای آبادِ گران مقدار و اموال افراد و گروه‌ـها نابود گشته - اما اهتمامی به مسائل اصلی در زندگی اقتصادی ندارد؛ توجهی به عدالت که قرآن به آن دعوت نموده ندارد و در راستای اقامه آن کوششی نمی کند ... مستکبرین را نمی ترساند و حیاتشان را به خطر نمی اندازد تا قدرت بر نجات مستضعفین و سعادت‌ـمند نمودن آن‌ـها پیدا کند و نیز از نفوذ مستکبرین در برنامه های عمومی و قوانین کشوری منع نمی کند ...

ص: 53

1- همان.

2- همان.

در این صورت مردم ... حساب می کنند که اسلام پایه های ظلم را محکم نموده و تأکیدی بر عدل ندارد... لذا معتقدات دینی ایشان تضعیف می گردد».(۱)

به یقین حاکمیت عدل است که می تواند زینت بخش جوامع بشری باشد و سبب سعادت...مندی آن...ها شود. در دعا برای امام عصر(عج) می خوانیم:

«اللّهم إشعَب به الصَّدعَ و أُرتُق به الفَتقَ و أَمِت به الجَورَ و اَظهِر به العدلَ و زَیِّن بطولِ بَقائِهِ الأرضَ حتّی تُنیرَ بِعَدلِهِ ظُلَمَ الجُورِ و تُطفِیءَ به نِیرانَ الکُفرِ و تُوضِحَ به مَعاقِد الحَقِّ و مجهولَ العَدل »(۲)

خدایا تفرقه و پریشانی های خلق را به وجود او[وجود نازنین امام زمان (عج)] جمع گردان و رخنه های (در د ین) خلق را مسدود ساز و جور و ظلم را نابود و حکومت عدل و عدالت کامل را به وجود حضرتش در جهان ظاهر ساز، و اهل زمین را به طول بقای او زینت و کمال بخش ... .تا آن که به عدل او بنیان ظلم و جور نابود و آتش کفر و نفاق را به طور کامل خاموش گردانی، و عهد و پیمان حق را آشکار و اساس عدل که مجهول گردیده روشن و معلوم سازی .... .

البته تا ظهور و استقرار دولت حق، دیگران نیز باید به وظیفه خود در هر پست و مقام و منصبی که هستند عمل نمایند، و همین اوصاف را در نفس خود ایجاد کنند، قطعاً به هر اندازه که موفق به ایجاد این اوصاف شوند به همان اندازه هم جامعه ساخته و عدالت محقق خواهد شد.

۱- همان،صص ۱۹۷ تا ۱۹۸.

۲- قمی، شیخ عباس؛ مفاتیح الجنان، دعا برای امام زمان، ص۹۹۳ تا ۹۹۴، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

کلام آخر را از بیانات مقام معظم رهبری به عاریت می ستانم که می فرماید:

« کسانی که دست...خوش جهالت...ها، شهوات نفسانی، هوا و هوس، سلیقه های شخصی و متکی به منافع فردی و گروهی باشند حق سرپرستی و اداره امور زندگی و تعیین سرنوشت مردم را ندارند ... . حاکمیت دین، تقوا، عدالت، رحمت و علم بر مردم نمونه ای از ولایت الهی است...».(۱)

گفتار سوم: پذیرش عمومی

مسلماً یکی از ارکان پیش...برد هر برنامه ای در سطح جامعه بشری همراهی افراد آن جامعه و یا حداقل عدم مقاومت ایشان در مقابل آن برنامه می باشد. دلیل بر این مطلب آن است که برنامه های اجتماعی با هدف مدیریت کردن جامعه و افراد حاضر در آن جامعه تدوین می گردد. که برای حصول این هدف، پذیرش عمومی نقش تعیین کننده ای دارد به طوری که اگر برنامه بسیار مفید و نافع باشد لکن پذیرش نباشد قطعاً به هدف نخواهد رسید، مثال واضح و روشن این مورد نیز دوران خلافت حضرت امیرالمومنین علی (علیه السّلام)، امام حسن مجتبی (علیه السّلام)و نیز امام حسین (علیه السّلام)و تقریباً تمامی ائمه معصومین(علیهم السّلام) که از نوادر روزگاران غیر محصور در زمان بلکه مافوق زمان می باشند. به طوری که بعد از وفات حضرت رسول اکرم (صلّی الله علیه و آله) مردم با

حضرت علی (علیه السّلام) بیعت نکردند و او را یاری ندادند، گرچه با این کار ولایت حضرت ساقط نشد لکن قدرت تحقق عدالت اجتماعی از ایشان سلب شد چرا که این قدرت به حسب عادی در سایه حکومت باید موجود می شد و

۱- راشد، حسین...علی؛ فضیلت های فراموش شده، ص ۸۳ تا ۸۴، اطلاعات، ۱۳۸۳ ش.

حکومت هم وابسته به استقبال و بیعت مردم بود که چنین نشد. همچنین در زمان به حکومت رسیدن آن حضرت مواردی اتفاق افتاد که در اثر عدم پذیرش عمومی، مسیر حق ترک و نتیجه به نفع باطل رقم خورد. چند نمونه آن مربوط به درگیری های میان سپاه امیر المومنین و لشکریان معاویه ملعون است که عدم اهتمام سپاه حضرت موجب گله و شکایت آن حضرت گردیده و می فرماید:

«... وإذا...أمَرتُکم...بالسِّیرإلیهِم فی...الشِّتاءِ قُلتُم...هذهِ صَیبَّارَهُ...القُرِّأمهِلنا یَنسَلِخ عَنّا...البَردُ، کُلُّ...هذا فِراراً...مِن الحَرِّ...والقُرِّ، فإذا...کُنتُم مِن...الحَرِّ...وَالقُرِّ تَفِرُّون...فَأنتم و اللهِ مِن السَّیفِ أفَر... »(۱)

...وقتی به شما در ایام تابستان امر کردم که به جنگ ایشان بروید گفتید اکنون هوا گرم است ما را مهلت ده تا سورت گرما شکسته شود،و چون در ایام زمستان شما را به جنگ با آن...ها امر کردم گفتید در این روزها هوا بسیار سرد است به ما مهلت بده چندان که سرما برطرف گردد، شما که این همه عذر و بهانه از جهت فرار از گرما و سرما می آورید پس سوگند به خدا از شمشیر زودتر فرار خواهید نمود.

سپس آن حضرت ایشان را با عتاب تمام مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

«... یا...أشباهَ...الرِّجال...ولا...رِجالَ،...حُلومُ...الاطفال،...وعُقولُ...رَبَّاتِ...الحِجال...لَوَدِدتُ...أنّی لَم...أرَکم ولَم أعرِفکُم،مَعرفهٌ واللهِ جَرَّت نَدَماً...وأعقَبَت سَدَماً».(۲)

ای مرد نماهایی که آثار مردانگی در شما نیست، و ای کسانی که

۱- فیض الاسلام، سید علی...نقی؛ نهج البلاغه، صص ۹۵ تا ۹۷، خطبه ۲۷، بی نا، تهران، ۱۳۶۷ ق.

۲- همان.

عقل شما مانند عقل بچه ها و زنهای تازه به حجله رفته است، ای کاش من شما را نمی دیدم و نمی شناختم که سوگند به خدا نتیجه شناختن شما پشیمانی و غم و اندوه می باشد.

بر اساس آن‌چه از سخنان پایانی آن حضرت در این خطبه فهمیده می شود، عدم پذیرش فرمان آن حضرت از سوی سپاهیان، آن چنان تألمات روحی برای حضرتش ایجاد می کند که ناچار ایشان را نفرین می نماید:

«... قاتَلَکُم الله لَقد مَلأتُم قَلبی قَیحاً و شَحَنتُم صدری غَیظاً، و جَرَّعتُمونی نُغَبَ التَّهمامِ أنفاساً، وأفسَدتُم علیَّ رأیی بِالعِصیان و الخِذلان...»(۱)

خدا شما را بکشد که دل مرا بسیار چرکین کرده، سینه ام را از خشم آکندید، و در هر نفس پی در پی غم و اندوه به من خوراندید، و به سبب نافرمانی و بی اعتنایی به من رأی و تدبیرم را فاسد و تباه ساختید.

این یک نمونه از عدم پذیرش عمومی نسبت به برنامه های اصلاحی و خیرخواهانه و سعادت‌مندانه است که به گواهی تاریخ در زمان زمامداری اسوه عدالت، بلکه میزان و معیار عدالت اتفاق افتاد، یعنی با آن‌که فرد صالح و عادل، در مصدر حکومت قرار می گیرد اما به دلیل وجود پیدا نکردن شرط دیگر که پذیرش عمومی باشد، تحقق عدالت اجتماعی غیر ممکن می شود.

این عدم پذیرش و عدم همراهی تا جایی ادامه پیدا می‌کند که حضرت امیر(علیه السّلام) چنین می‌فرماید:

۱- همان.

«ای گروهی که جسم‌ـهایتـان حاضـر است ولی انـدیشه‌ـهایتـان غـایب و خواسـته‌ـهایتان ناهمگون ای گروهی که پیشوایانتان گرفتار شـما شده‌ـاند! پیشوای شـما مطیع خداست و شما نافرمانیش می‌ـکنید و پیشوای شامیان خدا را نافرمان است، ولی آنان اطاعتش می‌ـکننـد. به خـدا سوگند دوست داشـتم معاویه، مثل مبادله درهم به دینار، حاضـر به مبادله با من می‌ـشد، ده نفر از شما را از من می‌ـگرفت و یکی از آنان را می‌ـداد». (۱)

نمونه های دیگر از این قبیل در دوره کوتاه حکومت آن انسان کامل اتفاق افتاده که به اختصار از آن‌ـها نام می بریم. داسـتان جنگ صـفین که سـپاه اسـلام با سپاه شام در منطقه صفین روبرو شدند و پس از ۱۷ ماه جنگیدن می رفت که خورشـید فتح و ظفر سـپاه عراق طلوع کند که بین صـفوف سپاه اسلام اختلاف و تفرقه رخ داد چنان که مولف کتاب الامام علی بن ابی طالب می‌ـگوید: «پیرو حیله ای که عمرو بن عاص مشاور معاویه بن ابی سفیان به کار بست و دستور داد قرآن ها را بر سر نیزه کنند، یـاران بی وفـای امیر المومنین(علیه السّـلام) به سـرکردگی اشـعث بن قیس، حضـرت را تحت فشار قرار داده و وی را مجبور به فراخواندن مالک اشتر که چند قدمی بیشتر تا پیروزی نهایی فاصله نداشت نمودند». (۲)

بـا مطـالعه تاریـخ این حقیقت کاملاًـ روشن می شود که اگر اهـل حق به انـدازه اهـل باطـل در رسـیدن به هـدفشان پافشاری و استقامت می کردند، امروز

۱- محمدی ری شـهری، محمد و همکاران؛ دانشـنامه امیرالمؤمنین، ج ۷، ص۴۱ تا ۴۲، ترجمه جواد محـدثی، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.

۲- بیومی مهران، محمد؛ الامام علی بن ابی طالب، صص۱۷۱ - ۱۷۳، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۹ ق.

شاهد کاخ‌های رفیع بی عدالتی نبودیم، تأیید این مطلب را علاوه بر کتب تاریخ در کلمات سوزناک حضرت امیر (علیه السّلام) در نهج البلاغه که متعدد از اهل زمان خود گله و شکایت می فرمایند نیز می توانیم بیابیم؛ اتفاقاً در همین داستانی که نقل شد و نیز در ادامه آن که بحث تعیین حَکمین بود باز مردم گوش به فرمان امام عدالت گستر ندادند و در انتخاب حَکَم دچار اشتباهی فاحش شدند چرا که امام در مقابل عمرو بن عاص، ابن عباس را پیشنهاد کرد، مردم قبول نکردند و بهانه آوردند، مجدداً امام (علیه السّلام) مالک اشتر را پیشنهاد کرد، باز بهانه آوردند و قبول نکردند و همواره بر حکمیت ابوموسی اشعری که فردی ساده لوح بود پافشاری نمودند. در این هنگام و برای آخرین بار امام (علیه السّلام)رو به ایشان کرد و گفت: «... فَقَد أبیتُم إلاَّ أبا موسی، قالوا: نَعم، قالَ فَاصنَعوا ماأردُتم».(۱) هیچ کس را قبول نخواهید کرد مگر ابوموسی را؟ گفتند بله، امام هم گفتند پس هر کاری که می خواهید بکنید.

در حقیقت ایشان را به خودشان واگذار نمود. آیا با چنین هوادارانی که امیر مومنان داشت یا هواداران امام حسن (علیه السّلام) که به معاویه گفتند «هرگاه سپاه تو به اردوگاه حسن بن علی(علیهماالسّلام) نزدیک شود، حسن (علیه السّلام) را دست بسته تسلیم نموده یا خواهیم کشت».(۲)

امید به تحقق عدالت در سطح اجتماع دارد؟

امام حسن (علیه السّلام) که از سوی پیامبر اسلام (صلّی الله علیه و آله) (مصلح اکبر(۳)) نام گرفته است نیز مانند پدر بزرگوارش دچار انسان‌هایی مذبذب شد که مانع از دست‌یابی

۱- همان، ص۱۷۶.

۲- احمدی بیرجندی، احمد؛ چهارده اختر تابناک، ص ۹۶ تا ۹۷، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸ ش، به نقل از ارشاد شیخ مفید و اعلام الوری طبرسی.

۳- همان، ص۹۹.

جامعه به شـمیم عطرآگین عدالت بودند. در همین راسـتا به سرگذشت فرماندهان و سپاهیان آن حضرت در جنگ با سپاه شام به سرکردگی معاویه می پردازیم:

یکی از فرماندهان سپاه اسلام، عبیدالله بن عباس از نزدیکان آن حضرت بود که دچار وسوسه های معاویه شد و در مقابل یک میلیون درهم، به اتفاق هشت هزار نفر به اردوگاه معاویه شتافت.

حقیقتاً با چنین مردمی باید به فکر نجات جان بود، و دیگر مجالی برای دست...یابی به کمالاتی از قبیل، عدالت، رفاه

و ... باقی نخواهـد ماند، بدا به حال مردمی که مصـلحان خود را رها و مفسدان را یاری می نمایند، اگر مردم درست تشـخیص می دادند و درست پیروی می کردند قطعاً سعادت...مند می شدند چنان...که حضرت امیر(علیه السّلام) می فرماید:

«... اگر این امت از زمانی که خداوند پیامبرش را قبض روح کرده تابع من می شدند و مرا اطاعت می کردند، از بالای سرشان و از ز یر پایشان تا روز قیامت با خوشی و وسعت، نعمتهای الهی را می خوردند».(۱)

آ یا انتظار از تحقق عدالت اجتماعی چیزی جز این است.

۱- انصاری زنجانی، اسـماعیل؛ اسـرار آل محمد (صلّی الله علیه و آله) (ترجمه کتاب سلیم بن قیس)، ص۳۱۰، دلیل ما، ۱۳۸۰ ش.

مبحث دوم: شناخت موانع تحقق عدالت اجتماعی

اشاره

برای تحقق عدالت اجتماعی هم‌چنان که لازم است عوامل موثر در آن را بشناسیم، موانع تحقق را نیز باید بررسی نموده، بشناسیم تا در جهت رفع آن‌ها کوشش نماییم.

در این مبحث طی هفت گفتار موانعی را بر خواهیم شمرد که گرچه تمام موانع نخواهند بود لکن تقریباً مهم‌ترین آن‌ها می باشد. همچنین این نکته مهم است دانسته شود که موارد هفت گانه مذکور از اهمیت های متفاوتی برخوردار هستند. گرچه ترتیب گفتارها بر اساس اهمیت هر یک از آن‌ها نیست. لکن گفتار اول به دلیل اهمیتی که نسبت به سایر گفتارها دارد در جایگاه واقعی خودش مورد بحث قرار گرفته است.

گفتار اول: برداشت های غیر معصومانه از منابع اصلی دین

دو گونه برداشت‌از دین و منابع دینی قابل تصور است؛ یک برداشت توسط کسانی که در منابع دینی تخصص دارند و مجاز به برداشت از منابع اصلی دین که همان کتاب و سنت است می باشند، و برداشت دیگر توسط کسانی که شرایط لازم برای چنین کاری را ندارند. بدیهی است که با این گروه کاری نداریم و از بحث ما خارج اند. اما دسته اول همان علمایی هستند که اصطلاحاً مجتهد و مرجع در علوم دینی نامیده می شوند و محل رجوع توده مردم هستند. از میان گروه مزبور یک نفر به عنوان ولی فقیه، با شرایط و ویژگی های خاص، از قبیل دارا بودن علم، درایت، شجاعت، عدالت و... زمام امور مسلمین را در دست می گیرد و علی رغم غیرمعصوم بودن و احتمال وجود خطا در رأی و نظر ایشان، عقلاً و نقلاً واجب است که همگان از وی اطاعت نمایند، تا در پرتو هدایت های او مفاسد اجتماعی و نابرابری ها به حداقل رسیده و جامعه به رشد و تعالی برسد.

با توجه به اینکه حاکم اسلامی (ولی فقیه) دارای صفت عصمت، که مختص معصومین(علیهم السّلام) است نبوده، و مستقیماً هم با منبع وحی مرتبط نیست به همین خاطر برقراری عدالت در تمام امور و شؤون جامعه در حد کمال و تمام میسر نیست و براین اساس است که بشریت همواره منتظر فردی است که او بتواند عدالت را در جامعه برپا کند.

آقای احمد جنتی در این باره می نویسد:

«به تحقیق در این زمان کوشش هایی برای شناخت حقوق انسان و نحوه دست...یابی برآن ها صورت گرفته است، و مراکزی تأسیس و مقررات و توصیه هایی نیز صادر شده است، و راه حل هایی ارائه و قوانینی نوشته شده است، اما از آن...جا که زیربنای تفکر و عقاید به صورت صحیح پی ریزی نشده است و مستند به منبع وحی الهی که قابل تکیه باشد نیست، و مقام معصومی وجود ندارد، سنگینی این قوانین بر گُرده بشر تحصیل گردیده است. لذا بشریت مبتلا به خطا و انحراف گشته است تا آن که بعد از گذشت قرن...ها شاهد عدم تحقق عدالت اجتماعی و نیز شاهد عدم دست یابی محرومین به آرزوهایشان هستیم».(۱)

این مسئله مربوط به امروز نیست، بلکه دیر زمانی است که بشریت از ناحیه برداشت های غیر معصومانه حتی در زمان معصومین(علیهم السّلام) تهدید و به هلاکت افتاده است. به عنوان مثال حضرت علی (علیه السّلام) از چنین افرادی لب به شکوه گشوده، درد دل می نماید و می فرماید:

«دشمن ترین خلائق نزد خدا دو گروهند ... (گروه دوم آنها) مردمی که نادانی ها را در خود جمع کرده، مردم نادان را گمراه می کند. در تاریکی های فتنه و فساد بی خبر است، در موقع اصلاح کردن کور است. عوام او را دانا می نامند و حال آن که نادان

۱- ر.ک، احمد جنتی، التوحید، ص۱۰۸، مقاله العداله الاجتماعیه.

است، میـان مردم برای حکم دادن نشسـته و به آن چه که بر غیر او اشـتباه است خود را دانـا می دانـد، اگر به او یکی از مسایل مشـکله عرضه شود، در پاسـخ آن، سـخنان بی معنی و بیهوده از رأی خود تهیه نموده و طبق آن حکم می نماید ... و باور نمی کنـد که بر خلاـف آن چه که گفته دیگری را دانشـی است، و اگر امری بر او تاریـک باشـد، چون دانست که آن را نمی داند می پوشانـد و نمی گـذارد آشـکار گردد و به سـبب حکم هـایی که به ظلم و سـتم صادر کرده خون...های به ناحق ریخته و به زبان حال فریاد می کنند، و میراث ها از دست جور او به آواز بلند می نالند که به ناحق به صاحبانش نرسیده ... (۱)».

چنان که از متن سـخنان حضـرت امیر (علیه السّـلام) بر می آید متأسفانه این قبیل مسائل تماماً به اسم اسلام و به واسطه کسانی که خود را عالم اسلامی می دانسته اند صورت می گرفته و می گیرد.

در جـای دیگری به صـراحت این امـام مظلوم(علیه السّـلام) در مـذمت علمایی که فتوای مخالف می دهنـد و به قیاس عمل می کنند می فرماید:

«مسـئله ای از احکـام دین از یکی از علماء پرسـیده می شود او به رأی خود راجع به آن فتوی می دهـد، همان مسـئله از قاضـی دیگری سؤال می شود فتوای او بر خلاف قاضی اول است، آن گاه ایشان با حکم های خلاف یکدیگر نزد پیشوایی که آن...ها را قاضی قرار داده گرد می آیند، قاضی القضاه رای همه آن...ها را درست می داند، در صورتی که خدای ایشان یکی و پیغمبر آن...هـا یکی و کتابشـان یکی است، پس حکم یـک مسـئله را به اختلاـف بیـان کردن برای چیست؟ و تصویب قاضـی القضـاه درستی همه آن

۱- فیض الاسلام، سید علی نقی، ترجمه نهج البلاغه، ص۷۳ تا ۷۴، بی نا، تهران، ۱۳۶۷ ق.

اختلافات را از روی چه مبنایی است؟ ... هیچ چیز سبب اختلاف علماء نیست مگر جهل و نادانی ایشان به کتاب خدا، البته چنین اشخاصی شایسته حکم دادن نیستند... ».(۱)

گفتار دوم: خوی ستمکاری بعضی قدرتمندان

یکی دیگر از موانع تحقق عدالت اجتماعی، ستم پیشگی انسان...هایی است که دچار هوی و هوس شده و بدون تأمل و تعمق در عاقبت کار خویش و نیز پایان زندگی دنیوی و حساب پس از مرگ مرتکب جنایاتی شده اند و برای همیشه بشریت را از چشیدن طعم آزادی و عدالت محروم نموده اند.

اینان بهتر از هرکس دیگر حق را می شناختند و به همین دلیل هم جرمشان سنگین است، اما به خاطر هوی و هوس و قدرت طلبی حق را پایمال نموده و جایگاه حاکم حق را به ناحق غصب نموده اند، تاریخ گواه خوبی بر این مدعاست.

چند نمونه از مواردی که قدرت...های حاکم به خاطر خوی ستم کاری مانع از تحقق عدالت شده اند را ذکر می کنیم. معاویه در جریان جنگ صفین طی نامه ای به امیر مومنین (علیه السّلام) مقام والای آن حضرت را برمی شمارد و چنین می نویسد:

«به خدا قسم من می دانم که تو سزاوارترین مردم به خلافت هستی و از من به آن سزاوارتری، زیرا تو از مهاجرین هستی که پیش از همه مسلمان شدند و من از آزاد شدگان هستم.(۲)

۱- همان، صص ۷۵ - ۷۶.

۲- اشاره به فتح مکه است که در آن روز همه مشرکین از جمله معاویه و پدر و پسرش از آزاد شدگان پیامبر (صلّی الله علیه و آله) شدند.

و من مثل سوابق تو در اسلام و خویشاوندی پیامبر(صلّی الله علیه و آله) و علم تو به کتاب خدا و سنت پیامبرش را ندارم».(1)
وی همچنین پس از مکاتبات زیادی که بین او و امیرمؤمنان رد و بدل شد چنین می نویسد:

«ای ابوالحسن، گوارایت باد که آخرت را مالک می شوی، و گوارایمان باد که دنیا را مالک می شویم».(2)

در همین زمان هم نمونه تمام کمال خوی ستم کاری در ابر قدرت غرب متجلی شده است به طوری که با نظام سلطه خود تمام دنیا را به کام بی عدالتی فرو کشانده و عرصه را بر ملل جهان تنگ نموده است، و رسماً اعلام می کند در هر کجای جهان هر کس با ما نیست حتماً علیه ماست و به همین دلیل مورد تعرض قرار خواهد گرفت. آنان، هم پیمان دیرینه را حمایت همه جانبه و ملل آزادی خواه را سرکوب و منکوب می نمایند. خوی استکباری و ستم خواهی آنان مانع جدی بر سر راه تحقق عدالت اجتماعی محسوب می شود به طوری که با وجود چنین قدرت...هایی امکان تحقق عدالت اجتماعی وجود ندارد.

ص: ۶۵

۱- انصاری زنجانی، اسماعیل؛ اسرار آل محمد (صلّی الله علیه و آله)، ص۴۱۷، دلیل ما، چاپ ششم، ۱۳۸۳ ش.
۲- همان، ص ۴۴۸.

گفتار سوم: روحیه ظلم پذیری توده مردم

یکی از ارکـان مهم هر انقلاب و حکومتی پایگـاه مردمی است. مقتـدرترین حاکمـان اگر پایگـاه مردمی نداشـته باشـند، قطعاً استـمرار حکومت‌ـشـان با خطر جـدی مواجه می شود، گرچه اقبال و اسـتقبال عمومی به تنهایی دلیل حقانیت یک حکومت یا انقلاب نمی باشد اما تشـکیل، بقاء و دوام هر حکومتی به صورت مسـتقیم بسـتگی به اسـتقبال و حمایت مردمی دارد. شاهد بر این مـدعا تاریـخ انقلاـب هـا و حکومت هـا در بین اقوام و ملل مختلف جهان است. در بیان اهمیت این موضوع همین بس که عـادل ترین، عـالم ترین، شـجاع ترین و بهترین خلاـیق خداونـد بعـد از پیامبر عظیم الشأن اسـلام می فرمایـد: «تعجب است که چقدر محبت این دو و محبت کسانی که امت را از راه خدا بازداشته و از دینشان برگردانده اند در قلوب این امت رسوخ کرده است».(۱)

طبق این کلاـم، حضـرت امیرمؤمنـان(علیه السّـلام) نیز تأییـد و تأکیـد دارنـد که در بین توده مردم روحیه ظلم پـذیری بیشـتر از عدالت پذیری وجود داشـته است و اکنون نیزوجود دارد. البته این مسـئله دلایل فراوانی دارد که یکی از مهم ترین آن ها، آباد شـدن زنـدگی دنیـایی مردم در صورت تبعیت از ظالمین است و دیگر آنکه پیرامون ظالمین از تقوا و قیودات بازدارنـده خبری وجود ندارد. بدین علت است که که تمایل نفس مردم به ایشان در مقایسه با عدالت گستران و ظلم ستیزان بیشتر است.

۱- انصاری زنجانی، اسماعیل؛ اسرار آل محمد، ص ۳۶۳، دلیل ما، چاپ ششم، ۱۳۸۳ ش. ترجمه کتاب سلیم بن قیس هلالی.

گفتار چهارم: پایین بودن سطح فرهنگ توده مردم

یکی دیگر از موانع تحقق عـدالت اجتمـاعی پـایین بودن سـطح فرهنگ و درک اجتماعی توده مردم است، این عامل به قـدری مهم است که همواره مورد توجه حاکمـان ظالم و هواپرست بوده، به طوری که به طرق مختلف جلو آگاهی مردم را می گرفته انـد؛ زیرا مردم آگاه و فرهنگ دوست هرگز زیر بار زور و سـتم و بی عـدالتی نمی روند. برعکس حاکمان و رهبران دلسوز و عادل در پی ارتقای سـطح فرهنگ توده مردم هسـتند؛ زیرا ایشان در پی پرداخت حقوق حقه مردم می باشند و اطلاع و ارتقای فرهنگ توده مردم باعث می شود که مردم به حق خود آگاه شـده و حاکم را در تحقق آن یاری دهند. به همین دلیل است که در آموزه های دینی ما سـفارشات اکیدی نسبت به ارتقای سطح فرهنگ توده مردم شده است و تعلیم و تربیت را که دو رکن اساسـی فرهنـگ به شـمار می رونـد از بالاـترین عبادت ها شـمرده است و رهبر فقیـد انقلاب حضـرت امام خمینی(ره) نیز طی فرمانی امر به تشکیل نهضت سوادآموزی می نماید که نشانه اهتمام این رهبر عالی قدر جهان اسلام به این مهم است. ایشان در این حکم «عفریت بی سوادی» را یکی از «میراث هـای شوم نظام طاغوتی»(1) می نامنـد. گرچه بی سوادی همواره ملازم با بی فرهنگی نیست اما قطعاً بی سوادی مانع دست یابی به توان لازم برای احقاق حقوق حقّه هر ملتی می باشد. بدین سبب است که اسـتکبار هیـچ گـاه تمایـل به آگـاه نمودن مردم نـدارد و روشن است که یکی از راه...هـای حتمی آگاهی، سواد آموختن توده است؛ اگر توده ها بی سواد باشند به راحتی می توان آنان را فریب داد و فرهنگ وابسته برای آن...ها به ارمغان آورد و

۱- موسوی الخمینی، سید روح الله؛ صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۴۶، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱ ش.

خطر فرهنگ غیر مستقل بسیار هولناک است. در همین زمینه حضرت امام خمینی(ره) می فرمایند:

«...اگر این فرهنگ، یک فرهنگ مستقلی باشد، در بین این...ها تربیت می شوند یک جوان هایی و یک رجالی، اگر این...ها تربیت بشوند ولاـ محاله مقدرات مملکت دست این ها می افتد، باز هم مانع می شود این که این ها برسند به آمال خودشان».(۱)

چنان که پیداست رهبر فقید انقلاب نیز وجود و عدم فرهنگ را ابزار مهمی در انحطاط یا تعالی جوامع می دانند و از مهم ترین شاخصه های انحطاط و تعالی می توان عدالت و عدم عدالت اجتماعی را قلمداد نمود. در نتیجه پایین بودن سطح فرهنگی توده ها قطعاً نقش عمده ای را به عنوان مانع از تحقق عدالت اجتماعی ایفا می کند.

گفتار پنجم: دنیا زدگی عالمان

یکی دیگر از موانع تحقق عدالت اجتماعی دنیا زدگی عالمان است. چه بسا عالمانی که در مصدر امور قرار دارند و در سایه پرمهر و محبت حاکم و سلطانی عادل هم بهره مند هستند لکن آن...گونه که باید و شاید در پی انجام وظایف محوله برنمی آیند. علت این امر چیزی نیست جز دلبستگی به دنیای فانی و نیز فریفته شدن به ظاهر پر زرق و برق مواهب دنیوی به طوری که رنج تحقق عدالت را بر خود سنگین می بیند و به خوش...گذرانی های زودگذر مشغول گردیده و راه را برای بی عدالتی و دنیاطلبی هموار می سازد.

۱- همان، ج ۲، ص ۱۶۳.

شاهد این مطلب تاریخ است که مشحون از نابسامانی هایی است که در اثر دنیازدگی عالمان به وقوع پیوسته است. از این میان به دو نمونه اشاره می شود.

حضرت علی (علیه السّلام) در زمان خلافتش کارگزاران زیادی را منصوب نمودند که بعضی از آن ها پس از رسیدن به قدرت، دنیاطلبی پیش گرفتند تا جایی که حضرت آن ها را توبیخ و یا در مواردی عزل نمودند. حضرت علی خطاب به زیاد بن ابیه که قائم مقام عبدالله بن عباس در حکومت بصره بود می فرماید:

«أتَرجوُا أن یُعطیکَ الله أجرَ المُتواضعین و أنت عِندهُ مِنَ المُتَکبِّرین وتَطمعُ – و أنت مُتَمَرِّغٌ فی النَّعیم تَمنَعُهُ الضَّعیف والأرمَلَه – أن یُوجِبَ لَکَ ثَواب المتصدقین».(۱)

آیا امید داری که خدا پاداش فروتنان (که به دنیا و کالای آن دل نبسته و به دستور او رفتار می کنند) را به تو دهد و حال آن که تو نزد او از گردن کشان (که دل به دنیا بسته و خلاف دستور او را انجام می دهند) هستی؟ آیا طمع داری که پاداش صدقه دهندگان را برای تو واجب و لازم گرداند در حالی که تو در عیش و خوش گذرانی غلطیده، ناتوان و بیچاره و بیوه زن را از آن بهره نمی دهی؟

نمونه دیگر آنست که حضرت امیر (علیه السّلام) در نامه ای خطاب به یکی از کار گزارانش فرموده است:

«.... من تو را در امانت خود شریک و انباز خویش ساختم و تو را

۱- فیض الاسلام، سید علی نقی، ترجمه نهج البلاغه، ص۸۷۱، بی نا، تهران، ۱۳۶۷ ق.

پیراهن و آستر جامه ام گردانیـدم و هیـچ یک از خویشانم برای موافقت و یاری و رسانـدن امانت به من از تو درسـتکارتر نبود. پس چون دیـدی روزگـار بر پسـر عمویت سـخت گرفته، و دشـمن بر او خشم نموده، و امانت مردم تباه گشت و این امت دلیر شـده پراکنـده گردیدنـد، به پسـر عمـویت پشت سپر برگردانـدی و از او دوری کردی همراه دوری کرده هـا ... و به او خیـانت کردی بـه کمـک خیـانت کننـدگان پس نه به پسـر عمـویت همراهی نمـودی و نه امـانت را ادا کردی ... ای آن...که نزد مـا از خردمندان به شـمار می آمدی، چگونه آشامیدن و خوردن (آن مال) را جایز و گوارا دانی با این...که می دانی حرام می خوری و حرام

می آشامی».(۱)

گفتار ششم: انحراف عدالت خواهان گذشته از مسیر عدالت خواهی

به طور کلی انسـان هـا هرگـاه در واقعه و حادثه ای دچار ضـرر و یا ضـربه گردنـد، برای بار دوم و سوم و... در مواجهه با امورِ مشابه محتاط تررفتار می کنند. موقعیت کنونی، تاریخی پرفراز و نشیب را بر پشت خود می کشد که پر از موارد تجربه شده در این زمینه است. یکی از آن موارد قیـام های مختلف به اسم آزادی و عـدالت است که سابقه آن به سابقه خلقت بشـر می رسـد در این میـان مکاتب مختلف بشـری و الهی دسـتوراتی را برای مساوات و عـدالت و عـدالت خواهی و نیز عـدالت گستری ارائه کرده انـد که در پیـچ و خم های تاریـخ دچار تغییرات، ناکامی ها و بی حاصـلی ها و کج روی ها شده اند و همین امر موجب شده است که افراد بشر در مقابل نداهای

۱- فیض الاسلام، سید علی نقی، ترجمه نهج البلاغه، ص ۹۵ تا ۹۹، بی نا، تهران، ۱۳۶۷ ق.

عـدالت خواهی و حق طلبی جدیـد، سـیر بی تفـاوتی را بپیمایـد و این نیز به عنوان عامـل و مـانع تحقق عـدالت اجتمـاعی نقش بیافریند. البته این انحراف ممکن است دلایل زیادی داشته باشد اعم از اشتباه در تشخیص، یا تعمد در حق جلوه دادن باطل، اما به هر حـال اثر وضـعی هر دو، بلایـایی است که بر سـر تـوده مردم خواهـد ریخت. در همین راسـتا امـام علی(علیه السّـلام) می فرماید:

«أجوَرُ النَّاسِ مَن عَدَّ جَورَهُ عَدلاً مِنه»(۱)

جائرترین مردم کسی است که جور خودش را به عنوان عدل قلمداد کند.

همچنین برادران حکیمی در کتاب شریف الحیاه می فرمایند:

«... أنَّ...الجورَ کثیراًما ظَهَرَ بِلباسِ...العَدل...وَ تَسَتَّرَ...به دَجلاً...وتَمویهاً اَو غَفلَهً وتَجاهُلاً، او تَوانیاً ومُصانِعَهً ...»(۲)

... به درستی که جور (ظلم) بسـیاری اوقـات در لبـاس عـدل ظاهر می گردد و تحت پوشـش و رنگ و لعاب عـدل مسـتور می گردد تعمداً یا از روی غفلت و نادانی، یا از روی

تبانی و بده بستان های [رایج].

در هر صورت این عبارت تأییـدی است بر این که عدالت خواهی و عدالت خواهان در طول زمان ممکن است از مسیر عدالت خارج و به سوی ظلم منحرف شوند، طبیعی است که در صورت تکرار، استقبال توده مردم کم...رنگ خواهد شد.

۱- حکیمی، محمـد رضـا، محمـد، علی؛ الحیاه، ج ۶، ص ۳۵۰، دفتر نشـر و فرهنـگ اسـلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش، به نقـل از غررالحکم / ۶۵،

۲- همان.

یکی از موارد دردناک، انحراف انقلاب مشروطه که با هدف عدالت خواهی شروع شده بود می باشد. رفته رفته «استعمارگران روس و انگلیس با تهدید و تطمیع، دولت های مشروطه را از مسیرحقیقی و اصیل خود منحرف ساختند ... بنابراین، مشروطه نتوانست استقلال، آزادی، امنیت و اعتلای ملی را که از اهداف اصلی انقلابیون [و ارکان تحقق عدالت اجتماعی] بود، محقق سازد».(۱) همان طور که گفته شد در طول تاریخ موارد بسیاری اتفاق افتاده که ابتدا به اسم آزادی بشر از یوغِ ظالمان و نیزعدالت گستری از نیروی مردم استفاده گردیده و سپس بر گُرده همین ملت گروه تازه ای سوار شده اند. « بسیارند کسانی که نوشتند قرن...ها، از عدل و سیاه کردند صدها صفحه و منتشر کردند کتاب...ها در وصف عدالت و زندگی تحت سایه آن و نیز اشعار و قصاید سرودند،سپس [ناگهان] روی برگرداندند در زمانی که بر مسند نشستند و مسلط بر امور شدند و برائت جستند از آن چه نوشته و گفته بودند، و مثل این که فراموش کرده باشند همه چیز را. و مثل این که اصلاً ایشان نبودند که زمزمه عدل و مساوات و آزادی را سر داده بودند».(۲)

واقعاً اگر کسی یا جامعه ای چنین چیزی را تجربه نموده باشد آیا برای مرتبه دیگر نیز از آن استقبال می کند؟ قطعاً با احتیاط بیشتری برخورد می کند که این می تواند به عنوان عاملی برای عدم تحقق عدالت اجتماعی باشد.

۱- کریمی، علیرضا؛ انقلاب مشروطه در بوته نقد، ص ۱۰۲، مرکز پژوهش های اسلامی صدا وسیما، ۱۳۸۳ش.

۲- الکرمی، علی؛ رسالهالقرآن، مقاله دورالعدل فی المجتمع الانسانی، ص ۷۵.

گفتار هفتم: هزینه سنگین عدالت خواهی

به طور طبیعی بشر برای به دست آوردن هر چیز یا موقعیتی دست به محاسبه سود و زیان می زند، اگر سود داشته باشد اقدام وگر نه خودداری می نماید. این محاسبه در همه عرصه ها مانند سیاست، اجتماع، اقتصاد، دوستی و ...وجود دارد.بی تردید ورود به عرصه عدالت خواهی و عدالت گستری با توجه به بیرحمی و سفاکی گروه مخالف عدالت خواهان که جملگی قدرت طلبان بی عدالت می باشند، هزینه سنگینی را می طلبد که گاه تا سرحد گذشتن از جان می رسد. وقتی نتیجه محاسبه لزوم فدای جان باشد طبیعی است که افراد کمتری تن به آن می دهند و از این رو هر چند هدف مقدس باشد در صورتی که بهای لازم آن پرداخت نشود به دست نخواهد آمد. شاهد زنده این ادعا جریانات اخیر در عرصه بین المللی و خصوصاً خاورمیانه است، که اسراییل تا بن دندان مسلح کشور لبنان و فلسطین را مورد حملات دَد منشانه و ظالمانه قرار داده است ولی کشورهای مسلمان؛ خصوصاً کشورهای عربی، کم‌ترین موضع گیری مخالف اسراییل را از خود بروز می دهند.

تا از خود گذشتگی و جان فشانی نباشد، عدالت اجتماعی تحقق نمی یابد. امام خمینی می فرمایند:

«... در هر صورت ما باید نابود شویم، اسلام و احکام اسلام و فقهای اسلام باید فدا شوند، دستگاه جبار گمان کرده است با این اعمال غیرانسانی و فشارها می تواند ما را از مقصد خود که جلوگیری از ظلم و خودسری ها و قانون شکنی ها و حفظ حقوق اسلام و ملت و برقراری عدالت اجتماعی که مقصد بزرگ اسلام

است، منصرف کند».(۱)

این هزینه سنگینی است که در صورت عدم پرداخت آن عدالت اجتماعی محقق نخواهد گردید. چنان که در قرآن کریم نیز به شهادت عدالت خواهان تصریح شده است و آمران به قسط را در مقابل کافران به احکام و آیات خداوند معرفی می نماید:

«إنَّ الّذینَ یکفُروُنَ بِایاتِ اللهِ وَ یقتلوُنَ النَبییِّنَ بِغیرِ حَقٍّ وَ یَقتُلوُنَ الَّذینَ یأمُروُنَ بالقِسط مِنَ النّاسِ فَبَشِّرهُم بِعَذابٍ اَلیمٍ»(۲)

کسانی که به آیات خداوند کفر می ورزند و پیامبران را به ناحق می کشند، و (نیز) مردمی که امر به عدالت می کنند به قتل می رسانند، به کیفر دردناک (الهی) بشارت ده.

۱- موسوی الخمینی، روح الله، صحیفه نور، ج۱، ص ۴۷، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱ ش.

۲- آل عمران، ۲۱.

فصل سوم : تبیین راه های کاهش جرم

اشاره

پس از تبیین عوامل و موانع تحقق عدالت اجتماعی، به نقش و جایگاه آن در کاهش و پیش گیری از جرم می پردازیم. این موضوع را در قالب سه مبحث یعنی علل و عوامل وقوع جرم، پیش گیری از وقوع جرم و ارائه نظریات مختلف جهت کاهش جرم ارایه می کنیم.

مبحث اول: علل و عوامل وقوع جرم

اشاره

در وقوع جرم علل و عوامل متعـدد و مختلفی مؤثر می باشـند لکن ما به پنج علت و عامل که از مهم ترین آن ها به حساب می آینـد طی گفتارهای آتی می پردازیم. اما قبل از آن که به تبیین این علل و عوامل بپردازیم این نکته لازم به ذکر است که همه انسان ها برای رسیدن به اهـداف از وسایل و راه کارهایی استفاده می کنند که بعضـی از آن...ها به دلایلی خارج از ضوابط و چارچوب می باشند و به عبارت دیگر انتخاب وسیله رسیدن به هدف گاهی منجر به بروز جرم می گردد. در همین زمینه نظریه کلاسیک می...گوید:

تمـام انسـان هـا اراده آزاد خود را برای نیـل به اهـداف لـذت بخش خویش معطوف می دارنـد و دلاـیلی برای انتخـاب وسایل رسـیدن به اهـداف دارنـد. افراد مجرم و بزهکـار تنهـا در انتخـاب وسـیله رسـیدن به اهـداف لـذت بخش با افرادی که از قانون اطاعت می کنند تفاوت دارند... ».(۱)

اینـک علل وراثت، علل اقتصادی و معیشتی، علل فرهنگی و تربیتی و علل شخصـیتی وقوع جرم را در گفتارهای مسـتقلی مورد ارزیابی قرار می دهیم.

ص: ۷۸

۱- ستوده، هدایت الله؛ آسیب شناسی اجتماعی، همان،ص ۳۴.

گفتار اول: علل وراثت

«بعضی از دانشمندان جرم شناسی در مطالعه علل و عوامل بزه...کاری به این نتیجه رسیده اند که بزه...کاری تابع قوانین بیولوژیک(۱)و وراثت است(۲)» همچنین لمبروزو اولین کسی است که بعد از تحقیقات فراوان در کتاب «انسان جنایتکار» وجود یک نوع بزهکاری فطری را اعلام می نماید. مطالعات لمبروزو تحت تأثیر «نظریات داروین» بود که جنایتکاران مادرزادی را نمایشگر قدیمی ترین انواع انسان ها می دانست که در سیر تکاملی آنان انسان های به هنجار پدید آمده اند. امروزه «دانشمندان زیست شناسی جنایی از طریق روش هایی مانند مقایسه انسان بزهکار با انسان وحشی»(۳) بررسی شجره نامه ها ونسب نامه ها(۴)نسبت های مندل در نیاکان(۵)،

۱- همان علم زیست شناسی یا علم الحیات است که به بررسی مسائل و عوامل حیاتی موجود زنده می پردازد که مهم...ترین شاخه های آن عبارت است از گیاه شناسی و جانورشناسی، دیگر شاخه های آن عبارتند از سلول شناسی، بافت شناسی، شکل شناسی، فیزیولوژی، بوم شناسی، توراث و میکرب شناسی، لوم وابسته به آن عبارتند از: زیست شیمی، زیست فیزیک و زیست سنجی، (ر.ک سالمی، مجید، درآوری بر بازشناسی عوامل درونزا و برونزا در جرم شناسی، به نقل از: فرهنگ علم، ئی، بی، او را روف و آلن ایزاکس، ص۲۴۳، انتشارات ماز یار، تهران، ۱۳۷۲.)

۲- همان، به نقل از رحیمی نژاد، اسماعیل؛ آشنایی با حقوق جزا وجرم شناسی، ص۲۱۷.

۳- انسان وحشی همان انسان جنایت...کار واقعی و مادرزادی است طبق نظریه ای که تبهکاری را به آتاویسم Atavish یا نیاگرایی یا سیر قهقرایی به سوی توحش و زندگی اولیه تعبیر می کند (ر.ک. نجفی توانا، علی، جرم شناسی،ص۱۴۸، انتشارات خیام، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.)

۴- این روش مبتنی است بر مطالعه چندین نسل یک خانواده که سابقه بزه...کاری دارند و مقایسه آن با خانواده دیگری که ظاهراً سالم و غیر بزه...کارند (همان، همان جا).

۵- مندل به خاطر مطالعه روی تولید مثل گیاهان به این نتیجه رسید که تمام اختصاصات گیاهان به یک...باره از یک نسل به نسل بعد منتقل نمی شود، بلکه فقط بعضی از اختصاصات آن است که به ارث می رسد، حال این اختصاصات ممکن است خوب یا بد باشد و بعضی از اختصاصات ممکن است در نسلهای بعد تظاهر کند. (همان، ص۱۵۰).

روش بررسی های آماری(۱) مقایسه دو قلوهای حقیقی و غیر حقیقی(۲) به بررسی تأثیر وراثت در بزه‌ـکاری پرداخته اند. در نهایت این دانشـمندان برای حفظ جامعه از گزند جنایت‌ـکاران بالفطره پیشـنهاد کرده اند که از طریق اوژنیسـم(۳) و به سازی نژادی می توان از انتقـال ژن هـای شوم جلوگیری نمود. این همان فرآینـد علمی دسـتورات دینی در انتخاب همسـر است که با حساسیت بسـیار بالا باید پیگیری شده و عملاً به کارگیری شود؛ چیزی که متأسـفانه کمتر مورد توجه قرار می گیرد. به عنوان نمونه چنـد مورد از دسـتورات دینی را در این خصوص متـذکر می شویم که همگی به نوعی تأثیر وراثت را برنسل های بعدی اثبات می نمایند. اسـلام در چهارده قرن پیش به بشـر دسـتور داده است که برای بهبود نسل و برقراری افرادشایسـته به این نکته تـوجه شـود کـه صـفات پـدر و مـادر بـه اولاـد منتقـل می شـود و رسـول اکرم (صلّی الله علیـه و آلـه) فرمـود: «تَزَوَّجُوا فی‌ـالحُجَزالصَّالح فَإِنَّ‌ـالعِرقَ دَسَّاسٌ».(۴) با زنان صالح ازدواج کنید؛ زیرا خون (ژن) تأثیر خود را باقی می گذارد.

ص: ۸۰

۱- در روش آمـاری دانشـمندان برای انـدازه گیری سوابق بیمـاری یا تبه‌ـکاری اسـلاف بزه‌ـکاران همت گماشته و کوشـش نموده انـد که شـدت هم‌ـبستگی و تـأثیر بیمـاری اعتیـاد یـا بزه‌ـکـاری والـدین را در ناسازگـاری یا بزه‌ـکاری فرزنـدان آنان ارزیابی نمایند.(همان، ص۱۵۲).

۲- این روش مطالعـاتی بر مقـایسه دو قلوهـا از یـک نطفه (دو قلوهـای یـک شخصـی) بـا دوقلوهـایی که از دو نطفه جـداگانه (دوقلوهای دو شخصـی) و از پدران بزه‌ـکار می باشد مبتنی است بررسی این دوقلوها و مقایسه ویژگی های سرشتی و فردی و روانی آنها با یکدیگر و درجه تمایل آنان به بزه‌ـکاری نشانگر کیفیت اثربخشی توارث در بزه‌ـکاری است (همان، ص۱۵۴).

۳- اوژنیک Eugenics بررسـی کنترل ژنتیکی جمعیت های انسانی به این قصد که با انتخاب افرادی که در نظر متخصـصان این علم دلخواه ترین افرادند و آمیزش جنسـی آنها به بهبود سرشت آدمی کمک می‌ـکند اقدام کنند. (همان، به نقل از ئی بی اوراروف و آلن آیزاکس، فرهنگ علم، ص۷۰).

۴- محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۱۸۳، ح ۷۸۴۸، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.

و حضرت علی (علیه السّلام) می فرماید:

«حُسنُ الأخلاقِ بُرهانُ کَرمِ الأعراق»(۱)؛

ملکات پسندیده و اخلاق خوب دلیل وراثت های (ژن) پسندیده انسان است.

باز رسول اکرم (صلّی الله علیه و آله) می فرمایند:

«تَخیَّروا لِنُطفکُم فِانکِحوا الأکفاء و أنکِحوا إلیهم»(۲)

برای نطفه های خود محل مناسب انتخاب کنید و از اشخاص هم شأن خود زن بگیرید و به آن...ها زن بدهید.

و نیز می فرمایند:

«تَخیَّروا لِنُطَفِکم فَإنَّ النِّساءَ یَلِدنَ أشباهَ إخوانِهنَّ و أخواتِهنَّ».(۳)

برای نطفه های خود جای مناسب انتخاب کنید زیرا زنان نظیر برادران و خواهران خود فرزند می آورند.

همچنین رسول اکرم (صلّی الله علیه و آله) در حدیث دیگری می فرمایند:

«لا یَبغی عَلی النَّاس إلاَّ وَلَدٌ بَغیٌّ و إلاَّ مَن فیهِ عِرقٌ مِنهُ»(۴)

بر مردم ستم نکند جز فرزند زناکار یا کسی که ارثی از زنا دارد.

۱- اللیثی الواسطی، علی بن محمد؛عیون الحکم و المواعظ، ص۲۲۸، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۲- محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۱۸۳، ح ۷۷۵۰، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.
۳- المتقی الهندی، علاء الدین علی؛کنزالعمال، ح ۴۴۵۵۷، مکتبه التراث الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۷ق.
۴- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور؛ ج ۳، ص۳۰۴، دارالمعرفه، ۱۳۶۵ ق.

از این احادیث استفاده می شود که دین مبین اسلام برای وراثت تأثیر ویژه ای قائل است و تمام زمینه های تکوینی بروز جرایم و ایجاد و تولید مجرمین را شناسایی و دستور پیش‌گیری آن را صادر و راه‌های نتیجه بخش آن را نیز متذکر شده است. «اسلام برای پاکی نسل، تمام مراقبت های لازم را در امر زناشویی به کار برده است و در پیوند اولیه به جهات روحی و اخلاقیِ زن و مرد توجه کرده است و مردم را علاوه بر این‌که از ازدواج با افراد ناصالح (دیوانه، می‌گسار، علیل المزاج و غیره) منع کرده

است در مقام مشورت و راهنمایی ازدواج با زنان بداخلاق را نیز جایز نمی داند».(۱)

نتیجه یک تحقیق نشان می دهد که:

«پزشکانِ امراض روحی، عقیده دارند که ۶۶٪ از کودکانِ مبتلا به امراض روحی، بیماری را از والدین خود به ارث برده اند و چنانچه مادری بی عیب و سالم باشد کمتر کودکش مبتلا به امراض روانی می شود».(۲)

اسلام به موضوع ژنتیک و انتقال صفات ناپسند مادر یا پدر به فرزندان اهمیت شایانی قائل است و نکات علمی را با بیان ساده آشکار می سازد، فلذا در بعضی موارد اجازه ازدواج می دهد. اما برای بچه دار شدن از افراد ناپسند محدودیت وضع می نماید. در روایتی راجع به ازدواج با زنازاده از امام صادق(علیه السّلام) چنین سؤال شد:

ولد الزنا ینکح؟ قال نعم و لایطلب ولدها؛

آیا ازدواج با زنازاده جایز است؟

فرمودند: بلی، اما فرزند به

۱- صانعی، صفدر؛ بهداشت ازدواج از نظر اسلام، ص ۹۲، کتاب‌فروشی جعفری، ۱۳۴۶ ش.

۲- همان .

وجود نیاورد.

«این همه آثار نیک و بد بعضی از طریق محیط و بعضی از راه ارثی به فرزند می رسد، این نکته علمی که اسلام در قرن...های پیش بشر را متوجه آن ساخته است اکنون چند دهه بیشتر نیست که دانش امروز، آن را ثابت کرده و به وسیله مندل کشیش عیسوی قانون توراث کشف شد».(۱)

با توضیحات ارائه شده دیگر جای شبهه ای باقی نمی ماند که یکی از عوامل موثر در وقوع جرم را وراثت بدانیم. در این صورت برای ایجاد جامعه ای عاری از جرم باید نسبت به وراثت و تولید مثل دقت و کنترل کافی صورت گیرد.

گفتار دوم: علل اقتصادی و معیشتی

سال...های زیادی است که دانشمندان، تأثیر فقر و اخلافات طبقاتی را در وقوع جرایم مورد بحث قرار داده و برای حفظ

نظم و امنیت در اجتماع، بر تعدیل ثروت و بهبود زندگی طبقه زحمت کش و فقیر تأکید کرده اند. البته همان طور که گفته شد تنها فقر عامل جرایم نیست بلکه غنای تکاثری نیز سبب بروز جرایم می گردد، لذاعلاوه بر بهبود اوضاع اقتصادی فقرا، باید تعدیل ثروت اغنیا نیز صورت پذیرد.

این عامل در بروز جرایم به قدری تأثیرگذار است که عده کثیری آن را به عنوان مهم ترین عامل جرم و جنایت می دانند تا جایی که بعضی هم چون سید محمد باقر صدر عدالت اجتماعی را به معنای عدالت اقتصادی دانسته و گفته است:

۱- صانعی، صفدر؛ بهداشت ازدواج از نظر اسلام ص۹۸، کتاب...فروشی جعفری، ۱۳۴۶ ش.

«اسـلام مفهوم عدالت اجتماعی را در ضـمن برنامه اجتماعی خاصـی جلوه گر ساخته، بدین سان توانسته است این مفهوم را در یک واقعه زنـده اجتماعی، که همه جوانب آن از مفهوم اسـلامی درباره عـدالت اشـباع گشـته مجسم سازد. ... شـکل اسـلامی عدالت اجتماعی، دارای دو اصل عمومی است:

۱) اصل هم کاری عمومی

(تکافل عام)، ۲) اصل توازن اجتماعی...»(۱)

آن چه از این عبارت برمی‌آید تنها جنبه اقتصادی عدالت اجتماعی است.

برخی اندیشـمندان معقتدند اقتصاد و معیشت در برقراری توازن اجتماعی از جایگاه رفیعی برخوردار است. «قوام اجتماعی فقط اختصاص به بعـد اقتصادی نـدارد، بلکه شامل آن و غیر آن از ابعاد دیگر مثل بعد علمی، صـنعتی، تربیتی، اخلاقی و سیاسـی و نظـامی نیز می شـود، امـا همه این‌هـا حـول یـک محـور اصـلی می گردنـد و آن محـور وجود پیـدا نمی‌ کنـد مگر بـا توازن اقتصادی...».(۲) اینان در جای دیگر تمام مفاسد جوامع را ناشی از دو سبب می دانند و می گویند:

«إنَّ الفساد الرئیس فی المُجتَمعات إنَّما یُنشَأُ و یَنبعُ مِن السببین، الغِنی المُفرط (التکاثر) والفقر...».(۳)

مسلماً ریشه مفاسد در جوامع ناشی از دو سبب است، توانگری افراطی [که از آن به تکاثر تعبیر می نماید] و فقر.

ص: ۸۴

۱- صدر، سید محمد باقر؛ اقتصاد ما، ج ۱، ص ۳۶۴، بی نا، ۱۳۵۷ ش.

۲- حکیمی، محمد رضا، محمد، علی؛ الحیاه، ج ۶، ص ۳۸۰، دفتر نشر وفرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.

۳- همان، ص ۴۶۱.

علامه طباطبایی در المیزان نسبت به مسائل اقتصادی و تأثیر آن در بروز جرایم و تعدیات چنین می فرماید:

«هیچ فساد کننده ای در جامعه مثل تجاوز و تعدی مالی وجود ندارد؛ آن چه که جامعه انسانی را سرپا نگه می دارد مسایل مالی است که خداوند قیام به آن را برای مردم قرار داده است. کلیه گناهان و ناملایمات و جنایات و تجاوزات و ظلم ها یا به فقر مفرط منتهی می شوند که افراد را به دست برد زدن به اموال مردم به واسط دزدی یا راه...زنی و کشتن و کم فروشی و غصب و دیگر تجاوزات و تعدیات مالی سوق می دهد و یا به غنای مفرط می کشانند که افراد را به مستی و زیاده روی در مصرف خوردنی ها و نوشیدنی ها و البسه و مجامعت و مسکن و غرق شدن در شهوات و هتك نمودن محرمات و [نهایتاً] گسترش سیطره خود بر اموال و حیثیت آنان و خود آنان سوق نی دهد».(۱)

چنان که از عبارات مذکور بر می آید تنها فقر عامل جرم و جنایات در اجتماع نیست بلکه غنا باعث جنایات هولناك تری می گردد. از قبیل قتل و غارت های کلان و دسته جمعی تا جایی که اصلاً فقر، خود نیز یکی از نتایج تکاثر و غنای مفرط می باشد. حکیمی می گوید:

«فقر نتیجه ای از نتایج تکاثر و [مال اندوزی] و زیاده روی در [گسترش] مالکیت است [که] موجب بلعیدن اموال دیگران می شود.» (۲)

۱- المیزان، ج ۹، ص ۲۴۸، الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۱ ق).

۲- حکیمی، محمد رضا، علی، محمد؛ الحیاه، ج ۶، ص ۴۶۱، دفتر نشر وفرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.

بسیاری از دانشمندان از جمله توماس مورس، فقر را عامل قانون شکنی و بروز جرایم می دانند. وی معتقد است:

«فقر عامل مهمی در بروز شورش ها و تخلف از قوانین و مقررات به شمار می رود و برای پیش گیری از بزهکاری، بهبود وضع اقتصادی، تعدیل ثروت، رفع اختلافات طبقاتی،

اشتغال به کار بی کاران و بزهکاران باید جدی گرفته شود».(۱)

یکی دیگر از دانشمندان بونگر هلندی است که می گوید:

«بین اوضاع و شرایط اقتصادی و ارتکاب جرایم رابطه مستقیم وجود دارد، و تحولات اقتصادی نوع جرایم را تغییر می دهد».(۲)

مارکس نیز سرمایه داری را منشأ بروز تمام اختلافات و منازعات و کشمکش های اجتماعی و وقوع بزهکاری می داند و معتقد است:

«سرمایه داری موجب استثمارطلبی و جنگ می شود. حرص ناشی از سودجویی ناجوانمردانه، طمع سرمایه داران را برمی انگیزد. شرایط اقتصادی، عدم تساوی در توزیع ثروت، افراد را به طرف ارتکاب...جرایم متخلف می کشاند... وقوع جرایم، واکنش افراد بر علیه بی عدالتی اجتماعی است».(۳)

هم چنین افلاطون می گوید:

«فقر و ثروت سبب نابودی کشورها می شود. فقر احساسات را از بین برده حس کینه توزی، انتقام جویی، بدبینی و حسد را تشدید

۱- دانش، تاج زمان؛ مجرم کیست جرم شناسی چیست، ص ۲۷۷، انتشارات کیهان، چاپ ششم ۱۳۷۴ ش.
۲- همان، ص ۳۶۶، چاپ هفتم، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۹ش، به نقل از بونگر، تبه کاری و شرایط اقتصادی.
۳- همان، ص ۳۶۷، به نقل از کارل مارکس، مزد و سرمایه.

می کند. کثرت ثروت نیز، مبانی اخلاقی را سست نموده سبب تنبلی، بی قیدی، غرور و بی اعتنایی نسبت به دیگران می گردد و کشور را به فنا و نابودی می کشاند؛ زیرا تقوای واقعی و ثروت های کلان، مانعه الجمع هستند».(۱)

در آخر به گفته ای از دکتر کی نیا اشاره می کنیم که می گوید:

«شکی نیست که بین شرایط اقتصادی و ارتکاب جرم، خاصه جرایم مالی، رابطه دقیق وجود دارد و به همان جهت تحول اقتصادی و بحران های اقتصادی و یا تحول نامتعادل اقتصادی موجب بروز تحول و ارتکاب جرم می باشد و...انعکاس و تأثیر آن در پیدایش و تکوین و توسعه پدیده

دوم (جرم) اثر فراوان دارد».(۲)

گفتار سوم: علل فرهنگی و تربیتی

مطالعه در زمینه علل و عوامل وقوع جرم و نیز مطالعه احوال مجرمین نشان می دهد که یکی از دلایل اصلی و مهم ارتکابِ جرایمِ غیر اتفاقی، برخوردار نبودن این دسته مجرمین از فرهنگ و تربیت مناسب است. به عنوان مثال وقتی کسی از فرهنگ احترامِ به دیگران بی بهره باشد و یا تربیتی در این زمینه نیافته باشد، به راحتی آلت دست افراد سودجو برای آزار رساندن به دیگران قرار می گیرد. کسی که از آخرت و سؤال و جواب قبر و

۱- همان، ص ۳۶۵، به نقل از افلاطون، جمهوریت.

۲- مساواتی آذر، مجید؛ مبانی جامعه شناسی، ص ۱۸۰، انتشارات احرار، سال ۱۳۷۲، به نقل از کی نیا، علوم جنایی، ج ۳، انتشارات دانشگاه تهران، ص۱۲۹۵.

حساب و کتاب قیامت باکی نداشته باشد، هر نوع جرمی را مرتکب خواهد شد.

«دین اسلام در کنار عنصر انذار، بیم دادن و ترساندن که می تواند ریشه و خاستگاه گناه و انحراف را بسوزاند، تأکید و ترغیب به ثواب آخرت و نیک بختی دنیا نموده است».(۱)

این نمونه ای از فرهنگ و تربیت است که می تواند شخص را از ارتکاب به جرائم باز دارد.

«... آیین های مذهبی جمعی، نظارت همگانی، مسئولیت جمعی، فراخوانی دین به همیاری بر کار نیک، پرهیز از هر نوع مساعدتی در کار خلاف و ده ها آموزه دینی دیگری که در همه ادیان وجود دارند و در اسلام به نحو کامل تر و جامع تری وجود دارد، هرکدام می توانند در برابر انحراف اجتماعی نقش باز دارنده ای ایفا نمایند».(۲)

یکی از مجموعه های غنی فرهنگی و تربیتی تعلق افراد به ادیان آسمانی است. در همین زمینه آماری وجود دارد که نشان می دهد:

«دین و دین...داری همواره نقش مثبتی در برقراری امنیت اجتماعی در جامعه داشته است. در پژوهشی...که بر

روی ۳۰ نوجوان بزهکار و غیر بزهکار صورت گرفت، پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که نوجوانان غیر بزهکار از نگرش مذهبی قوی...تری برخوردار

۱- راموز، ملیحه؛ تربیت دینی و امنیت اجتماعی، مطالعات امنیت اجتماعی،پیش شماره سوم، ص۸۹، سال۱۳۸۳ ش، به نقل از حمید رضا شریعتمداری، اقتدار دین در پالایش جامعه از انحرافات اجتماعی، فصل نامه شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، سال پنجم، ش ۱۷.

۲- همان، ص۸۹ تا ۹۰.

بودند».(۱)

این امری کاملاً بـدیهی است چرا که دین با آموزه های غنی فرهنگی و تربیتی خود راه سالم زیستن و از حریم خود و دیگران حفاظت کردن را به افراد تعلیم می دهـد و نسبت به رعایت نکردن آن...ها هشدارهای جدی می دهد. لذا افراد متدین با فرض تـدین امکـان ارتکاب خلاف دسـتورات دینی برایشان کاهش می یابـد و اجتماع از سـلامت لازم برخوردار می شود؛ چرا که: «سـلامت اجتماع منوط به سلامت تک تک افراد آن است. اگر آحاد مردم به راستی از ایمان الهی (که نتیجه فرهنگ و تربیت صحیـح است) برخوردار باشـند، جامعه ای پاک و دور از هرگونه تشـتت و انحراف خواهنـد داشت. اجتماع انسان...هایی که از ویژگی های ایمان مذهبی برخوردارند، نهایتاً منجربه تشـکیل جامعه سالم می شود که در آن افراد، قوانین و حقوق یکدیگر را محترم می شمارند و عدالت را امری مقدس به حساب آورده، به یکدیگر اعتماد و اطمینان می کنند».(۲)

بـا ملاحظه این سـطور و آن...چه از محققین دیگر در رابطه با اهمیت مسائل فرهنگی و تربیتی نگاشـته شـده است، در می یابیم فرهنـگ و تربیت به عنوان یـک علت مهم در وقوع جرایم ایفای نقش می نمایـد؛ چرا که فرهنگ عبارتست از مجموعه انگیزه هـا، شـیوه هـای عمـل، روحیـات، اهـداف و اخلاقیـات هر قوم و ملتی و گـاهی به طور مختصـر فرهنگ را به تعلیم و تربیت نیز اطلاق می کنند. اما هر کدام که باشد در صورتی که غنی تر و

۱- راموز، ملیحه؛ تربیت دینی و امنیت اجتمـاعی، مطالعات امنیت اجتماعی،پیش شـماره سوم، ص۹۰، سال۱۳۸۳ ش،به نقل از واهرو و احمد، ۱۹۹۳ م، به نقل از خدایاری فرد، طرح پژوهشـی تهیه مقیاس اندازه گیری اعتقادات نگرش مذهبی دانشجویان، ۱۳۷۶ش.

۲- همان، ص۹۱ تا ۹۲، به نقل از علیرضا اعرافی، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، انشارات سمت، ۱۳۷۶ ش.

کامل تر باشد، سبب کمال متعلّق خود؛ یعنی انسان، می شوند. در طول تاریخ فرهنگ‌ـهای مختلفی بر جوامع حاکم بوده است که بعضـی سبب کمال افراد و بعضی باعث عقب ماندگی و انحطاط افراد جامعه شده اند. به طور کلی فرهنگ، مجموعه پاسخ هـای انسان به پرسـش ها و نیازهای گوناگون ناشـی از ضـروریات زنـدگی در طبیعت و جامعه است. در واقع فرهنگ حاصـل رفتـار و کردار انسـان‌ـهایی است که در جامعه زنـدگی می کننـد. کارکرد ویژه فرهنگ، آفرینش و نگاه‌ـداری تـداوم و هم‌ـبسـتگی میـان افراد یـک جامعه معین است. از آن‌ـجا که فرهنگ، قوام دهنـده و نظام بخش کارکردها و ساختارهای اجتماعی است و رفتـار هر یـک از افراد جامعه از آن تأثیر می پـذیرد. بنابراین بایـد با دقت مورد بررسـی قرار گیرد تا از راه آن بتوان به تبیین رفتارهای بهنجار و ناهنجار در جامعه پرداخت. بدین منظور به و یژگی های عمومی فرهنگ‌ـها اشاره می کنیم:

«۱- فراگرفتنی است: بدین معنی که هیچ یک از جنبه های مادی یا غیر مادی آن از راه توارث قابل انتقال نیست.

۲- قابـل انتقـال است: فرهنـگ به واسـطه یـادگیری از نسـلی به نسـل دیگر یا از جامعه ای به جامعه دیگر انتقال می یابـد و در فرایند انتقال تغییر و تحول پیدا می کند.

۳- موجب انسـجام اجتمـاعی می گردد: هر جامعه ای به واسـطه فرهنگ خاص خود به افراد جامعه انسـجام می بخشـد و نوعی یک‌ـپارچگی را در میان آنان به وجود می آورد.

ص: ۹۰

۴- وسیله ای است برای کنترل و نظم اجتماعی: فرهنگ رفتار مردم را نظم می بخشد، زیرا افراد جامعه در اثر پذیرش فرهنگ خاص آن جامعه سعی می کنند رفتارهای خود را هماهنگ با دیگران نمایند».(۱)

با توضیحاتی که داده شد، اهمیت و جایگاه فرهنگ در وقوع و نیز عدم وقوع جرم به خوبی روشن می شود. به این معنا که متولیان اداره جامعه در صورتی که اراده جدی برای جلوگیری از وقوع جرم دارند، باید دقت‌های لازم را در زمینه های فرهنگی و تربیتی بنمایند و با خرده فرهنگ‌های وارداتی که نوعاً دارای کارکردهای نامناسب می باشند، مبارزه نمایند و افراد جامعه و فرهنگ حاکم بر آن را به سمت ارزش‌های والای انسانی سوق دهند و نظام تربیتی و پرورشی جامعه را بر آن استوار نمایند. بدیهی است که دین اسلام به عنوان غنی ترین مکتب انسان سازی دارای والاترین ارزش‌های اجتماعی است که اگر تربیت در چارچوب دین نهادینه شود و به صورت فرهنگ حاکم و غالب جامعه گردد، به همان نسبت وقوع جرم کاهش خواهد یافت و بدیهی است در صورت عکس، نتیجه نیز عکس خواهد شد. زیرا با پژوهش هایی که به عمل آمده است، بین آسیب های اجتماعی و باورهای دینی رابطه نزدیک وجود دارد و باورهای دینی همان غلبه فرهنگ دینی است.

۱- ستوده، هدایت الله؛ آسیب شناسی اجتماعی، مطالعات و امنیت اجتماعی، پیش شماره دوم، ص ۷۰، سال۱۳۸۲ ش.

گفتار چهارم: علل شخصیتی

پس از بحث و بررسی علل و عوامل فوق اکنون بررسی عامل شخصیت آسان‌تر خواهد بود چرا که شخصیت هر فرد امریست مرکب که تحت تأثیر عوامل مختلف وراثت، فرهنگ و تربیت، اقتصاد و معیشت و ده‌ها عامل دیگر شکل می گیرد و در طول زمان هم تغییر می کند فلذا ذکر عامل شخصیت به عنوان ذکر عام بعد از خاص خواهد

بود و ذکر موارد خاص هم به خاطر اهمیتی است که آن‌ها دارند.

برای ورود به بحث و اثبات عاملیت شخصیت در وقوع جرم باید ابتدا تعریف شخصیت، سپس عوامل سازنده آن و در آخر نقش آن را در وقوع جرم بررسی کنیم، تعریف‌های گوناگونی برای شخصیت مطرح شده که چند نمونه از آن ها را ذکر می کنیم:

«منظور از شخصیت یا (من) هر یک از ما، کل منسجمی است که موجب انطباق خاص هر فرد با محیط او می شود و با این تعریف گاه شخصیت را با آنچه نفس یا روح یا روان نامیده می شود یکی شمرده اند».(1)

«شخصیت آدمی عبارت است از مجموع فعالیت های روانی، احساسات، افکار، عواطف و رفتار و کردار او که نمودار و ترجمان آن فعالیت‌ها هستند».(2)

«شخصیت مجموع اعمال، انگیزه‌ها و ویژگی‌های یک فرد را در مقابل دیگری نشان می‌دهد.»(3)

۱- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، ص ۳۹۱، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.

۲- همان، ص ۵۱۰.

۳- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، ص ۵۱۰، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.

گرچه در روانشناسی علمی هنوز تعریفی از شخصیت که مورد قبول همگان باشد ارائه نشده است با این همه ظاهراً تعریف زیر را تا حدی کلی، جامع و مانع می دانند که عبارتست از: -«شخصیت سازمان پویا (زنده)، جنبه ادراکی، انفعالی، ارادی و بدنی (شکل بدن و اعمال حیاتی آن) فرد آدمی است».(۱) همچنین «در ظهور شخصیت هر فرد ساختمان بدنی هر فرد (مزاج) و محیط اجتماعی و فرهنگی که به آن تعلق دارد و تأثیر این محیط و به ویژه تعلیم و تربیتی که فرد از آن بهره مند است و نیز ترکیب جنبه های روانی مختلف او نقش اساسی ایفا می کنند».(۲)

البته از این نکته نباید غافل شویم که ممکن است نقش و تأثیر همه عوامل ترکیبی در شخصیت فرد یکسان نباشد و چه بسا تأثیر عامل وراثت یا فرهنگ و تربیت یا عامل اقتصادی و معیشتی ونیز عوامل دیگری که در تشکیل مرکب شخصیت دخالت دارند در افراد مختلف، نوسان داشته باشند اما هرچه که باشد فرایند به دست آمده متصف به خیر، شر یا هر دو است، یعنی از بعضی جهات خیر و از بعضی جهات شر یا در بعضی اوقات با ارتکاب موارد خلاف متصف به شر و در بعضی مواقع با ارتکاب موارد نیک متصف به خیر می شود.

دراین زمینه علاوه بر نظریات دانشمندان و متخصصان امور رفتاری و اجتماعی و روانی، دستورات دینی زیادی وجود دارد که همگی در جهت ساختن شخصیت افراد جامعه سفارشاتی را ارائه داده اند. دستورات مراقبت از اعضاء و جوارح و نیز مراقبت از نفس، حسابرسی اعمال روزانه، دستور به تقوا و تهذیب نفس و به طور خلاصه کسب مراحل مختلف ایمان همه به

۱- همان، ۳۹۲ تا ۳۹۳.

۲- همان.

این خاطر است که شخصیت افراد کامل تر گردد چرا که هرچه انسان دارای کمال شخصیت بیشتری باشد، کمتر مرتکب جرایم می شود. نمونه متعالی این انسان، انبیا و اولیا می باشند که مصون و معصوم از هر خطا و جرم هستند. «انسان در این جهان موجودی است نامتعین، شخصیت آینده اش را خودش

می سازد. یا انسان می شود که از فرشتگان مقرب الهی برتر خواهد بود، یا در باطن به صورت حیوانات گوناگون تبدیل می گردد و این مطلبی است که هم در علوم عالی به اثبات رسیده، هم اولیاء خدا مدعی کشف و شهود آن هستند و هم پیامبر اکرم(صلّی الله علیه و آله) و ائمه معصومین(علیهم السّلام) یعنی انسان شناسان حقیقی از آن خبر داده اند».(۱)

شخصیت افراد در نوع عمل افراد متبلور است و اگر شخصیت از محدوده انسانی بیرون رود و داخل محدوده حیوانی شود بروز جرایم امری است حتمی. «انسان در مرحله وجودی، دو خود یا دو من دارد یعنی دو شخصیت دارد. خود انسانی او نفخه الهی است که از عالم ملکوت نازل گشته تا در زمین خلیفه الله باشد. ... مرتبه دیگری از وجود انسان خود حیوانی اوست در این مرحله درست یک حیوان است و واجد غرایز و تمایلات و خواسته های حیوانی می باشد مهم و سرنوشت ساز این است که حاکمیت تن در اختیار عقل و روح ملکوتی انسان باشد یا در اختیار نفس اماره و خود حیوانی او اگر عقل و خود انسانی حاکم شد ... احیای فضایل و مکارم اخلاق و استکمال و قرب الی الله، هدف می شود و تأمین نیازهای حیوانی تبعی و طفیلی خواهد بود ... اما اگر نفس اماره و خود حیوانی در

۱- امینی، ابراهیم؛ خودسازی، صص ۲۷ - ۲۸، شفق، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ ش.

بـدن حـاکمیت یـافت، عقـل و خود انسـانی را مغلوب و منزوی می سـازد و یکه تاز میان تن می شود ... که (آن را) ریشه همه بدی...هایش می دانند».(۱)

چنین انسانی مثل همه انسان...های دیگر به شخصـیت و خودیت و صـفات و آثار و افعال و کمالات خود علاقه دارد لکن چون شخصـیت و خـودیت او عبـارت از خود حیوانی است «محور تمـام حرکـات و افعـال و کردار و گفتـارش تـأمین خواسـته هـا و تمایلاـت حیوانی خواهـد بود ... و در طریق نیـل به اهـداف حیوانی از ارتکـاب هیـچ عمـل زشـتی روی...گردان نیست ... و هر عملی را توجیه و تجویز می کنـد. فقط یک چیز برایش تقـدس و اصالت دارد و آن، نفس حیوانی اوست همه چیز حتی حق و عدالت را برای خود می خواهد و بس، حق و عدالتی را می خواهد که به نفع او و در مسـیر خواسته هایش باشد و اگر به ضرر او تمام شود خواستار چنین عدالتی نیست، بلکه به خود حق می دهد با آن مبارزه هم بنماید».(۲)

وقـتی شخصـیت یـا خود فردی حیوانی شـد «هر کـار زشتی را تجویز می کنـد، او می خواهـد در راسـتای شخصـیت حیوانی به اهـداف حیـوانی برسـد و در راه رسـیدن بـه هـدف از سـتم کردن، دروغ گفتن، تهمت زدن، خلـف وعـده، تزویر، خیـانت، هر معصیت (و جرم) دیگری امتناع ندارد».(۳) در بـاب نقش و جایگاه شخصـیت (که گاهی از آن تعبیر به نفس یا من یا خود هر شخصی می شود). همین بس که در متون دینی اعم از قرآن و روایات و نیز گفتار و نوشتار عالمان دینی سفارشات و تاکیدات زیادی بر تربیت نفس و

۱- همان، صص ۹۳ - ۹۴.

۲- همان، صص ۹۴ تا ۹۵.

۳- همان، ص۹۵.

مبارزه با هواها و خواهش‌های نفس که از آن به جهاد اکبر تعبیر می شود شده است. امیرالمؤمنین (علیه السّلام) می فرماید:

«غَالبِ الشَّهوهَ قَبلَ قوَّهِ ضَراوتِها فَإنَّها إن قَوِیَت مَلِکَتک و إستَقادَتک ولَم تَقدِرع مُقاوِمَتِها».(۱)

بر هوای نفس خودت غلبه کن قبل از این که نیرومند گردد که اگر قوی شد ترا مسخر می سازد و به هر طرف خواست می کشد و در آن صورت نمی توانی در برابرش مقاومت نمایی.

همچنین امام (علیه السّلام) در روایتی می فرماید:

«إقصِرنَفسَک عَمَّا یَضُرُّها مِن قَبلِ أن تُفارِقُکَ وأسِع فی فِکاکِها کَما تَسعی فی طَلَبِ مَعیشَتِک فَإنَّ نَفسَک رهینهٌ بِعَمَلِک».(۲)

نفس خودت را از آنچه برایش ضرر دارد باز دار، قبل از آن که روح از بدنت مفارقت کند و در آزادی نفست کوشش کن چنان که در طلب اسباب معیشت تلاش می کنی. همانا نفس تو در گرو اعمالت خواهد بود.

و نیز خداوند متعال در قرآن می فرماید:

«و أمَّا مَن خافَ مَقامَ رَبِّهِ و نَهَی النَّفسَ عَنِ الهَوی فَإنَّ الجَنهَ هی المَأوی».(۳)

اما کسی که از مقام پروردگارش بترسد و نفس را از هواهایش باز دارد همانا بهشت جایگاه او خواهد بود.

۱- همان، ص ۷۸،به نقل از غررالحکم، ص۵۱۱.

۲- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج۲، ص۴۵۵، ح ۸، دارالاضواء، بی تا.

۳- نازعات، ۴۰.

نتیجه مطالب فوق اثبات عاملیت و علیت شخصیت افراد در وقوع یا عدم وقوع جرم است.

گفتار پنجم: بررسی علل و عوامل

در این گفتار لازم است به بررسی علل و عوامل مذکور به عنوان ریشه های اصلی وقوع جرایم از نظر اهمیت، رتبه و نقش آفرینی بپردازیم؛ گرچه عوامل وقوع جرائم منحصر به علل مزبور نمی شوند لکن عوامل مذکور خصوصاً عامل شخصیت با توجه به توضیحات ارائه شده که با استناد به نظریه های دانشمندان ذکر شد مبنی بر مرکب بودن شخصیت از عوامل گوناگون وراثتی و فرهنگی - چنان..که در گفتار چهارم از همین مبحث مفصل خواهد آمد - به عنوان علل و عوامل اصلی وقوع جرم می توانند به شمار آیند؛ چرا که بقیه عوامل هم هر کدام به نحوی به این عوامل بازگشت می نمایند.

در هر حال جرم شناسان اعتقاد دارند در تحقق جرم چهار پدیده: عامل، علت، انگیزه و شرط دخالت دارند و وقتی این چهار پدیده را به دقت بررسی کنیم در خواهیم یافت بین آن..ها و عوامل مذکور ارتباط وجود دارد چنان..که دکتر هدایت الله ستوده در مقاله آسیب شناسی اجتماعی در تبیین این چهار پدیده می گوید: «عامل، پدیده ای است که در آفرینش، رشد و شکل گیری جرم نقش موثری دارد بدون این..که ایجاد کننده جرم باشد. نقش عامل، از نظر تأثیر بخشی و اهمیت، بستگی کامل به افراد دارد. زیرا عاملی که با قدرت فراوانی بر روی فردی اثرات بسیار عمیقی می بخشد و او را در مسیر بزهکاری قرار می دهد، ممکن است نسبت به دیگری فاقد آن قدرت و اثر باشد و نقش زیان بخشی ایفا نکند یا درجه نفوذش زیاد نباشد و در حد متوسط و متعادل باقی بماند. از جمله عواملی که چنین نقشی را دارند

می توان به زمینه ارثی یا وضعیت اقتصادی یا خانوادگی، هر یک به تنهایی اشاره نمود».(۱)چنان‌که می بینید کل این بحث و نیز مثال‌های ارائه شده در محدوده وراثت، فرهنگ و تربیت و نیز شخصیت که قبلاً ترسیم کرده بودیم می‌گنجد.

وی هم‌چنین در توضیح دیگر موثر در تحقق جرم می گوید: «علت، آفریننده جرم است و از تجمع چند عامل و تأثیر و تأثر متقابل آن‌ها پدید می آید مثال: بی سوادی، شرایط نامساعد خانوادگی، وضع بد اقتصادی، بی ایمانی و بی اعتقادی و ... وقتی که با هم جمع شوند».(۲) گرچه وی به عوامل وراثتی و شخصیتی تصریح ننموده است لکن می توان این دو عامل را در مرادِ از جمله «شرایط نامساعد خانوادگی» جستجو کرد و یا چون این موارد تنها به عنوان نمونه ذکر شده اند پس می‌توان آن دو را نیز جزء منظور وی لحاظ نمود و به هر ترتیب این مورد نیز برگشتش به عامل فرهنگی، تربیتی و نیز اقتصادی می باشد.

دکتر ستوده در ادامه پدیده انگیزه را تبیین می نماید که برگشت آن نیز به یکی از عوامل مذکور می باشد وی می گوید: «انگیزه، پدیده ای است فردی و ممکن است جنبه روانی یا جسمی داشته باشد مثل اختلالات کروموزومی یا وجود نقص عضو».(۳)این‌ها نیز به عامل وراثت یا شخصیت باز می‌گردند. دکتر مظلومان در توضیح پدیده شرط می گوید:«شرط پدیده ای است که زمینه را برای ارتکاب جرایم گوناگون فراهم می آورد.

۱- ستوده، هدایت الله؛ آسیب شناسی اجتماعی، مطالعات امنیت اجتماعی، ص۷۵، پیش شماره دوم، ۱۳۸۲ ش.

۲- همان.

۳- ستوده، هدایت الله؛ آسیب شناسی اجتماعی، مطالعات امنیت اجتماعی، ص۷۵، پیش شماره دوم، ۱۳۸۲ ش.

به عبارت دیگر این پدیده (عوامل) تازه ای را ایجاد و عوامل موجود را تقویت می کند مثل بحران اقتصادی که بروز آن، جرم های جدیدی نظیر «معاملات بازار سیاه» را ایجاد می کند و از طرف دیگر باعث می شود افرادی که به علت فقر در آستانه ارتکاب جرم قرار گرفته اند، بالفعل مجرم شوند و به جرایم علیه اموال - و حتی اشخاص - دست بزنند».(۱) بر این اساس علل و عوامل مذکور، گذشته از تقدم و تأخرشان که بعداً اشاره خواهیم کرد به عنوان اصلی ترین علل وقوع جرایم ایفای نقش می کنند.

اما از جهت تقدم و تأخر با توجه به مجموع مطالب گذشته، شکی نیست که دو عامل اقتصاد و فرهنگ پس از شخصیت از اهمیت بالاتری برخوردارند. عامل شخصیت، چنان...که قبلًا توضیح دادیم به نحوی شامل همه عوامل دیگر می شود؛ چون برآیند عناصر و عواملی چون وراثت، فرهنگ، تربیت، اقتصاد و معیشت و بسیاری موارد دیگر می باشد. در بین دو عوامل اقتصادی و فرهنگی هم گرچه تعیین تقدم و تأخر به ملاک اهمیت، دشوار است لکن باز مسئله فرهنگ سهم تأثیر بیشتری در وقوع جرم دارد به طوری که انسان پول...دارِ بدون مشکل اقتصادی و معیشتی با فرض این...که فاقد فرهنگ و تربیت لازم باشد، بیشتر از انسان دارای فرهنگ متعالی و در عین حال فقیر مرتکب جرم می شود. « بر اساس تحقیق انجام شده با این...که بزه...کاران دستگیر شده و محکوم شده از طبقه مستضعف و تهی دست و فقیر جامعه می باشند، اما تمام فقرا و نیازمندان مجرم نیستند و با وجود نیازمبرم به حوایج اولیه زندگی، با کمال شرافت و صداقت زندگی سخت و مشقت بار را متحمل شده و از ارتکاب جرم خودداری می نمایند.

۱- مظلومان، رضا؛ جرم شناسی، ص ۱۰۲، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۶ ش.

حرص، طمع برای ازدیاد ثروت و اندوخته با سوء استفاده از اعتبارات بانکی، اسراف و ولخرجی، خوش گذرانی، فسق و فجور، قمار و ... به عناوین مختلف که کمتر تحت پیگرد قانونی قرار می گیرد از جمله جرایم ارتکابی ثروتمندان است. گاهی متمولین برای اجرای مقاصد شوم خویش با پرداخت پول و دادن وعده و وعید دیگران را به ارتکاب جرایم مختلف تشویق و ترغیب می کنند».(۱)

قرآن کریم نیز طغیان را - که شامل هر نوع جرمی می تواند باشد - از خصوصیات انسان‌هایی می داند که خود را غنی و مستغنی می دانند؛

«إنَّ الإنسانَ لَیَطغی أن رَّءَاهُ استَغنی»(۲)

«به درستی که انسان آن‌گاه که خود را مستغنی بداند، هر آینه طغیان می کند».

اگر بخواهیم از آن‌چه که در بررسی علل و عوامل مذکور بیان شد نتیجه ای بگیریم، باید چنین بگوییم که علت فرهنگی و تربیتی قوی‌ترین عامل تحقق جرم است. حتی در انسان فقیر و مستمند عاملی که باعث می شود برای رفع گرسنگی یا فقر دست به سرقت یا قتل یا هر جرم دیگری بزند قطعاً ضعف فرهنگی و تربیتی اوست کما این‌که در انسان ثروت‌مند نیز همین علت، عامل ارتکاب به جرم است - گرچه عواملی همچون حرص، طمع، خوش‌گذرانی و غیره نیز هر یک تأثیر خود را دارند- به علاوه عامل

۱- دانش، تاج زمان؛ مجرم کیست و جرم شناسی چیست، ص۳۷۴، جرم شناسی، کیهان، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۹ ش.

۲- علق، ۶ و ۷.

فرهنگی و تربیتی در عین حال قوی‌ترین عامل باز دارنده از تحقق جرم نیز محسوب می شود.

در جمع بندی نهایی این مبحث ذکر این نکته لازم و ضروری است که شاید عوامل موثر با تأثیر مستقیم در بروز جرایم را نتوان احصا کرد لکن بدون شک عدم عدالت اجتماعی یکی از مهم ترین و مؤثرترین عوامل وقوع جرم می باشد. از این رو به طور قطع می توان گفت که در سایه تحقق عدالت اجتماعی تمامی زمینه های وقوع جرم اعم از وراثت، فرهنگ و تربیت، معیشت و اقتصاد و نیز شخصیت از کارکرد نامناسب خود خارج و به زمینه های مفید و مؤثر در پیش‌گیری از جرم و دست یابی به جامعه ای پاک و عاری از جرم تبدیل می شوند.

مبحث دوم: پیش گیری از وقوع جرم

اشاره

در کلیهٔ مسائل و رخدادهای اجتماعی و حتی فردی که پدیده ای نیاز به درمان داشته باشد، خواه مسئله روحی، روانی، جسمی باشد و یا اخلاقی، حقوقی، اقتصادی و ... همواره پیش گیری بهتر، موثرتر و معقول تر از درمان می باشد، کما این که در اموری که موجب رشد و بالندگی و سلامت و ... می شود پیش دستی و استقبال پسندیده است. «در میان هر قوم و ملتی، عقل و منطق حکم می کند که همیشه پیش گیری از مرض، بهتر از معالجه آن است. به همین دلیل .... وظیفه اصلی و اولیه قانون گذار، باید از بین بردن علل ارتکاب جرم و پیش گیری از اعمال

مجرمانه باشد».(1) باری، لزوم پیش گیری از ارتکاب جرایم، اولین بار به وسیله انریکوفری عنوان شده و نام

۱- صلاحی، جاوید؛ کیفرشناسی، ص ۶۰، انتشارات سحوری، چاپ سوم، ۱۳۸۲ ش.

برده معتقد بود که با تمهید مقررات خاصی که بعدها به نام (اقدام تأمینی) معروف شده می توان اجتماع را از خطر مجرمین حفظ کرد. به زعم انریکوفری

«اقدامات تأمینی به خوبی می تواند جانشین مجازات ها شده و امر مهم دفاع اجتماعی را تأمین نماید ... با این کار نه تنها ریشه جرم و جنایت از بیخ و بن کنده می شود، بلکه در مخارج مبارزه با مجرمین نیز صرفه جویی خواهد شد». (۱)

در اهمیت پیش گیری و ضرورت آن دانشمندان زیادی بحث کرده اند و جملگی آن را مؤثرترین شیوه در وقوع نیافتن جرم دانسته اند. «ریموند گسن» می گوید:

«تدابیر پیش گیری اجتماعی به دلیل بیان معروف [پیشگیری بهتر از درمان «کیفر» است] اغلب به مثابه نوش دارو معرفی شده است».(۲)

دکتر نجفی توانا معتقد است هزینه هایی که برای اعمال کیفر مجرمان می شود، باید صرف پیش گیری گردد تا نتیجه مطلوب تری به دست آید. وی می گوید:

«برخورد با پدیده بزهکاری با سلاح کیفر برخوردی موفقیت آمیز نبوده است. اصولاً مبارزه با معلول بدون توجه به علل در نهایت اقدام مفیدی نخواهد بود. احتساب مخارج ناشی از اجرای کیفر و اقدامات تربیتی و تأمینی و هزینه های ناشی از جرایم رقم هنگفتی

۱- همان.

۲- گسن، ریموند؛ جرم شناسی نظری، ص ۱۳۷، م . کی نیا، مهدی؛ انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، سال ۱۳۷۴ ش.

را به ما نشان می دهد که اگر سیاست کیفری مملکتی به آن درجه ای از تعالی برسد که به جای صبر کردن و در کمین نشستن و انتظار این که فردی مرتکب خلافی بشود و بعد او را تحت تعقیب و مجازات قرار دهد، همّ خود را [بر] پیش گیری از وقوع جرم نموده و با صرف مخارج فوق رفع کمبودها و نیازهای افراد محروم [را] نماید می تواند ریشه بزهکاری و ناسازگاری را بخشکاند».(۱)

وی در ادامه برای پیش گیری دو راه ارائه می دهد که یکی مربوط به پیش گیری عمومی و دیگر مربوط به پیش گیری اختصاصی است و در توضیح هر یک از آن دو می گوید:

«پیش گیری عمومی در ارتباط با کل جامعه بوده و مسائل سیاسی، اقتصادی, اجتماعی و فرهنگی را در برمی گیرد .... اقدامات پیش گیری عمومی شامل ایجاد یک فرهنگ مناسب، مستقل و غیر وابسته، اجرای یک سیاست درست اقتصادی در جهت ریشه کن کردن فقر و فاقه و تأمین نیازهای تمام اقشار فقیر و تهی دست که رقم بسیار بالایی را در میان کل بزهکاران تشکیل می دهند، جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهرها .... یا در یک کلام اِعمال سیاستی که بتواند از هر نظر یک عدالت اجتماعی و سلامت واقعی را در تمام ابعاد جامعه حاکم گرداند. در جوار پیش گیری عمومی می توان از پیش گیری اختصاصی یا خاص نام برد. این پیش گیری مبتنی بر انجام اقداماتی است که قبل یا بعد از ارتکاب ناسازگاری و بزه صورت گرفته و هدف از آن مبارزه با انگیزه ها و علل بزهکاری، بازپروری

۱- نجفی توانا، علی؛ جرم شناسی، ص ۵۱، انتشارات خیام، چاپ اول، سال ۱۳۷۷ش.

مجرم و امحاء عوامل و انگیزه های آن می باشد. در حقیقت پیش گیری اختصاصی مسکن، برای تسکین درد و جلوگیری از پیشرفت آن می باشد و عمدتاً در کوتاه مدت مفید می باشد».(۱)

پس از بیان کلیاتی راجع به اصل پیش گیری و تبیین اهمیت و جایگاه پیش گیری نسبت به جرم اینک مواردی که در پیش گیری به معنای عام حائز اهمیت بیشتری نسبت به سایر موارد هست را تحت گفتارهای اول، دوم و سوم بیان می نماییم.

گفتار اول: مبارزه با فقر

هم چنان که خود فقر به عنوان عامل بسیار مهم و فراگیر در بروز جرایم قلمداد می شود، مبارزه با آن نیز عامل مهمی در ریشه کنی جرایم و پیش گیری از وقوع جرایم به حساب می آید، تا این اندازه نزد همه اندیشمندان اعم از اسلامی و غیراسلامی مسلم است لکن مطلبی که بسیار مهم تر است آن است که ملاک فقر چیست و به تبع آن مبارزه با فقر تا کجا باید ادامه پیدا کند؟

از نظر فقها، ملاک فقر آن است که شخص مخارج سالیانه خود و عیالاتش را نداشته باشد. چنان که صاحب جواهر در تعریف فقراء و مساکین می فرماید:

۱- نجفی توانا، علی؛ جرم شناسی، ص ۵۲ تا ۵۳، انتشارات خیام، چاپ اول، سال ۱۳۷۷ش.

«الفقراء والمساکین...وهم...الذین...تَقصُرُوا...اموالُهم فی...مَؤونه سَنَتهم».(۱)

فقیران و مسکینان کسانی هستند که اموالشان به مخارج سالشان نمی رسد.

در این جا لازم است مؤونه سال یا مخارج سالیانه را تبیین نماییم تا معلوم شود که در مبارزه با فقر باید چه چیزهایی به دست بیاید و به هر کس چه مقدار داده شود تا فقر ریشه کن گردد.

آن...چه مسلم است مخارج سال عبارت است از نیازهایی که فرد و افراد جامعه برای گذران زندگی بدون سرافکندگی و بدون تلاش های طاقت فرسا دارند که این نیازها البته مطابق زمان تغییراتی خواهد داشت و نیز به تناسب شأن هر یک از افراد جامعه نیز فرق هایی را به خود اختصاص می دهد.

اما آن چه نزد همگان پذیرفته شده است و در قانون مدنی نیز آمده است «تامین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک و پوشاک، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده»(۲) است، اما در جامعه اسلامی بنا بر آن است که ریشه فقر به طور کلی کنده شود و به طوری که حتی یک نفر هم باقی نماند. شاید به این علت باشد که وقتی از امام صادق(علیه السلام) سؤال می شود: چه مقدار زکات به هر یک از مستحقین باید پرداخت شود؟ می فرمایند: تا جایی که بی نیاز گردد.

۱- النجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۲۹۶، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۴۰۰ ق.

۲- قربانی، فرج الله؛ مجموعه کامل قوانین و مقررات اسلامی - مدنی، ص۴۴، اصل ۴۳، دانشور، چاپ هفتم، ۱۳۷۳ ش.

«سعید بن غزوان،عن ابی...عبدالله(علیه السّلام) قال سألتُهُ: کَم یُعطَیُ الرُجُلُ الواحد مِن الزکوهِ؟ قال: أعطِه مِن الزکاه حتی تُغنیه».(۱)

اساساً اسلام در پی برکندن ریشه فقر از جامعه اسلامی است، نه این که به فقر و مسکین به مقدار رفع گرسنگی و برهنگی چیزی داده شود. حکیمی در این باره می گوید:این توهم فاسد و فکر ضد اسلام است که اسلام متهم به قبول آن شده است. دلیل آن هم این است که اسلام می گوید: بده به فقیر و مسکین و مستحق، مقداری که به واسطه آن حاجت ایشان از طعام و لباس و مسکن و غیر این...ها برطرف گردد. و بده به ایشان از محل زکات تا بی نیاز شوند، و بده به ایشان تا جایی که موونه و مخارج سالش را داشته و بده به ایشان تا بتواند از آن بخورد و بیاشامد و بپوشاند و ازدواج و حج و پرداخت صدقات انجام دهد و نیز دِینش را ادا کند. و بده به ایشان تا این که در طعام و لباس عیال (زن و بچه اش) توسعه

بدهد تا جایی که ملحق به سایر مردم شود».(۲)

طبق این برداشت شاید بتوان گفت اسلام جامعه را به مثابه قافله ای می داند و فقیر و مسکین و مستحق را به مثابه جامانده از قافله می داند که وظیفه همه و به طریق اولی امیر قافله که همان حاکم جامعه باشد آن است که این شخص را به قافله برساند؛ گرچه در قافله هم عقب و وسط و جلو

۱- الحرالعاملی، محمد بن الحسن؛ وسائل الشیعه، ج ۶ ص ۱۷۹، احیاء التراث العربی، چاپ پنجم، بی تا.

۲- «هذا وهمٌ فاسدٌ...وزاتفٌ و...فکرهٌ ضِدُّ اسلامیهٍ أُتُّهِمَ الاسلامُ بقبولِها. وذلک...لأنَّ الاسلامَ یقول: أعطِ الفقیرَ...والمستحقَ...ما تُسَدُّ به...حاجتُه...مِن الطعامِ واللباس والسَّکن...وغیرها وأعطِه...مِن...الزکاهِ حتی تُغنیَه،وأعطه حتی یصیر مَکفیُّ المَؤونَهِ بِمُدَه سَنَهٍ وأعطِهِ حتی یأکُلَ مِنه ویَشرَبَ ویَکتَسی ویتَزَوَّجَ ویحج ویتَصدَّق ویَتسدَّد دَینُهُ. وأعطِه حتی یُوَسَّعَ علی...عیاله فی طَعامهم وکِسوَتِهم حتّی یُلحِقَهُم بالنّاس».(ر.ک.حکیمی، محمد رضا، محمد، علی؛ الحیاه، ج ۶، ص ۱۰۷، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.)

وجود دارد و همه در یک سطح نیستند و حتی قوی تر و ضعیف تر نیز وجود دارد اما جامانده جزء قافله نمی باشد، و به همین جهت باید مورد کمک و عنایت ویژه قرار گیرد تا به بقیه برسد. اسلام از آن جهت به مبارزه با فقر اهتمام می ورزد که آن را سبب عمده زیاد شدن گناهان و خطاها می داند. در روایتی امام علی (علیه السّلام) به فرزندش امام حسن(علیه السّلام) می فرماید:

«لا تَلُم انساناً یطلُبُ قوتَهُ، فَمن عَدمَ کَثُرَ خطایاهُ».(۱)

ملامت مکن انسانی را که خوراکش را طلب می کند، پس کسی که آن را نیابد خطاهایش زیاد می شود.

و نیز در حدیثی دیگر می فرماید:

«الفقر، الموت الاکبر»(۲)؛ فقر مرگ بزرگ است.

شاید بتوان گفت مرادِ روایت این است که مرگ طبیعی در مقابل فقر، کوچک است. بعضی فقر و غنای انسان را به خداوند نسبت می دهند و می گویند این مشیت الهی است. در جواب این عده باید گفت: اگر منظور خواست تشریعی است یعنی خداوند رضایت دارد به این که در جامعه انسانی عده ای فقیر باشند و عده ای غنی، این گفتار به هیچ وجه نمی تواند درست باشد چرا که خداوند خود از طرفی از تکاثر ثروت در دست عده ای منع نموده و از طرف دیگر به فقرا و عده غنی کردن آن ها را داده است و در دین مبین قوانینی قرار داده تا اگر فقر و محرومیتی دامن گیر افراد شده، فقر آنان برطرف شود. ... و اگر منظور اراده و خواست تکوینی باشد، اگر به

۱- حکیمی، محمد رضا، محمد، علی؛ الحیاه ج ۴، ص ۲۸۰، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۷ ش.
۲- ر.ک. همان، ص ۲۸۱.

نحو علت تامه باشد به طوری که تخلف از آن امکان پذیر نباشد (اذا قَضی امراً فانّما یقول له کن فیکون؛ چون حکم خدا به چیزی تعلق می گیرد، می گوید موجود باش، بی درنگ آن چیز موجود می شود)(۱) باز نمی تواند صحیح باشد؛ زیرا خواست تکوینی خداوند در صورتی...که حتمی باشد نمی تواند با خواست تشریعی اش مخالف باشد؛ زیرا در این صورت تکلیف به رفع تکاثر و فقر تکلیف به ما لایطاق خواهد بود.(۲) ولی اگر بگوییم منظور از خواست خداوند در این جا این است که خداوند در این راه مانعی ایجاد نمی کند... و در این میان عده ای ولو با غصب، اموال فراوان انباشته اند و عده ای هم حقوقشان پایمال شده، امری مقبول و قابل پزیرش است.

در این گفتار مبارزه با فقر را به عنوان یکی از راه...های پیشنهادی جهت پیش گیری از وقوع جرایم معرفی کردیم گرچه بعضی فقر را به عنوان یک مسئله و معضل در بروز جرایم قبول ندارند و در تأیید ادعای خود به رفتار روستاییانِ فاقد امکانات رفاهی استناد می کنند و می گویند:

«در بسیاری از روستاها، مردم در سطح بسیار پایینی از زندگی هستند و در آن جا به کار و فعالیت خود مشغول و وظایف اجتماعی خود را نسبت به هم نوعان خود به بهترین وجه انجام می دهند. در چنین روستاهایی، افراد با وصف فقر، دست به جنایت و دزدی نمی زنند و زنان برای کسب پول به فحشاء روی نمی آورند. [همچنین] در زمان جنگ، مردم ما نیز فقیر بودند، اما با وصف این، نه فقط اعتراض نداشتند، بلکه به هم نوعان خود نیز

۱- مریم، ۳۵.

۲- شاکر، محمد کاظم؛ فقر غنا در قرآن و حدیث، ص ۱۱۴، بی نا، بی تا.

در حد قابل توجهی کمک می کردند».(۱)

وی به نقل از دورکیم و مرتون می گوید:

«فقر وقتی تأثیر مخرب خواهد داشت که در مقابل فقر، تصویر یا قول آرزوهای بلند پروازانه ارائه شود».(۲)

و به نقل از کونیک می گوید:

«همین مسئله در کشورهای تکامل نیافته نیز می تواند به کار گرفته شود. فقر کالاهای اقتصادی در واقع عاملی نیست که تولید آنومی بکند، برعکس [در آن جا] یک شکل سنتی و پذیرفته شده از فقر وجود دارد که انسان به آن عادت کرده است. اما شرایط وقتی تغییر می کند که از طریق گسترش وسایل ارتباط جمعی، تصویر یک نوع زندگی دیگر و مرفه تر (مثلا با برنامه های تلویزیونی یا ویدئویی) تا اقصی نقاط جوامع تکامل نیافته رخنه می کند».(۳)

این نظرات که البته قائلین زیادی دارد، لطمه به ادعای ما و بحث مورد نظر وارد نمی کند؛ زیرا اولا ما فقر را به عنوان یکی از عوامل بروز جرایم قلمداد کردیم آن هم در کنار عوامل دیگری از جمله عامل فرهنگی و تربیتی، شخصیتی و وراثتی و ... .ثانیاً: نگارنده در این گفتار در پی تبین راههای پیش گیری است که طبیعتاً باید به تمام گزینه ها پرداخته شود. ثالثاً: ادعای ایشان با توجه به مثال هایی که زده بودند بیان کننده این بود که در جوامعِ فقیر شاهد جرم و جنایت و ... نیستیم که بر فرض قبول این ادعا که

۱- رفیع پور، فرامرز؛ توسعه و تضاد، ص ۱۹۷ تا ۱۹۸، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم، ۱۳۸۰ ش.

۲- همان، ص ۱۹۸، به نقل از دورکیم و مرتون.

۳- همان، به نقل از کونیگ.

خیلی هم بـا واقعیت منطبق نیست، می گوییم با مطالعه موارد وقوع جرایم این نکته به دست می آیـد که یکی از عوامل مؤثر و مهم در وقوع آن ها فقر بوده است. بنابر این برای پیش گیری از وقوع مجـدد قطعاً باید با فقر مبارزه جدی صورت پذیرد؛ در غیر این صـورت توقع جـامعه ای سـالم و بـدون جرم و جنـایت ممکن نخواهـد بود. از این روی بر همگـان؛ خصوصـا عالمـان، واجب است در این جهت تلاش نمایند. در حدیث شریف علوی آمده است:

«و ماأَخَذ اللهُ علی العُلَماءِ، أن لا يُقارّواعلی كِظَّةِ ظالمٍ ولا سَغبِ مظلومٍ».(1)

و آن چه خداوند پیمان گرفته است از علماء این است که قرار و آرام نگیرند نسبت به شکم بارگی ظالم ها و گرسنگی و فقر همراه با رنج مظلوم ها.

نکته ای که شایـان ذکر است این است که مبـارزه با فقر را تا حاکمیت عـدل بایـد ادامه داد و این تا زمانی است که ریشه های فقر به طور کلی خشکانده شود.

« اگر عـدالت بر جـامعه ای انسـانی انطبـاق یابـد، افراد آن جـامعه بی نیاز می گردنـد. پس غنی شـدن مردم و ریشه کنی فقر و محرومیت، دلیل وجود عدل است و عدمش دلیل نبود عدل است. پس فقر و تهیدستی همراه عدالت یافت نمی شود.(2)»

ص: ۱۱۰

۱- حکیمی، محمـد رضا، محمد و علی؛ الحیاه، ج ۵، ص ۲۲۳، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۷ ش، به نقل از نهج البلاغه، خطبه ۵۲.

۲- همان، ج ۶، ص ۳۴۵.

باری «وجود فقر در جامعه و عـدم بی نیازی مردم، اولین شاهـد بر نبود عدل در [میان] مردم و [نیز] سـیطره ظلم بر ایشان اسـت زیرا آموزگار معصوم(علیه السّلام) می فرماید:

اگر عـدالت در میان مردم جاری شود، بی نیاز خواهنـد گردیـد... سـزاوار نیست جامعه ای را که در آن عـدل سـیادت ندارد و مردم قیـام به قسط نمی کننـد و نیز فقیر هسـتند و بی نیاز نیسـتند، جامعه اسـلامی نام نهاد تا چهره اسـلام در دیگر جاهای عالم نمادی زشت نداشته باشد.».(۱)

با تدبر در روایات معصومین(علیهم السّلام) به این واقعیت می رسیم که ایشان در کمتر چیزی هم...چون فقر بیم ناک و هراسان بوده اند. امام علی(علیه السّلام) خطاب به پسرش محمد بن حنفیه می فرماید:

«ای پسرم بر تو از تهی دستی بیم دارم. از فقر و نیازمندی به خدا پناه ببر، چرا که نیازمندی زیان زننده به دین، سرگردان کننده خرد، و انگیزه ای برای دشمنی است».(۲)

بـا این توضـیحات، مبـارزه همه جـانبه برای ریشه کنی فقر گـام اول برای دست...یابی به عـدالت اجتماعی و پیشـگیری از وقوع جرایم به شمار می...رود.

۱- همان، صص ۳۴۵ - ۳۴۶.

۲- محمدی ری شهری، محمد و همکاران؛ دانش نامه امیرالمومنین(علیه السّلام)، ج ۱۰، ص ۲۳۲، نشر دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۲.

گفتار دوم: فراهم نمودن فرصت های مساوی

یکی دیگر از عوامل پیش گیری از جرم جلوگیری از زمینه های بروز تبعیض و نابرابری است. بدین منظور باید در توزیع امکانات و بهره برداری از آن عدالت را برقرار نمود. گرچه عدالت به طور مطلق به معنای برابری نیست، اما در همه صاحب نظران متفق اند که افراد باید از فرصت های مساوی برخوردار باشند. به عنوان مثال برای شرکت کنندگان در مسابقه دو، باید از مسافت برابر، شروع همزمان، یکسانی تسهیلات، تشابه مسیر و مانند آن برخوردار باشند. لذا اگر کسی زودتر حرکت کند و یا از مسیر کوتاه تری طی مسیر نماید و یا مجاز باشد بعد از زمان مشخص شده به خط پایان برسد، این نوع نابرابری همان بی عدالتی است و زمینه تبعیض را فراهم می آورد که موجب ناخشنودی و وقوع جرایم می گردد. همچنین در پی انجام مسابقه اگر به نفر اول برابر با نفر آخر جوایزی اهدا شود با اینکه برابری صورت گرفته اما عین بی عدالتی است. در همین راستا شهید مطهری می فرماید:

«اگر حقوق مردم محفوظ و جامعه، عادل و متعادل باشد و تبعیض و محرومیت و احساس مغبونیت در مردم نباشد، عقاید و اخلاق پاک و صفای قلب و اعمال خوب، بیشتر پیدا می شود و زمینه برای وقوع گناهان و اخلاق رذیله و شیوع عقاید ناپاک کمتر خواهد بود».(۱)

چنان که در کلام مرحوم مطهری تصریح شده است تبعیض و محرومیت و احساس مغبونیت موجب بروز جرایم و وقوع گناهان می شود در نتیجه رفع تبعیض که یکی از مهم ترین شاخصه هایش برخورداری همگان از فرصت های مساوی می باشد موجب پیش گیری از جرایم خواهد شد.

۱- مطهری، مرتضی؛ بیست گفتار، ص ۷۹، صدرا، چاپ هجدهم، ۱۳۸۰ ش.

هم چنین یکی از عوامل نابسامانی های اجتماعی وجود رانت های اقتصادی است که سبب بروز جرایمی در سطح جامعه شده است و برای ریشه کن شدن جرم باید از زمینه های پیدایش این مقوله نیز پیش گیری به عمل آید. هاشمی شاهرودی در این زمینه می گوید:

«قطعاً یکی از عوامل نابسامانی های اقتصادی که بسیار از آن ضربه خورده ایم سوء استفاده از رانت ها و امتیازها و انحصارهای اقتصادی است که همه در دست دولت است و این گونه به حال خود رها شده است».(۱)

رانت یک فرصت انحصاری و غیر قابل دسترس برای همگان می باشد که موجب بروز جرایم اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی فراوانی می شود. لذا در ادامه، وجود چنین فرصت هایی را برای افراد دولتی موجب برهم خوردن تعادل و توازن اقتصادی جامعه دانسته و می گوید:

« باید جلوی این مجوزها و رانت ها با وضع قانون گرفته شود و هیچ وکیل یا وزیر یا رئیسی نه خود و نه فرزندان و خانواده اش و نه قوم و خویشانش حق هیچ گونه دخالت شخصی در مسائل اقتصادی نداشته باشند... وقتی کسی در مصدر وزارت و وکالت و ریاستی قرار می گیرد، از ابعاد گوناگون صاحب قدرت می شود، ورود این شخص به عرصه رقابت های اقتصادی با افراد معمولی متفاوت است».(۲)

۱- هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ صحیفه عدالت، ج ۲، ص ۲۶۱، مرکز مطبوعات و انتشارات، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.

۲- هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ صحیفه عدالت، ج ۲، ص ۲۶۱، مرکز مطبوعات و انتشارات، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.

این تفاوت یعنی همان فرصت های نامساوی که برای پیش گیری از وجود و وقوع جرایم باید با آن مبارزه کرد و زمینه فعالیت سالم به طور مساوی را برای همگان فراهم نمود. مرور تاریخ خصوصاً در زمان خلافت امیر مؤمنان علی(علیه السّلام) در این فراز خالی از لطف نیست آن جا که وی برای برقراری عدالت اجتماعی جلو رانت خواری بعضی افراد را گرفت و هشدار داد که آن چه در زمان های گذشته خصوصاً در زمان عثمان بذل و بخشش شده است به بیت المال باز خواهد گردانید. این نبود مگر به خاطر برقراری شرایط و فرصت های مساوی و جلوگیری از زراندوزی و زیاده خواهی عده ای که بی هیچ دلیلی سهم و نصیب بیشتری را به خود اختصاص داده بودند. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«والله لَو وجدتُهُ قد تُزُوِّجَ بِه النِّساءُ و...مُلکَ بِهِ الإماء لَرَدَدتُهُ فإنَّ فی العدل سَعَهً...ومن ضاقَ...علیه العدل فالجورُ علیه أَضیَق».(۱)

به خدا اگر ببینم که [بیت المال] به مهر زنان یا بهای کنیزکان رفته باشد، آن را باز می گردانم که در عدالت گشایش است و آن که عدالت را برنتابد، ستم را سخت تر یابد.

این ویژه خواری ها ابتدا موجب دل سردی و بی تفاوتی توده مردم و سپس به مرور زمان و با سخت تر شدن شرایط موجب خشم همگانی و یا رواج فساد و بی بند و باری در تمام طبقات جامعه گردیده به همبن خاطر است که

۱- شهیدی، سید جعفر؛ ترجمه و شرح نهج البلاغه، ص۱۶، خطبه ۱۵، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ۱۷،۱۳۷۴ ش. همان، ص ۲۶۰، خطبه ۲۲۴ .

آن اسوه عدالت برکسی که طعامی را به ارمغان برایش آورده بود عتاب می کند و می گوید:

«مادر بر تو بگرید، آمده ای مرا از راه دین خدا بگردانی یا خرد آشفته ای یا دیو گرفته، یا به بیهود سخن میرانی؟ به خدا اگر هفت اقلیم را بـا آن چه برآسـمان هـاست به من دهنـد، تا خـدا را نافرمانی نمایم و پوست جوی را از مورچه ای به ناروا بربایم چنین نخواهم کرد».

هم چنین امام عدل گستر در نامه ۵۳ خود به مالک اشتر نخعی که به عهدنامه مالک اشتر نیز معروف است می فرماید:

«ثُمَّ إن لِلوالی خـاصَّهً وبطانهً فیهم إستئثارٌوتطاولٌ، و قِلَّهُ إنصافٍ فی مُعامِلَهٍ،...فاحسِم مادّهَ اولئک بِقَطعِ اسـبابِ تلک الاحوال. ولا تُقطِعَنَّ لأحـدٍ من حاسـیَتِک وحامَّتِـکَ قَطیعَهً. ولا یطمَعَنَّ مِنـکَ فی اعتقـادِ عُقـدَهٍ تَضُـرُّ بِمَن یَلیَها...مِنَّ...النَّاسِ فی شِرْبٍ أَوعَملٍ مُشترکٍ یَحمِلونِ مؤونَتَهُ علی غیرِهم فیکون مَهنأُ...ذلک لهم دونَک، وعَیبُهُ علیک فی الدنیا والآخره».(۱)

نیز والی را نزدیکان است و خویشاونـدان که خوی برتری جسـتن دارنـد و گردن فرازی کردن و در معاملت انصاف را کمتر به کـار بسـتن. ریشـه سـتم اینـان را بـا بریـدن اسباب آن برآور و به هیـچ یـک از اطرافیـان و خویشاونـدانت زمینی را به بخشـش وامگذار، و مبادا در تو طمع کنند با بسـتن پیمانی که مجاور آنان را زیان رساند در بهره...ای که ازآب دارند، یا کاری که باید با هم به انجام رسانند و

۱- شهیدی، سید جعفر؛ ترجمه و شرح نهج البلاغه، ص۳۳۸، نامه ۵۳، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ۱۳۷۴،۱۷ ش.

رنج آن را بر عهده دیگران نهند، پس بر آنان تنها گوارا افتد و عیب آن در دنیا و آخرت بر تو ماند.

دادگری از وظایف اصلی حاکمیت هر جامعه ای به شمار می رود و این مقوله با توزیع مناسب فرصت...ها رابطه مستقیم دارد. لذا «دولت دادگر نمی تواند و نباید با حقوق و شایستگی های مردم به دلخواه خود برخورد کند، بلکه باید به اصولی چون آزادی های عمومی، تساوی همگان در برابر قانون، توزیع برابر همه ارزش های نخستین و اساسی اجتماعی، توزیع برابر مناسب اجتماعی و برابری افراد در حقوق و وظایف اساسی کاملاً پای...بند باشد».(۱)

گفتار سوم: تعلیم و تربیت

نقش شگفت انگیز تعلیم و تربیت در زندگی انسان (و حتی حیوان) بر هیچ خردمندی پوشیده نیست و تا کنون هم ضرورت آن مورد تردید قرار نگرفته است؛ چرا که تعلیم و تربیت صحیح می تواند فرد را به اوج ارزش ها برساند و اگر غلط افتد وی را به سقوط کشاند. آدمی در آغاز ولادتش فاقد علم و ادراک و تربیت و کمال است و به تدریج با تعلیم و تربیت مستقیم و غیرمستقیم استعدادهای بالقوه او به فعلیت می رسد و رشد و تکامل می یابد. چنان که قرآن مجید می فرماید:

۱- قربان نیا، ناصر؛ عدالت حقوقی، ص ۲۰۶، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،چاپ اول، ۱۳۸۱ش.

«واللهُ أخرجَكم مِن بطون…أَمهاتِكَم لا…تعلمون شيئاً…وجَعل…لكم السَّمعَ والأبصارَوالأفئدةَ لعلكم تَشكرون».(۱)

و خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد، در حالی که هیچ نمی دانستید و برای شما گوش و دیدگان و دل…ها قرار داد، تا شکرگزار باشید.

«از این رو مکتب اسلام برای تربیت، در تمام مراحل و مقاطع زندگی (حتی قبل از ولادت و حین تولد و دوران شیرخوارگی و غیره) دستورهای ویژه ای ارائه داده است تا انسان از کودکی در کانون خانواده و در آغوش والدین، معلم و تحت تأثیر فرهنگ محیط، تعلیم و تربیتِ مناسب و لازم را ببیند و برای مراحل عالی تر زندگی انسانی آماده شود و پرورش یابد. بر این اساس شکوفایی استعدادها و ارزش های والای انسانی مبتنی بر تعلیم و تربیت است و انسان شدن انسان و وصولش به کمال نهایی، همه

مرهون تعلیم و تربیت صحیح است ... به همین سبب «ابو حامد محمد غزالی(۲)» و «خواجه نصیرالدین طوسی(۳)» و بسیاری از علمای دیگر، تعلیم و تربیت را «اشرف صناعات» و برترین دانش ها دانسته اند».(۴)

چنان که بیان شد تعلیم و تربیت عامل اصلی برای حفظ جامعه از پلیدی ها و کجی ها و زشتی ها و در یک کلمه حفظ جامعه از انواع جرایم به

۱- نحل، ۷۸.

۲- غزالی، ابو حامد، احیاء علوم دین، ۵ ج، ج ۱، ص ۱۳، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

۳- طوسی، خواجه نصیرالدین؛ اخلاق ناصری، تصحیح و تنقیح مجتبی مفیدی و علیرضا حیدری، ج ۲، ص ۱۰۶، خوارزمی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۰ ش.

۴- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، ص ۱۷ تا ۱۸، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.

شمار می رود به طوری که اگر تعلیم و تربیت صحیح نباشد هرگز نمی توان جامعه ای رشد یافته و عاری از جرم را تصور نمود.

«از این ره گذر است که به اطمینان می توان گفت: مشخصه یک جامعه سالم و رشد یافته، تنها داشتن موقعیت جغرافیایی خوب و معادن متنوع و منابع مالی نیست، بلکه نظام تعلیم و تربیتی زنده و مترقی است که انسان هایی آزاده، مستقل، خلّاق، مبتکر و تلاشگر می سازد ...و وقتی او (انسان) صالح و سالم پرورش یافت همه چیز به خوبی ساخته می شود».(۱) و دیگر جایی برای بروز جرایم باقی نمی ماند چرا که ریشه همه مفاسد بی کاری، سلطه پذیری و عقب ماندگی است که در سایه نبود تعلیم و تربیت صحیح ایجاد می شود.

با دقت در طبیعت و بافت وجودی انسان، ریشه های ضرورت و اهمیت تعلیم و تربیت در پیش گیری از جرم را در می یابیم. چرا که مایه های اصلی خیر و شر در نفس آدمی نهفته و زمینه های صعود و سقوط در نهاد او قرار داده شده است. چنان که قرآن می فرماید:

«و نَفسٍ و ما سَوَّیها فَألهَمَها فُجوُرَها و تَقویها قَد أفلح مَن زکَّیها و قد خاب مَن دسَّیها»(۲)

سوگند به نفس و آن که او را متعادل و موزون بیاراست و خیر و شرش را به آن الهام کرد که به حقیقت هر کس آن را تزکیه کند به رستگاری رسد و هر کس آن را بیالاید (به پلیدی و کفر) زیان...کارشود.

۱- همان، ص ۱۸ تا ۱۹.

۲- الشمس، ۷.

اما گرایش به آگاهی فطری به خیر و سعادت، به تنهایی سازنـده نیست بلکه باید سعادت را به دست آورد؛ زیرا جرم گریزی که در سایه تکامل تـدریجی انسـان پدیـد می آیـد، نیازمنـد تلاش و توجه و حرکت است و اگر انسان بـدون تعلیم و تربیت صحیح رها شود و به خود واگذاشته شود، انحطاطش حتمی است و زمینه هـای بروز جرایم در او ایجاد می شود. سخن اندیشمند بزرگ فلسفه و اخلاق، خواجه نصیرالدین طوسی نیز همین معنا را بیان می کند:

«و از آن جهت که مردم در بـدو فطرت، مستعد این دو حالت بودنـد، احتیاج افتاد به معلمان و داعیان و مؤدیان و هادیان، تا بعضی به لطف و گروهی به عنف او را از توجه به جانب شقاوت و خسران، که در آن به زیادت جُهد روی و حرکت حاجت نـدارد بلکه خودِ سکون و عدم حرکت در آن معنی کافی است مانع شونـد و روی او به جانب سعادت ابـدی - که جهـد و عنایت مصروف بدان می باید داشت و جز به حرکت ضمیر در طریق حقیقت و اکتساب فضیلت، بدان مقصد نتوان رسید- می گردانند تا به وسیلت تسدید و تقویم و تأدیب و تعلیم ایشان به مرتبه اعلی از مراتب وجود می رسند».(1)

هم چنین عالم بنام، ابو حامد محمد غزالی آمده است:

«اگر علما و معلمان نبودنـد مردم هم...چون بهایم و چارپایان زیست می کردنـد، یعنی مردم در سایه تعلیم از مرحله حیوانی به مقام

۱- طوسی، خواجه نصیرالدین؛ اخلاق ناصری، تصحیح و تنقیح مجتبی مفیدی و علیرضا حیدری، ج ۲، ص ۶۴، خوارزمی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۰ ش.

انسانی ارتقا می یابند».[(۱)]

با توجه به مطالب ذکر شده و نیز گفتار دانشمندان و متفکران اسلامی و غیراسلامی؛ مانند: افلاطون، ارسطو، کمنیوس، جان لاک، ژان ژاک روسو، هربرت اسپنسر، امیل دورکیم، ژان پیاژه، دیویی، تا معلم ثانی فارابی، بوعلی سینا، مسکویه، غزالی، خواجه نصیرالدین طوسی و ابن خلدون که همگی آثاری در رابطه با تعلیم و تربیت و نقش آن در اصلاح انسان و حتی حیوانات و به دنبال آن اصلاح جامعه نگاشته اند، این نکته را درمی یابیم که تعلیم و تربیت یکی از مؤثرترین عوامل پیش گیری از جرایم به شمار می رود. ذکر مطالب این بزرگان در این مقال از حوصله بحث خارج است لکن مختصری از نظریات ایشان در کتاب فلسفه تعلیم و تربیت[(۲)] آمده است که برای محققین، مراجعه به آن خالی از لطف نیست. لکن به عنوان نمونه کلام غزالی را به نمایندگی از طرف تمامی صاحبان نظر و اندیشه ذکر می کنیم که می فرماید:

« هر کودکی با فطرت سالم و معتدل به دنیا می آید، اما پدر و مادرش او را به دین یهودیت یا مسیحیت یا مجوس در می آورند، یعنی با عادت و آموختن، رذایل را کسب می کند و همان...گونه که بدن در ابتدا کامل آفریده نمی شود بلکه به وسیله غذا و تربیت کامل و نیرومند می شود، نفس نیز به طور ناقص ولی کمال پذیر آفریده می شود که با تربیت و تهذیب اخلاق و تغذیه علمی به کمال می رسد.».[(۳)]

۱- غزالی، ابو حامد محمد؛ احیاء علوم الدین، ۵ ج، ج ۱،ص ۱۱، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

۲- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، ص ۱۶۷ تا ۳۲۱، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.

۳- غزالی، ابو حامد محمد؛ احیاء علوم الدین، ۵ ج، ج ۳،ص ۶۰، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

در ادامه بحث و تشبیه صحت و سقم نفس به سلامتی و بیماری بدن می گوید:«رذیلت اخلاقی با ضدش (مثل جهل با تعلم، بخل با سخاوت) آن هم با تحمل تلخی مجاهدت و خودداری از مشتهیات درمان می شود و معلم و مربی باید اخلاق و علت رذایل اخلاقی را بداند و حال، سن، مزاج و توان تحمل هر فرد را در نظر گیرد و هر کس را با روش خاص و طی مراحل مختلف مورد تعلیم و تربیت اخلاقی قرار دهد و نباید استاد و مرشد بودن تشخیص این امور به پرورش متربی بپردازد».(۱)

وقتی در سایه تعلیم و تربیت صحیح، رذایل اخلاقی؛ چنان که غزالی و تقریباً همه صاحب نظران معتقد هستند، درمان می شوند و از بین می روند، قطعاً تعلیم و تربیت در جلوگیری و نیز کاهش جرایم به طریق اولی موثر خواهد بود؛ چراکه پیش گیری آسان تر از درمان است. خصوصاً

اگر تعلیم و تربیت صبغه مذهبی و بالاخص اسلامی داشته باشد؛ چرا که: «دین اسلام در کنار عنصر انذار، بیم دادن و ترساندن که می تواند ریشه و خاستگاه گناه و انحراف را بسوزاند، تاکید و ترغیب به ثواب آخرت و نیک بختی دنیا نموده است ...آموزه های دینی که در همه ادیان وجود دارند و در اسلام به نحو کامل تر و جامع تری وجود دارد، هر کدام می توانند در برابر انحراف اجتماعی نقش بازدارنده ای ایفا نمایند، .... از آن جا که سلامت اجتماع منوط به سلامت تک تک افراد آن است اگر آحاد مردم به راستی از ایمان الهی (تعلیم و تربیت دینی) برخوردار باشند، جامعه ای پاک و دور از هر گونه تشتت و انحراف خواهند داشت. اجتماع انسان هایی که از ویژگی های تعلیم و تربیت دینی برخوردارند،بالمآل منجر به تشکیل جامعه سالمی می شود که در آن افراد، قوانین و حقوق و حدود یکدیگر را محترم

۱- همان.

می شمارند و عدالت را امری مقدس به حساب آورده و به یکدیگر اعتماد و اطمینان می کنند».(۱)

در چنین جامعه ای طبیعتاً زمینه ـهای بروز جرم وجود پیدا نمی کند و این چیزی نیست مگر تأثیر تعلیم و تربیت خصوصاً از نوع دینی آن.

مبحث سوم: نظریات مختلف جهت کاهش جرم

اشاره

از سوی جرم شناسان، جامعه شناسان، حقوق دانان و به طور کلی تمام کسانی که در پی کاستن از جرایم در سطح جامعه هستند، همواره راه ـکار هایی برای این موضوع ارائه گردیده است که هیچ یک از آن ها به تنهایی کافی نیست، اما همه آن ها در یک اصل مشترک بودند و آن این که باید عدالت رعایت شود. از این روی برخی راه کار عدالت حقوقی، برخی عدالت کیفری، بعضی عدالت اقتصادی و در آخر هم عده ای عدالت ترمیمی را بهترین راه برای کاهش جرایم معرفی نموده اند که به ترتیب آن ها را توضیح می دهیم.

گفتار اول: راه کار عدالت حقوقی

قائلین به عدالت حقوقی می گویند:

«از عدالت حقوقی سخن می گوییم که نمودار تمام واقعیت های قانونی، اجتماعی، و روانی و گویای نظمی باشد که مراحل

۱- راموز، ملیحه؛ تربیت دینی و امنیت اجتماعی، مطالعات امنیت اجتماعی، پیش شماره سوم، ص ۸۹ تا ۹۲، معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۸۳ ش.

گوناگون قانون گذاری، تفسیر و اجرای قانون را در بر گیرد».(1)

چنـان که پیـداست مراد از عـدالت حقوقی وضع قوانین عادلانـه است تا در سایه آن همه افراد جامعه به خیر و مصـلحت دسـت یابنـد «عـدالت در قـانون گـذاری را می توان شـرط اساسـی و عمومی عـدالت در جامعه سیاسـی دانست و آن را بسان آینه ای پنداشت که تصویر عدالت را باز می تاباند». لذاست که در قانون گذاری «شایسـتگی و اسـتحقاق افراد نیز باید مورد توجه قرار گیرد تـا قوانین عادلانـه وضع شونـد، به ویژه که قوانین عادلانه اگر نه برای همه، برای اغلب مردم ضامن حفظ حقوق و مصالح آن هـا است و در نتیجه، موجب رفتار عادلانه نیزمی شود».(2) به خوبی روشن است که وقتی رفتار عادلانه باشـد قطعاً جرم در جامعه کاهش و حتی ریشه کن خواهـد شـد، پرواضـح است که اگر قوانین عادلانه نباشد روحیه سرکشـی و مقاومت در مقابل آن در بین افراد جـامعه ایجـاد و همین امر موجب بروز جرایمی خواهـد گردیـد، چراکه همه افراد از قـدرت برخورد عادلانـه و عاقلانه با مسائل غیرعادلانه برخوردار نیستند.

گفتار دوم: نظریه عدالت کیفری

چنـان که می دانیم «کیفر دادن خاطیـان و متجـاوزین به حقوق دیگران، از قـدیم الایام در جوامع بشـری موسوم بوده است. در جوامع ابتدایی قدیم مجازات مجرمین به صورت انتقام یا قصاص فردی، از ناحیه شخص مجنی

۱- قربان نیا، ناصر؛ عدالت حقوقی، ص ۱۹۳، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،چاپ اول، ۱۳۸۱ش.

۲- همان، ص ۱۹۵ .

...علیه یـا اقوام و منسوبین او اجرا گردیـده، به تدریـج که اجتماعـات بشـری پیش رفت نموده و انسـان ها به سوی شهرنشـینی و تمدن روی آورده اند، اجرای مجازات کم کم از ید مجنی... علیه و

کسان او خارج شده، به دست اجتماع و نمایندگان آن افتاده است.

تا هنگامی که مجازات به دست کسان مجنی... علیه انجام می گرفته، بیشتر جنبه انتقامی داشته، یعنی به صورت ضرب و جرح و شکنجه و آزار مجرم در می آمـده، که گاهی نیز به قتل وی منتهی می شـده است. در آن صورت، چه بسا دوباره کسان مجرم به خون خواهی او در صـدد مجازات عاملین قتل و شـکنجه وی برمی آمده اند و این امر منجر به جنگ و ستیز دو قبیله یا بیشتر می گردیده است.

ولی از وقتی که اجتماع به نماینـدگی از مجنی علیه، در صدد کیفر دادن به مجرمین برآمده کم کم قواعد و ضوابطی برای این کار وضع کرد. و آن را از صورت انتقام وحشیانه بیرون آورد.

شایان ذکر است که در جوامع قـدیمی کیفر دادن مجرمین به صورت قصاص بوده که این موضوع از طرف ادیان رسـمی الهی نیز پـذیرفته شـده و تا مـدت های مدیدی در اجتماعات بشـری قطع دست در مقابل دست، کور کردن چشم، در مقابل چشم و شکستن دندان در مقابل دندان رواج داشته است.

ولی کم کم بر اثر پیش رفت تمدن و ظهور افکار و نظریات جدید اخلاقی، اجتماعی و فلسـفی قانون گذاران و سایر مسئولان جامعه در صـدد برآمدنـد که برای مجازات و کیفر مجرمین، هدف هایی در نظر گرفته و مجازات را متناسب با آن هدف های اجتماعی تعیین نمایند. گرچه این اهداف در جوامع بشری در طول اعصار و ادوار مختلف، متفاوت هستند. مثلاً گاهی مجازات جنبه ارعابی داشته، زمانی جنبه اخلاقی به خود گرفته،

گاهی فلسفه تربیتی و اصلاحی را دنبال کرده و بالاخره بعضی اوقات نیز واضعین قوانین جنبه نافعیت اجتماعی مجازات ها را در نظر داشته اند.

«نقش اخلاقی مجازات ها از قرون وسطی، ابتدا به وسیله نمایندگان کلیسا در کشورهای اروپایی مورد توجه قرار گرفت. ولی در عمل، به طوری عمّال کلیسا در اجرای مجازات نسبت به مجرمین خشونت به خرج داده و سوء استفاده نمودند که جنبه اخلاقی مجازات به کلی فراموش گردید و اجرای مجازات ها به صورت نوعی انتقام جویی و کینه ورزی نسبت به مجرمین در آمد».(۱)

باید توجه داشت که نقش اخلاقی مجازات ها مبتنی بر اصل جبران خطا می باشد، یعنی هر کس خطایی مرتکب شود یا زیانی به اجتماع و افراد دیگر وارد آورد، باید جبران نماید. به دیگر سخن «پیروی از عدالت و اخلاق ایجاب می کند تا هر بزهکار به نسبت اهمیت جرم خود مورد تنبیه و مجازات قرار گیرد».(۲)

به طور کلی «هدف اصلی از تأسیس کیفرها، مبارزه علیه بزهکاری و حفظ نظم و امنیت در جامعه است، اعمال کیفر یا مجازات در تاریخ سابقه ای طولانی دارد ... کیفر مرعوب کننده است و در مواردی عامل ترس و ارعاب نقش بازدارندگی دارد. انسان نسبت به حفظ حیات، آزادی، حیثیت و آبرو و مال خود علاقه دارد. بنابراین تهدید به سلب احتمال هر یک از این مواهب الهی برای ذی حق نگران کننده و بیم آور بوده و این

۱- صلاحی، جاوید؛ کیفرشناسی، ص ۲۱، انتشارات سحوری، چاپ سوم، ۱۳۸۲ ش.

۲- همان.

خود وسیله ای است برای بازداشتن اشخاص از تعدی و تجاوز به حقوق دیگران و جامعه».(۱)

پس از توضیحات مذکور که اصل کیفر را در مقابل جرم تبیین نمود، اینک عدالت کیفری را توضیح می دهیم. عدالت کیفری به طور خلاصه همان تناسب مجازات با جرم است، که در صورت اعمال این مجازات ها بزهکار به سزای عمل مجرمانه خودش رسیده است و این سبب عبرت دیگران و نیز مانع ارتکاب مجدد شخص مجرم خواهد گردید. به عبارت دیگر:

«هرگاه توازن میان منافع، حقوق و تکالیف استقرار یافته در جامعه، مورد تجاوز قرار گیرد، چهره ای از عدالت برای رفع تجاوز نمایان می شود که می توان آن را عدالت کیفری نامید».(۲)

عدالت کیفری عدالتی است که با اعمال مجازات به دست می آید، بنابراین می توان گفت:

«عدالت کیفری، شامل مراجع گوناگونی می شود که دامنه صلاحیت و مداخله آن ها از لحظه ارتکاب جرم شروع شده تا مرحله بعد از خروج مجرم از فرایند کیفری نیز ادامه پیدا می کند».(۳)

ص: ۱۲۶

۱- گلدوزیان، ایرج؛ بایسته های حقوق جزای عمومی (۳- ۲- ۱)، ص ۲۸۳ تا ۲۸۴، نشر میزان، چاپ دهم، ۱۳۸۴ ش.

۲- قربان نیا، ناصر؛ عدالت حقوقی، ص ۲۰۸، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.

۳- افتخار جهرمی، گودرز؛ مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۸، ص ۳۳۲، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵ ش.

گفتنی است که سازمـان ملـل متحـد نیز مقـوله عـدالت کیفری را مـورد تـوجه ویژه قرار داده است به طوری که «در طرز تلقی سازمان ملل متحـد، عـدالت کیفری به معنای وسـیع و در عین حال متحول آن به عنوان هسـته اصـلی استراتژی کنترل بزهکاری پـذیرفته و ابزارمنـد شـده است.و در این دیـدگاه عدالت کیفری در واقع شامل کلیه نهادها و اشـخاص می شود که هر یک در حقوق جزا دارای وظایفی هسـتند. چرخ های این عـدالت از زمان ارتکاب جرم به حرکت در می آیـد و دامنه فعالیت و جنبش آن تا زمان بازگردانـدن بزهکار به جامعه و خانواده اش، یعنی مرحله خروج بزهکار از چرخه کیفری ادامه پیـدا می کند. بدین سان، اگرچه عـدالت کیفری عمـدتاً بازوی قهرآمیز و سـرکوب گر سـیاست جنایی سازمان ملل متحد محسوب می شود، لیکن دارای وظایفی در قبال آن دسـته از بزهکارانی نیز هست که مجازات خود را متحمل شده اند و باید به منظور بازپذیری شـغلی، خانوادگی و اجتماعی، مورد مراقبت و مددکاری واقع شوند».(۱)

بـدین ترتیب نظریه عدالت کیفری معتقد است در صورتی که عدالت توسط مجموعه عوامل نظام کیفری که عبارتند از پلیس، دادسـرا، بازپرسی، دادگاه قضات اجرای کیفری و ادارات اجرای کیفرها و اقدامات تأمینی(اداره زندان و تربیت تحت مراقبت)، هم چنین قواعد آیین دادرسـی کیفری که حاکم بر فعالیت این نهادهای کیفری هستند رعایت گردد می...ت وان شاهد کاهش جرایم در سطح جامعه بود.

ص: ۱۲۷

۱- همان.

گفتار سوم: نظریه عدالت اقتصادی

صاحبان این نظریه برآنند تا اثبات کنند در صورت برقراری عدالت اقتصادی زمینه های بروز جرایم از بین خواهد رفت. اینان معتقدند همان طور که فقر می تواند عامل مهمی در بروز جرایم باشد، ثروت زیاد نیز می تواند زمینه پیدایش بسیاری از جرایم را فراهم آورد. قبلاً گفتار برخی دانشمندان را در این زمینه نقل نمودیم؛ از جمله افلاطون که می گوید:

«فقر و ثروت سبب نابودی کشورها می شود، فقر احساسات را از بین برده حس کینه توزی، انتقام جویی، بدبینی و حسد را تشدید می کند. کثرت ثروت نیز مبانی اخلاقی را سست نموده، سبب تنبلی، بی قیدی، غرور و بی اعتنایی نسبت به دیگران می گردد و کشور را به فنا و نابودی می کشاند، زیرا تقوای واقعی و ثروت های کلان و هنگفت مانعه الجمع هستند».(۱)

عده زیادی از دانشمندان به بیان نقش عوامل اقتصادی در بروز و پیش گیری از جرایم پرداخته اند. از آن جمله توماس مورس نویسنده انگلیسی در کتاب اوتوپی، بوتگر دانشمند هلندی و مارکس که همگی به نحوی به این موضوع توجه نموده اند. توماس مورس می گوید: «برای پیش گیری از بزهکاری، بهبود وضع اقتصادی، تعدیل ثروت رفع اختلافات طبقاتی، اشتغال به کار بی کاران و بزهکاران باید مد نظر قرار گیرد».(۲) هم چنین بوتگر می گوید: «بین اوضاع و شرایط اقتصادی و ارتکاب جرایم رابطه مستقیم وجود دارد و تحولات اقتصادی، نوع جرایم را تغییر می دهد».(۳)

۱- دانش، تاج زمان؛ مجرم کیست جرم شناسی چیست، ص ۳۶۵، کیهان، ۱۳۷۹ ش به نقل از افلاطون.

۲- ر.ک. همان، ص ۲۷۷.

۳- ر.ک. همان ص ۲۷۸.

بحث مفصل درباره این مسائل در گفتارهای پیشین آمده است که از مجموعه آن ها به این نتیجه می رسیم که گرچه قوام اجتماعی اختصاص به بعد اقتصادی ندارد، لکن تمام مسائل دیگر جامعه نیز به نحوی در گرو تعدیل و توازن اقتصادی می باشند.

« کسانی که گمان می کنند مردم با چیزی جز عدالت اجتماعی و اقتصادی اصلاح می شوند، در توهم به سر می برند».(۱)

گفتار چهارم: نظریه عدالت ترمیمی

یکی از راه کارهای ارائه شده جهت کاهش جرم در جامعه بشری راه کاری است که بر نظریه عدالت ترمیمی استوار است. «اصطلاح عدالت ترمیمی که توسط جامعه شناسان و جرم شناسان و حقوق دانان مورد استفاده قرار می گیرد برای اولین بار توسط شخصی به نام آربارنت در سال ۱۹۷۷ در آمریکا تحت عنوان مقاله ای به نام ترمیم، پارادایم نوین عدالت کیفری در نشریه ای به نام Ethics در طی یک مقاله تشریح و تبیین شد».(۲)

چنان که در فصول و گفتارهای قبل گفتیم دانشمندان بر این نظر هستند که بزهکاری نتیجه کنش ها و واکنش های عوامل و زمینه های گوناگون بوده و سرچشمه واحد ندارد. بنابراین، نباید انتظار داشت که با یک ابزار بتوان به همه سرچشمه های بزهکاری دست یافت و آن ها را خشکاند. عدالت

۱- حکیمی، محمد رضا، محمد، علی؛ الحیاه، جلد ۶، ص ۴۰۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.

۲- عباسی، مصطفی؛ میانجی گری کیفری، ص ۵۸، انتشارات دانشور، ۱۳۸۲ ش.

ترمیمی مبتنی بر میانجی گری(۱) کیفری ادعا ندارد که مسئله جرم را در جامعه به طور کلی حل می نماید و از وقوع احتمالی آن در آینده به طور قطع جلوگیری می کند، اما در عمل نشان داده است که تا حدودی از احتمال بزهکاری مجدد کاسته و یا در صورت تکرار آن، جرایم خفیف تری از سوی مرتکبی که موضوع برنامه های میانجی گری کیفری قرار گرفته، ارتکاب می یابد. در تأیید این ادعا پروفسور هواردزهر در آخرین کتاب خود به نام کتابچه عدالت ترمیمی می نویسد:

«عدالت ترمیمی تنها ابزاری برای کاستن از آمار تکرار جرم نمی باشد، هرچند که دلایل و نتایج به دست آمده در مورد این اثر [نشان می دهد] اثر عدالت ترمیمی بسیار زیاد است اما از آن جنبه، عدالت ترمیمی ترجیح داده می شود که درست ترین کار ممکن می باشد، چرا که نیازهای بزه دیدگان بایستی مورد توجه قرار گیرد و بزهکاران بایستی به مسئولیت پذیری و احساس مسئولیت آگاهانه داوطلبانه تشویق شوند و آنان که از بزه متأثر می شوند بایستی در فرایند عدالت کیفری شریک و سهیم شوند، حال اهمیت زیادی ندارد که آیا بزهکاران در آینده مرتکب جرم خواهند شد یا نه».(۲)

در تعریف عدالت ترمیمی گفته شده است: «عدالت ترمیمی فرایندی است برای درگیر نمودن - تا آن جا که امکان پذیر است - کسانی که دارای

۱- قطع نظر از بار منفی موجود در معنای این کلمه خصوصاً در مورد بزه دیدگان تجاوز به عنف، که نمی خواهند به عنوان طرف منازعه حضور یابند، در این مقاله صرفاً به معنای «دعوتی است به گفت و گو و کاوش و اکتشاف» .ر.ك. کتاب کوچك عدالت ترمیمی هوارد زهر .

۲- عباسی، مصطفی؛ میانجی گری کیفری، ص ۱۰۳، انتشارات دانشور، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش،پاورقی به نقل از هوارد زهر، کتابچه عدالت ترمیمی، ۲۰۰۲ م.

سهمی در یک جرم خاص هستند تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان ها، نیازها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن و راست گردانیدن امور به اندازه ای که امکان پذیر است اقدام نمایند».(۱)

در تبیین اهداف عدالت ترمیمی نیز گفته شده است:

«الف – واگـذاری امکان اخذ مهم...ترین تصـمیمات توسط کسانی که از جرم متأثر شده اند. ب – اجرای عدالتی بیش تر التیام بخش و به نحو آرمانی بیش تر د گرگون ساز و متحول کننده.ج – کاهش احتمال وقوع جرایم بعدی».(۲)

با توجه به مطالب پیش گفته در باره عـدالت ترمیمی در می...یابیم که طرف...داران نظریه عـدالت ترمیمی آن را به عنوان عامل مهمی جهت کاهش جرم تلقی می نمایند. و دامنه این تلقی تا مجامع بین المللی در رأس آن ها سازمان ملل کشیده شد، به این ترتیب که پس از فراز و نشیب هـایی نشـست گروه تخصصـی بـا عضویت ۱۸ متخصـص از ۱۶ کشور جهـان و ۸ ناظر نماینده سازمـان ملـل و سازمان های غیردولتی به ریاست و میزبانی کشور کانادا در شـهر «اتاوا» برگزار گردیـد و نتایـج و پیشـنهادها و بررسـی چندین روزه این کمیته به همراه گزارش ویژه سازمان ملل به عنوان پیش نویس اعلامیه اصول اساسی استفاده از برنامه هـای عـدالت ترمیمی در قلمرو کیفری به کنگره یـازدهم کمیسـیون پیش گیری از جرم و عـدالت کیفری در ۱۶ تا ۲۵ آوریل ۲۰۰۲ وین ارائه شد. هرچند که اصول اساسـی مزبور مورد قبول اعضای کمیسـیون جنایی قرار نگرفت اما از این سـند به عنوان ره نمودهایی

۱- زهر، هوارد، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، ص ۶۲، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۳ش، م . حسین غلامی.
۲- همان، ص ۶۳ .

ارزش...مند بهره مند شده و طی قطع نامه ای اصول اساسی کمیته تخصصی در

زمینه عدالت ترمیمی را مد نظر قرار داده و دولت ها را برای توسعه و اعمال عدالت ترمیمی تشویق نمودند. «پیش نویس [مزبور] با عنایت به گسترش قابل ملاحظه جهانی تجارب مربوط به عدالت ترمیمی و با توجه به این امر که این تجربه ها برخاسته از عدالت بومی و قدیمی کشورها است که جرم را یک لطمه به شخص تلقی می کنند، و با عنایت به این امر که عدالت ترمیمی پاسخی جامع به جرم می دهد که طی آن احترام و تساوی حقوقی افراد و شئون انسانی افراد را حفظ نموده و تفاهم متقابل را تشویق نموده و توازن و اعتدال را در جامعه در خلال ترمیم لطمات و التیام بزه دیدگان و بزهکاران و جامعه امکان پذیر می سازد و به متأثرین از جرم امکان بیان احساسات و سرگذشت های ناشی از جرم و بیان نیازهای اساسی آن ها را داده و فرصتی برای بزه دیده برای جبران و ترمیم لطمات وارده و احساس سلامت و آرامش وی مهیا می کند و روندی را ایجاد می کند که بزهکار با آگاهی و بصیرت، قبول مسؤلیت نموده و امکان این امر را برای جامعه مهیا می سازد که ریشه های اساسی جرم را شناسایی نموده و از وقوع جرم جلوگیری نموده و رفاه و امنیت را در جامعه برقرار سازد».(۱)

گفتار پنجم: بررسی نظریه ها

با دقت در محتوای نظریات ارائه شده جهت کاهش جرم نتیجه می گیریم که تمامی راه کارهای ارائه شده در قالب نظریات مزبور لازم هستند اما هیچ کدام به تنهایی توان لازم جهت تحقق این مهم را ندارند.

۱- عباسی، مصطفی؛ میانجی گری کیفری، ص ۲۴۳ تا ۲۴۴، انتشارات دانشور چاپ اول، ۱۳۸۲ش،

حتی مجموع راه کارهای ارائه شده نیز بدون انضـمام بعضـی مولفه های دیگری که در طول این مقاله به قدر بضاعت به آن ها پرداختیم، توان لازم و کافی جهت کاهش جرم را نخواهند داشت. چراکه به گفته دانشـمندان، جرم معلول عوامل بسیار زیاد و متنوعی است که بایـد روش برخورد با آن نیز از تنوع مناسب و متناسبی برخوردار باشـد تا در سایه آن به جامعه ای امن، آرام، بانشـاط و به سوی کمال دسترسـی پیـدا شود. «ادامه و بقای زنـدگی اجتماعی توام با رفاه و آسایش ممکن نیست مگر با تنظیم صحیـح روابـط افراد جـامعه بـا یکـدیگر و حفـظ نظم عمومی و تامین امنیت در جامعه و گسترش عـدالت اجتماعی، اقتصادی، سیاسـی، فرهنگی، قضایی و اخلاقی که این امر مسـتلزم پیش بینی قواعد و ضوابط هماهنگ در کلیه زمینه هاست تا از هرگونه تجـاوز و تعـدی افراد بـه حقـوق یکـدیگر جلـوگیری و بـه طریـق ممکـن افراد را ملزم به رعـایت مـوازین حقـوقی و اجتمـاعی بنماید».(۱)

منحصـر به فردترین و بهترین راه تحقق عـدالت اجتماعی و کاهش جرم تحقق تک تک مواردی است که طی این بخش بـدان ها پرداخته شد و تحقق بعضـی و عدم تحقق بعضی ما را به این هدف نائل نمی کند و از آن جا که یک مجموعه به هم پیوسته از ضوابط و قواعـد و احکام وجود دارد که عـدم هر مؤلفه ای ضـربه ای جدی بر پیکر جامعه بشـری می زند. از این روی برای نیـل به هـدف عـالی تحقق عـدالت اجتمـاعی و کـاهش جرم بایـد در پی وجود بخشـیدن به مؤلفه هـای مـذکور در بخش دوم اقدامی جدی صورت پذیرد.

۱- گلدوزیان، ایرج؛ بایسته های، حقوق جزای عمومی(۳-۲-۱)، صفحه ۳۴، نشر میزان، چاپ دهم، ۱۳۸۴ ش.

سخن پایانی

اشاره

آن چه از تتبع و تحقیق پیش رو به دست می آید این است که به تحقیق «عدالت اجتماعی در کاهش جرم نقش اساسی دارد». برای اثبات این ادعا آراء و نظرات اندیشمندان و صاحب نظران از مکاتب مختلف الهی و بشری مورد بررسی و بازکاوی قرار گرفت و به شهادت آن چه در تحقیق تدوین گردید، همه صاحب نظران در اصل ضرورت عدالت اجتماعی اتفاق نظر دارند.

«اولاً: اصل عدالت خلاصه و عصاره همه احکام و شرایع الهی است.

ثانیاً: می توان آن را ایده ال مشترک همه انسان‌ها و معیار سلامت فطرت ها و محک وجدان های پاک دانست».(۱)

شاید این بهترین جمع بندی از بحث ضرورت اصل عدالت نزد همه انسان‌ها باشد.

اما ضرورت عدالت، و اجرایی شدن آن خصوصاً در حوزه اجتماعی که از آن به عدالت اجتماعی یاد کردیم، ما را بر آن داشت تا بفهمیم چه خصوصیتی در این گوهر نهفته است که این قدر مورد توجه همگان واقع شده است. دغدغه اصلی همه صاحبان اندیشه هدایت بشر به سوی کمال مطلوب می باشد و تنها چیزی که ممکن است این هدف را دور از دسترس و یا دست نا یافتنی بنماید، وقوع جرایم به معنای عام است که عبارت است از: «هر فعل یا ترک فعلی که مانع از رسیدن به کمال مطلوب شود».

این امر باعث می شود مسئله را به صورت ریشه‌ای مورد تحلیل قرار دهیم؛ ریشه جرم را بشناسیم و آن را قطع کنیم. این جا بود که دغدغه

۱- موسوی، سیدجمال الدین؛ عدالت اجتماعی در اسلام، ص ۲۰، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر چاپ اول، ۱۳۸۰ش.

صاحب نظران و اهتمام ایشان به مسئله عدالت معنای روشن تری پیدا کرد؛ چراکه ایشان معتقد بودند که ریشه همه مفاسد و جرایم بی عدالتی است. برای تبیین این مطلب در خلال بحث های گذشته پس از بیان مفهوم عدالت اجتماعی، آثار مثبت تحقق آن و آثار منفی عدم تحقق آن تبیین شد. سپس نقش عدالت اجتماعی در کاهش جرم اثبات شده و گفته بسیاری از اندیشمندان را برای تأکید و تأیید این ادعا ارائه دادیم.

اینک در سخن پایانی می خواهیم بگوییم هیچ یک از مکاتب غیر از مکتب جهانی اسلام ظرفیت لازم جهت تحقق عدالت منتهی به هدایت به سوی کمال را ندارند. برای تحقق عدالت اجتماعی باید ابتدا محور آن را که انسان است از حیث ابعاد وجود او، خطوط مسیر آینده، حدود و ویژ گی ها و نیازهای روحی و هنجارهای روانی، عاطفی و احساسی شناخت. سپس متناسب با آن ابعاد برنامه های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... در قالب قوانین و حقوق را پی ریزی نمود. بدین وسیله هم عدالت اجتماعی محقق و هم جرم کاهش پیدا خواهد کرد. اما چگونه ممکن است عدالت را درباره موجودی که نسبت به او شناخت کامل وجود ندارد، به اجرا در آوریم. هر چند مکاتب مختلف به معرفی انسان از دیدگاه خاص خود می پردازند، ولی وجود تضادهای فکری، امکان توافق بر معیار مشترک را تأیید نمی کند و ترجیح یکی از آن...ها بر دیگری نوعی تحمیل غیرعادلانه و غیرعاقلانه است. درد اصلی این مکاتب آنست که ابتدا و انتهای سیر انسان را در این جهان و حیات پس از مرگ او را نمی دانند. اصولاً نمی دانند انسان برای چه هدفی به این دنیا پا نهاده و هدف او جز لذت های تباه شونده و تباه کننده زندگی چیست. اگر در این مشکل بزرگ، راه...بری جز این مکاتب متناقض و متضاد بشری برای انسان وجود نداشته باشد، چگونه می تواند به حق خود برسد و حق و عدالت را در جامعه بشناسد تا در مرحمله عمل به اجرا درآورد. «کانون های اندیشه بشری قادر نیستند عدالت اجتماعی را حتی

در ساده ترین مشکل های اجتماعی طراحی کنند. فرض می کنیم انسان هیچ مشکلی جز زندگی در این جهان و سلامت و امنیت ظاهری را نمی طلبد، آیا متفکران شرق و غرب توانسته اند خط عدالتی را در جامعه برای این موجود پیاده کنند که از آلام و دردهای اجتماعی و نگرانی های او بکاهد؟ متأسفانه هر چه بیشتر اندیشیده اند

کمتر به نتیجه مطلوب رسیده اند».(۱) برای نمونه در مباحث حقوق کیفری شاهد اختلافات، تناقضات، افراط و تفریط های فراوانی هستیم که زاییده فکر ناقص بشر منقطع از منبع وحی است. مثلاً ـ در امر مقابله با جرم و جنایت، مقوله دزدی و قتل و لغزش های دیگر یکی از موضوعاتی است که اگر منهای تربیت انبیاء آن را در نظر بگیریم، می بینیم همواره جوامع متفکر در تلاش بوده اند ولی تا کنون راه حل های پیشنهاد شده در عمل با آمار و ارقام جنایات بالاتری مواجه شده و نه تنها از رقم جنایت نکاسته، بلکه متوقف هم نشده و رشد فزاینده داشته است.

در زمان های دور، قبل از تشکیل حکومت و دولت اگر فردی مرتکب جرمی می گشت، قبیله صدمه دیده با قبیله شخص بزهکار وارد جنگ می شد. بعدها با تشکیل حکومت و وضع مقررات، کل افراد جامعه، مجرم را تعقیب می کردند «بعد از انقلاب فرانسه، زبان ها و قلم ها در انتقاد از این نوع مجازات ها به کار افتاد و هر یک نظرات و پیشنهادهایی را اظهار نمودند. مکتب فائده اجتماعی، هر گونه انتقام ورزی را نسبت به مجرم رد می کرد، ولی رفتار با مجرم در هر مکتبی به صورتی توجیه می گردید. «ژان ژاک روسو» که طرفدار قرارداد اجتماعی است، می گوید: افراد طی قراردادی، اختیارات و حقوق خود را به جامعه تفویض نموده اند و اگر جرمی نسبت به شخص رخ دهد، او خود نمی تواند انتقام بگیرد. حق انتقام برای جامعه

۱- همان، ص ۲۷۱.

است؛ پس بایـد سودی از کیفر او نصـیب جامعه گردد. «بنتام» اجازه کیفر را به شـرط وجود ضـرورت صادر می کند. به همین جهت وی به شدت مجازات عقیده دارد. ولی با همه این تجدید نظرها که پی درپی در قوانین صورت می گرفت، باز هم رشد فزاینده جرایم متوقف نشد تا این که مکتب عدالت مطلق به وسیله «ایمانوئل کانت» مطرح شد.

«کانت عقیده دارد حتی اگر مردم جهان در جزیره ای جمع شوند و تصـمیم بگیرند برای همیشه جدا از یکدیگر زندگی کنند، باز قطع نظر از روابط اجتماعی باید آخرین فرد

قاتل را اعدام کرد و این عدالت مطلق است».(۱)

بـا توجه به اشـکالاتی که به عـدالت مطلق کـانت وارد است این مکتب نیز جای خود را به مکتب کلاسیک با تلفیقی از نظریه عـدالت مطلق و اصالت فایده اجتماعی داد. شـعار اصـلی این مکتب این بود «نه بیش از عدالت و نه بیش از آن چه فایده دارد» که نـتیجه آن فردی کردن مجـازات بود. آری، «نتیجه آن [مکتب کلاسـیک] هر چنـد به تخفیف مجـازات هـا و اصـلاح حـال مجرمین و تخفیف کیفرهـا انجامیـد و به لغو قـانون اعـدام منجر گردیـد و تنـاسب جرم بـا کیفر مراعات شـد و ... برای جرم ها حـداقل و اکثر قائل شـد، با این همه نتیجه این مکتب هم بالا رفتن جرم و جرأت مجرمان بود و ظرف ۵۰ سال حاکمیت مکتب کلاسیک ۶ برابر تعداد جرم ها افزوده شد».(۲)

این اختلاـف نظرهـا و تنـاقض گویی هـا و تضـارب آراء، در عین بی حاصـل بودن در رفع جرم و سـتم و یا تخفیف آن، نتیجه معکوس داده است. این بود بازتاب یکی از چهره های عدالت اجتماعی از دیدگاه مکاتب بشری. در

۱- همان،ص ۲۷۳.

۲- همان، ص ۲۷۴.

زمینه های دیگر فرهنگی، تربیتی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی و ... نیز با همین تناقضات و تضادها مواجه می شویم. این مکاتب حتی خود در طول زمان بر عقیده ای که ارائه می دهند ثابت قدم نمی مانند. به طوری که ممکن است متفکری امروز به سیستم قرارداد اجتماعی در موضوع عدالت اجتماعی پای...بند باشد اما فردا در فکر تأمین منافع اجتماعی نباشد و از سوسیالیسم به کاپیتالیسم یا بالعکس تغییر جهت و روش و عقیده بدهد. در عین حال مشکل اساسی این است که با فرض ثبات رأی و اتحاد نظر نیز کدام قدرت می تواند در تمام زوایای زندگی، انسان ها را در خط عدالت اجتماعی به هنگام خشم و شهوت حفظ کند تا بدین وسیله مانع از وقوع جرم شود.

لذا با همه این تفاصیل، اشخاصی که خود، این مکاتب اجتماعی را می پرورانند هیچ گونه تضمینی در مقام عمل برای خود آن ها در اجرای عدالت اجتماعی وجود ندارد چه رسد به دیگران. به همین جهت بشریت و در رأس آن اندیشمندان مکاتب مختلف برای برون رفت از این سیاه بختی و استیصال باید در اردوگاه اسلام خیمه بزنند و به فرامین و دستورات این دین انسان ساز، صفابخش، فرهنگ ساز و مهرورز گردن نهند تا شاهد خیر و برکت و ریشه کنی جرم، ظلمت و شقاوت، در سایه عدالت اجتماعی واقعی باشند.

اینک با دیدگاه و معیار اسلام درباره عدالت اجتماعی که دارای سه محور می باشد آشنا می شویم:

الف – شناخت انسان که مرکز عدالت اجتماعی است.

ب – شناخت جامعه برین که پایگاه تحقق عدالت اجتماعی است.

ج – شناخت رابطه عدالت اجتماعی با دو عنصر آزادی و رهبری؛ که مایه تشخیص حدود و ثغور عدالت اجتماعی است.

ص: ۱۳۸

الف – شناخت انسان.

مکاتب بشری از شناخت ژرفای وجود انسان، عاجز و ناتوانند و در معرض شناسایی ابعاد وجودی، شناخت تمایلات و نیازمندی های متوسط و عالی، شناخت مکانیزم ساختاری و سیر تکاملی انسان و عوامل مساعد یا منافی جهت رشد و یا انحطاط او، نتوانسته اند به چارچوب مشخصی دست یابند و اگر از ادعاهای افراطی و تفریطی تند روانه یک طرفه صرف نظر کنیم، جز ناتوانی و عجز از شناخت انسان، اظهار نظری صریح و قاطع نمی یابیم. دانشمندان منصف و محقق، بهترین تعبیری که از انسان کردند «موجود ناشناخته» یا موجود متافیزیک، موجود برتر متعالی و یا موجود ذوابعاد و از این قبیل تعبیرها بوده است.

«الکسیس کارل» کتابی دارد تحت عنوان «انسان موجود ناشناخته» تعبیری که «یاسپرس» از انسان دارد چنین است:

« نمی توان عظمت انسان را با مقیاس خاص سنجید».(1)

از سوی دیگر ماتریالیست ها همه چیز انسان را با دید ماتریالیسم تفسیر می کنند. حال در مقابل این پراکنده گویی...ها و تندروی ها و کندروی ها، خداوند آفریننده بشر با صراحت می فرماید:

«لَقَد خَلَقنَا الانسانَ وَ نَعلَمُ ما تُوَسوِسُ به نَفسُهُ و نَحنُ اَقرَبُ إِلَیهِ مِن حَبلِ الوَرید»(2)

ما خود که انسان را ساخته ایم بر او از همه بیش تر واقفیم و حتی آن چه را که او در دل می گذراند می دانیم و ما از رگ گردن به او نزدیک تر هستیم.

۱- موسوی، سید جمال الدین؛ عدالت اجتماعی در اسلام، ص ۳۲۴، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش، به نقل از عبدالله نصری، خدا و انسان در فلسفه یاسپرس، ص ۶۸ .

۲- ق، ۱۶ .

بـا چنین احاطه کاملی که خـدا بر انسان دارد، عقل، وجـدان، عاطفه و عرفان حکم می کنـد، ما طرح عـدالت مان را در جامعه انسان ها در آغاز، قبل از همه از خـدا بگیریم. بنابراین انسانی که اسـلام معرفی می کنـد از پیش خـدا آمـده است تا در دوران کوتاه زنـدگی این جهان بار سـفر را از عبادت و عبودیتش بربنـدد و از راه هم زیستی و مساعدت در گذرگاه همین راه کوتاه دنیـا تـوشه راه دراز آخرت را فراهـم سـازد و بـار سـفر ابـدیش را برای لقـاءالله و جـاودانگی بربنـدد، چراکـه «انّـالله و انّـا الیه راجعون(۱)»؛ ما از پیش خدا آمده ایم و به سوی او باز می گردیم.

بنابراین روابط اجتماعی باید به گونه ای برقرار گردد که با سـیر نهایی انسان سازگار و مساعد بوده و نیروها صـرف اصطکاک با عوامل مزاحم و مخالف نگردد.

ب – شناخت جامعه برین

شنـاخت جـامعه برین انسـانی ماننـد شـناخت انسان، نیازمنـد پیش فرض هایی است که بررسـی آن ها کار هر نوآموزی نیست. مجموعه تخصـص هـای اجتمـاعی، شـناخت های کیهانی و شـناخت ها و مشاهـدات عرفانی و معنوی لازم است تا جامعه برین انسانی را به تصویر کشد و در آن جامعه مردم بتوانند موقعیت خود را بشناسند و به حقوق و حدود یکدیگر تعدی نکنند. برای این منظور معیـاری لازم است. شـناخت این معیار که مبتنی بر شـناخت علت غایی و علت فاعلی است، در همه جا برای عموم، یعنی عارف و عامی به صورت یکسان نامشخص است و باید در قالب قانون مشخص گردد تا

۱- بقره، ۱۵۶.

همگان راه به کار خود برنـد. اما قانون گـذاری در مسائل اجتماعی صـرفاً حق کسـی است که جهان را آفریده و میزان دخالت انسان را در امر جهان به صورت علت غائی و علت فاعلی به خوبی می داند. اسلام دینی است که با دقت و مهارت، این حدود و حقوق را در شـکل فردی و اجتمـاعی تعیین نموده و راهنمـای بی طرف در عرصه حق و عـدالت اجتمـاعی است. بنابراین در قوانین اجتماعی نیز باید به مقتضای وحی الهی عمل نمود و به قرآن و سنت مراجعه کرد.

ج – شناخت رابطه عدالت اجتماعی با دو عنصر آزادی و رهبری

۱ – رابطه عدالت با آزادی

مقصود از آزادی، آزادی از هرگونه وابسـتگی به غیر خداست، چیزی که دیدگاه های مادی و غیراسـلامی عموماً گرفتار آنند. این وابستگی تکیه زدن بر امتیازهای قومی، خانوادگی، آداب و رسوم، هوا و هوس...ها، سلیقه های شخصی و یا گروهی است. در این کشـمکش هـا، توفـانی از تمایلات و عواطف ناهمگون به شـدت و خشونت هرچه بیشتر در مقابل هم صف آرایی می کنـد. این کشـمکش هـا فرد را گرفتـار تناقضـات و اختلافات سـهمگین روانی کرده و ملت ها با ملل و دولت...های دیگر را تا جایی دچار درگیری می کند که آخرین علاج بین آن ها از جنگ و خون ریزی سر درمی آورد. هرگاه همه تسلیم حکم خدا گردیم و به دلیل خرد و حکمت و آیات صـریح قرآن «إنِ الحُکمُ اِلالِله»، حق حاکمیت را ویژه خـدا بـدانیم، می توانیم عدالت اجتمـاعی را فراتر از سـلیقه ها، جناح ها، ملیت ها و قومیت ها بنگریم. عـدالت اجتماعی در بینش مادی تنها به مصالـح مادی و نیازهای ظاهری آن هم با دید مادی صـرف توجه دارد و هرچند سـخن از فرهنگ، هنر، علم و معرفت، عشق، سوز، محبت، هم زیستی و هم نوایی به میان می آورد، همه و همه در بعد مادی تفسیر می شود. اما اسلام به این عدالت اجتماعی اکتفا نمی کند و به اصطلاح فلسفی این مقدار را کمال نخستین

ص: ۱۴۱

عـدالت اجتمـاعی می دانـد، چراکه اسـلام در ورای ظواهر ملموس و محسوس جهـان مـادی، جهان دیگری را زنـده، پایـدار و اصـیل می داند که انسان با عبور از گذرگاه این جهان محدود، به آن جهان نامحدود می پیوندد. بنابراین هرگونه طرح عدالت اجتمـاعی این جهـانی که فرصت هـای تکـاملی انسـان در ابعـاد غیر مادی و غیر دنیایی مورد نیاز جهان ابـدیش را از او بگیرد، طرحی ظالمانه و نسبت به شخصیت چند بعدی او

ظلم نابخشودنی است و اصولاً چنین عدالت اجتماعی که خود موجب ظلم است نمی تواند موجب کاهش جرم گردد.

۲- رابطه عدالت با رهبری

در مبـاحث گذشـته اشـاره کردیم که بنیـاد عـدالت اجتماعی مطلق، تنها بر اساس وجود راهبری امام معصوم مویـد من عنـدالله، میسـر است. بنابراین مشـکل اصلی در زمان غیبت، غایب بودن امام زمان(علیه السّلام) است. در این مدت که بسیار طولانی هم شده دو نوع اشکال خودنمایی می کند:

یکی، این که از وجود مقدس امام غائب چگونه می توان برای جامعه بشـریت بهره برداری کرد و بدون ملاحظه حسی با توجه به این که امامت در مذهب شیعه جزء اصول فکری و عقیدتی است چه فواید و برکاتی بر وجود امام(علیه السّلام) در این مدت طولانی مترتب است؟

دیگر این که اداره امور در این فاصله زمانی برای تحقق عدالت اجتماعی به دست چه کس و یا کسانی واگذار شده است؟

در جواب مشـکل اول، بر اساس عقاید اسـلامی اصـیل، علت غائی و هدف نهایی خلقت، تربیت و تکامل انسان هایی است که امام در رأس هرم آن قرار گرفته است و

حتی قبـل از خلقت انسـان ها، این گونه رهبران که مقصـد اصـلی حیات کره ارضـی یا کل جهان هستی را تشـکیل می دهنـد، وجود داشـته اند، چراکه اولین مخلوق انسانی، آدم ابوالبشـر است که او خود یک پیامبر و رهبر الهی است. به تحقیق سلامت و سعادت انسان در پیروی

از این مردان خـدا و قبول رهبری آنان است و هرگاه مردمی مسـتحق عذاب الهی می گشـتند، به پیامبر زمان که امام امت خود بوده وحی می رسـید تا دست عزیزانش را گرفته از شهر خارج شود تا عذاب الهی متمردان را فراگیرد، چراکه با وجود اطاعت از رهبر الهی که مجری حق و عدالت است، نظام عالم مسـتحکم و اسـتوار می ماند و عذاب بر کسی نازل نمی شود. چنان...که قران کریم می...فرماید:

«و ما كانَ اللهُ لِيعَذِّبَهُم و أنتَ فيهم»(۱)؛

خداوند ایشان را عذاب نمی کند در حالی که تو (پیامبر) در میانشان هستی.

در روایتی دیگر وارد شده است که اگر حجت خدا نباشد زمین اهلش را فرو می برد؛

«لَولا الحُجَّهُ ساخَتِ الأرض بأهلها».(۲)؛

اگر حجت نباشد زمین اهلش را فرو می برد.

خواجه نصیرالدین طوسی نیز ظاهراً با اقتباس از این گونه روایات است که در مورد امام عصر[فرموده است:

«وُجُودُهُ لُطفٌ وَ تَصَرُّفُهُ لُطفٌ آخَر وَ عَدَمُهُ مِنّا»(۳)؛

وجود چنین رهبرانی لطف و تصرفشان در جهان و هستی لطفی مضاعف است و غیبت او (ایشان) از اعمال نامساعد ما نشأت

۱- انفال، ۳۳.

۲- صـدوق، ابن بـابویه القمی؛ کمـال الـدین و تمـام النعمه، تحقیق علی اکبر غفـاری، مؤسـسه نشـر اسـلامی، چاپ اول، ۱۴۰۵ قمری.

۳- حسن زاده آملی، حسن؛ کشف المراد فی شرح تجریدالاعتقاد، ص ۳۶۲، موسسه نشر اسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۵ ق.

می گیرد.

هم چنین علامه حلی در تشریح این جمله بیانی دارند که بخشی از آن مفید برای بحث می باشد. وی می گوید:

« تحقیق در مسئله امامت و رهبری که یکی از الطاف الهی است سه امررا ایجاب می کند... امر سوم پذیرش مردم و اطاعت از اوست که باید از توده های مردمی سرزند و همه در یاری وقبول رهبری امام و همکاری با او یک صدا شوند و این امر را هنوز اکثریت مردم انجام نداده اند».(۱)

تا این جا پاسخ مشکل اول تمام شد و اینک پاسخ مشکل دوم یعنی چگونگی حکومت در زمان غیبت، مسئله حکومت فقیه و زمینه پایگاه ولایت نواب عام امام عصر] در دوران غیبت از مسلمات فقه شیعه است. حتی در زمان تصدی حکومت های ظالم امور شرعی مردم با استجازه از مقام ولی فقیه انجام می شده است. در این زمان که به برکت انقلاب اسلامی زمان بسط ید ولی فقیه است و به همین دلیل در اصل پنجم قانون اساسی آمده است:«در زمان غیبت ولی عصر] در جمهوری اسلامی ولایت امر امامت بر عهده فقیه عادل و با تقوا آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبّر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می گردد».(۲)

بحث تعیین ولی فقیه از میان نواب عام امام عصر] مجال خاصی می طلبد که از حوصله این بحث خارج است. اما آن چه که به دست آمد این است که هیچ گونه حاکمیتی جز حاکمیت خدا مطرح نمی گردد و فرد

۱- همان.

۲- قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل پنجم

حاکم، نتیجه آراء مردمی صالح، خداپرست و اهل فضیلت و تقوا خواهد بود، به طوری که در هیچ جای دنیا تا این اندازه حرمت و شخصیت مردم با حفظ آزادی و عدالت و دموکراسی همراه تا حداکثر احتیاط در حراست از خودخواهی فرد رعایت نگردیده است. بهترین دلیل بر این حقیقت قضاوت شما خواننده منصف می باشد. گرچه خلأیی که از ناحیه عدم عصمت حاکم در بسط و نشر احکام و تحقق عدالت اجتماعی به وجود می آید محسوس است و به همین دلیل هنوز هم انتظار ظهور حجت برای اکمال دین به صورت عملی و اتمام نعمت با بسط عدالت و نفی ظلم مقبول و معقول و یک نیاز واقعی است.

فقط در سایه ظهور و حضور آن وجود مقدس است که ریشه ظلم از بیخ و بن برکنده و نهال عدالت کاشته خواهد شد؛ چنان که حدیث شریف می فرماید:

«...یَملأ الارض عدلاً و قسطً کما ملئت جوراً و ظلماً... » (۱)؛

زمین پر از عدل و داد خواهد شد هم چنان که پر از ظلم و جور گردیده است.

این کجا و آن چه مکاتب دست ساز بشری می گویند کجا!؟ آنان که با اتکا به افکار ناقص و محدود بشری خود بدون پشتوانه غنی وحی نسخه های رهایی بخش برای بشر و جامعه بشری می پیچند و جالب این که در اواخر عمرشان، خود نیز می فهمند که اشتباه کرده اند. مکاتب مختلف نوعاً یک سویه بحث عدالت اجتماعی را طرح کرده و پی گیری نموده اند، بدین معنی که بعضی بعد اقتصادی را مورد توجه ویژه قرار داده اند و همه چیز را

۱- الکلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول الکافی، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۷، دارالأضواء، تصحیح علی اکبر غفاری، بی تا.

مبتنی بر مسائل اقتصادی می دانند و سایر مسائل را مضحکه و مسخره می داند مثل مکتب مارکسیسم چنان که در مباحث مربوط گذشت و بعضی صرفاً آزادی را بدون هر قید و بندی مورد توجه خاص قرار داده اند به طوری که حق حیات را مختص سرمایه داران دانسته و برای بقیه نسخه شفابخش مرگ پیچیده اند، بعضی جنگ فقر و غنا را امری تکوینی دانسته و قائلند به این که خداوند خواسته است بعضی غنی و بعضی فقیر باشند پس از کسی کاری برنمی آید اما اسلام در عین حالی که با خیلی از فرهنگ ها و مکاتب مشترکاتی دارد لکن در قالب هیچ کدام نمی گنجد. اسلام دین جهان شمول پایان دهنده به همه سرگردانی هاست، همه نقاط قوت مکاتب و حتی ادیان گذشته را دارد علاوه بر نکات قوت مثبت بسیاری که مختص به خودش است چنان که پیامبر عظیم الشأن (صلّی الله علیه و آله) می فرماید:

«الاسلام یعلو ولا یعلی علیه»(۱)؛ اسلام برتر است و هیچ چیز بر آن برتری نمی...یابد.

چنان که گفته شد بقیه مکاتب نمی توانند عدالت اجتماعی را در مورد انسان و اجتماع محقق کنند چرا که اشراف کامل به همه جنبه های مادی و معنوی و نیازهای مختلف انسان ندارند. بنابراین عدالت اجتماعی در مورد انسان وقتی تحقق می پذیرد که فردیت انسان در قبال جنبه گروهی و جمعی اش مزاحمتی ایجاد ننماید و نیز بعد حسی او به جنبه های معنویش لطمه ای وارد نسازد و نیز جنبه دنیایی او ترجیح و تقدمی بر جنبه اخروی و جاودانگی او پدید نیاورد و نیز عکس این سه مورد بر جنبه های مقابل غلبه

۱- صدوق، ابن بابویه قمی؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۳۴، تحقیق علی اکبر غفاری، موسسه نشر اسلامی، بی تا.

ننماید. یعنی توجه به جنبه اجتماعی، انسان را از خود غافل نسازد و گرایش به معنویت، او را از وظایف مادی مشغول نگرداند و سرانجام آخرت را در مسیر دنیای مادی تأمین کند و از وظایف دنیایی خود غافل نماند. و ما این عدالت اجتماعی را کمال دوم و کاهش دهنده جرم می دانیم آیا جز این است؟ آیا اگر مردم یک جامعه چنین باشند در مسیری غیر از کمال قدم برداشته اند؟ و آیا انسان های به سوی کمال جرم کمتری مرتکب نمی شوند؟ اگر نگوییم اصلا مرتکب نمی شوند. این چنین عدالت اجتماعی جز این، ثمری نخواهد داشت. «البته چنین بنیان عدالتی جز از طریق وحی و نبوت تحقق نمی پذیرد و در میان ادیان توحیدی جز اسلام هیچ کدام زمینه جامعی برای این گستردگی و مفهومی به این وسعت برای عدالت اجتماعی دیده نمی شود و از میان فِرق مسلمین این اسلام ناب تشیع و مذهب اصیل اهل بیت: است که روی این ابعاد سخت عنایت ورزیده است».(۱)

ص: ۱۴۷

۱- موسوی، سید جمال الدین؛ عدالت اجتماعی، ص ۳۳۷، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.

پیشنهاد

بی‌گمان هر تحقیق، وقتی به ثمر می‌رسد که در مجرای عمل قرار گیرد؛ از این روی در این تحقیق سعی شده است راه‌کارهای عملی جهت مبارزه جدی با پدیده جرم و نیز تحقق عدالت اجتماعی ارایه گردد تا ضمن شناسایی وضعیت موجود توسط گروه‌های کاری قوی با کار سازمانی و با استفاده از مقدورات سازمان‌های مربوطه با این هدف که آیا مجموعه عوامل جرم زا - که توسط اندیشمندان علم جرم شناسی در کتاب‌های مربوطه مسطور است - به عنوان نرم افزارهایی در تدوین سیاست کیفری و برخورد با جرائم کافی است یا خیر؟ با ذکر دلایل متقن و دیگر این که اطلاعات علم جرم شناسی روز در شناسایی عوامل جرم زا چه کمبودها و اشکالاتی دارد، ما را در ترسیم وضعیت مطلوب در قالب تعیین اهداف کلی و مرحله ای و ارتباط آن‌ها با هم و ترسیم نقشه کار یاری دهد.

پس از شناخت وضعیت موجود و نیز ترسیم وضعیت مطلوب باید برنامه‌ای جهت بهسازی علم جرم شناسی و شناخت عوامل جرم زا و در نهایت تدوین سیاست جنایی

در چارچوب عدالت اجتماعی از منظر اسلام طراحی گردد که در آن برنامه، مسائل مختلف مانند مراحل انجام کار، بودجه، زمان بندی، موضوعات خرد، اهداف خرد، و ابزارهای کنترل و نیز ابزارهای ارزیابی و چند تا نقطه مشخص شده باشد، تا بر این اساس بتوان به نتیجه کار امید بست.

« وما توفیقی الاّ بالله العزیز، علیه توکّلتُ والیه اُنیب»

ص: ۱۴۸

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

کتب

۱. قرآن کریم.

۲. نهج البلاغه.

۳. ئی، بی، او را روف و آلن ایزاکس، فرهنگ علم، انتشارات ماز یار، تهران،۱۳۷۲ش.

۴. احمدی بیرجندی، احمد؛ چهارده اختر تابناک، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸ ش.

۵. ارسطو؛ سیاست، حمید عنایت انتشارات نیل، تهران، ۱۳۳۷ ش .

۶. افتخار جهرمی، گودرز؛ مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۸، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵ ش.

۷. افلاطون، جمهور؛ م فؤاد روحانی، ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۸ ش.

۸. الطافی، رمضان؛ جرم شناسی، انتشارات بعثت، چاپ اول، ۱۳۷۲ش.

۹. امینی، ابراهیم؛ خودسازی،شفق، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ ش.

۱۰. انصاری زنجانی، اسماعیل؛ اسرار آل محمد(صلّی الله علیه و آله) (ترجمه کتاب سلیم بن قیس هلالی)، دلیل ما، ۱۳۸۰ ش.

۱۱. اسرار آل محمد(صلّی الله علیه و آله) (ترجمه کتاب سلیم بن قیس هلالی)، دلیل ما، چاپ ششم، ۱۳۸۳ ش.

۱۲. بشِیریه، حسین؛ لیبرالیسم و محافظه کاری،ج۲.نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش.

۱۳. پوپر، کارل؛ درس این قرن، م: علی پایا، طرح نو، ۱۳۷۶ ش.

۱۴. جعفری تبریزی، محمد تقی؛ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج۳، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش.

۱۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج۲، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.

۱۶. جوان، موسی؛ مبانی حقوق، ج۱،بی نا، تهران، ۱۳۲۶ ش.

۱۷. خراسانی، شرف الدین؛ از سقراط تا ارسطو، دانشگاه ملی ایران، تهران، ۱۳۵۲ ش.

۱۸. خلیلی، مصطفی؛ شریعت و معیشت از دیدگاه امام خمینی و علامه طباطبایی، نشر آثار علامه طباطبایی، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.

۱۹. دانش، تاج زمان ؛ مجرم کیست و جرم شناسی چیست، جرم شناسی، کیهان، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۹ ش.

۲۰. مجرم کیست و جرم شناسی چیست، جرم شناسی، کیهان، تهران، چاپ ششم ۱۳۷۴ ش.

۲۱. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.

۲۲. دهقان، حمید؛ تاثیر زمان و مکان بر قوانین جزایی اسلام، انتشارات مدین، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.

۲۳. دو پاکیه، کلود؛ مقدمه تئوری کلی و فلسفه حقوق، م: علی طباطبایی، تهران، ۱۳۳۲ ش.

۲۴. دورکیم، داوید امیل؛ فلسفه و جامعه شناسی، م: فرحناز خمسه ای، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ...ها، ۱۳۶۰ ش.

۲۵. ذاکری، علی اکبر؛ سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین، ج ۱، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش.

۲۶. راسل، برتراند؛ اخلاق و رسالت آن در جامعه، م، محمود حیدریان، چاپ وحید، تهران، ۱۳۴۶ ش.

۲۷. راشد، حسین...علی؛ فضیلت های فراموش شده، اطلاعات، ۱۳۸۳ ش.

۲۸. راموز، ملیحه؛ تربیت دینی و امنیت اجتماعی، مطالعات امنیت اجتماعی،پیش شماره سوم، سال۱۳۸۳ ش، اجتماعی، فرهنگی – اجتماعی.

۲۹. رفیع پور، فرامرز؛ توسعه و تضاد، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم،۱۳۸۰ ش.

۳۰. زهر، هوارد، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۳ش، م . حسین غلامی.

۳۱. سالمی، مجید؛ درآمدی بر بازشناسی عوامل درون...زا و برون...زا در جرم شناسی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد نراق،۱۳۸۰ ش.

۳۲. ستوده، هدایت الله؛ آسیب شناسی اجتماعی، مطالعات امنیت اجتماعی، پیش شماره دوم، ۱۳۸۲ ش.

۳۳. شاکر، محمد کاظم؛ فقر غنا در قرآن و حدیث، بی نا، بی تا.

۳۴. شامبیاتی، هوشنگ؛ حقوق جزا عمومی، ج ۱، انتشارات ویستار، ۱۳۷۵ ش.

۳۵. شهیدی، سید جعفر؛ ترجمه و شرح نهج البلاغه، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ۱۷، ۱۳۷۴ش.

۳۶. صانعی، صفدر؛ بهداشت ازدواج از نظر اسلام، کتاب...فروشی جعفری، ۱۳۴۶ ش.

۳۷. صلاحی، جاوید؛ کیفرشناسی، انتشارات سحوری، چاپ سوم، ۱۳۸۲ ش.

۳۸. طوسی، خواجه نصیرالدین؛ اخلاق ناصری، تصحیح و تنقیح مجتبی مفیدی و علیرضا حیدری، ج ۲، خوارزمی، تهران، چاپ دوم،

۳۹. ۱۳۶۰ ش.

۴۰. عباسی، مصطفی؛ میانجی گری کیفری، انتشارات دانشور چاپ اول، ۱۳۸۲ش،

۴۱. فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه، ۹ ج، ج ۵، تصحیح سعید حمیدیان، نشر قطره، مسکو، چاپ پنجم، ۱۳۷۹ ش.

۴۲. فیض الاسلام، علی نقی؛ نهج البلاغه، بی نا، تهران، ۱۳۶۷ ق.

۴۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی،

۴۴. قانون مجازات اسلامی، دادگستری جمهوری اسلامی ضمیمه روزنامه رسمی، سال۱۳۷۵ ش.

۴۵. قانون مجازات عمومی، ماده ۲، مصوب ۱۳۵۲.

۴۶. قربان نیا، ناصر؛ عدالت حقوقی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،۱۳۸۱ش.

۴۷. قربانی، فرج الله؛ مجموعه کامل قوانین و مقررات اسلامی – مدنی، دانشور، چاپ هفتم، ۱۳۷۳ ش.

۴۸. کاتوزیان، ناصر؛ فلسفه حقوق، ج ۱، تهران، ۱۳۸۰ش.

۴۹. کریمی، علیرضا؛ انقلاب مشروطه در بوته نقد، مرکز پژوهش...های اسلامی صدا وسیما، ۱۳۸۳ش.

۵۰. کی نیا، مهدی؛ مبانی جرم شناسی، ج۱، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰ ش.

۵۱. گسن، ریموند؛ جرم شناسی نظری، ترجمه مهدی کی نیا، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۷۴ ش.

۵۲. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.

۵۳. بایسته...های حقوق جزای عمومی (۳- ۲- ۱)، نشر میزان، چاپ دهم، ۱۳۸۴ ش.

۵۴. مازندرانی، محمد صالح ؛ شرح اصول کافی، ج ۹، بی نا، بی تا. به نقل از پیامبر(صلّی الله علیه و آله) .

۵۵. محمدی ری شهری، محمد و همکاران؛ دانشنامه امیرالمؤمنین، ج ۷، ترجمه جواد محدثی، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.

۵۶. دانش نامه امیرالمومنین(علیه السّلام)، ج ۱۰،نشر دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.

۵۷. محمدی ری شهری، محمد؛ عدل در جهان بینی توحید، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.

۵۸. مساواتی آذر، مجید؛ مبانی جامعه شناسی، انتشارات احرار، سال ۱۳۷۲ ش.

۵۹. مطهری، مرتضی؛ اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، صدرا، ۱۳۶۲ ش.

۶۰. بیست گفتار، صدرا، چاپ هجدهم، ۱۳۸۰ ش.

۶۱. عدل الهی، انتشارات صدرا، چاپ ۱۷، ۱۳۸۰ش.

۶۲. نظام حقوق زن در اسلام، صدرا، ۱۳۸۰ ش.

۶۳. مظاهری، حسین؛ خانواده در اسلام، شفق، ۱۳۷۴ ش.

۶۴. مظلومان، رضا؛ جرم شناسی، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۶ ش.

۶۵. موسوی الخمینی، روح الله؛ صحیفه نور، ج ۱، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱ ش.

۶۶. صحیفه نور، ج ۷، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱ ش.

۶۷. صحیفه نور، ج ۱۶، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱ ش.

۶۸. موسوی، سید جمال الدین؛ عدالت اجتماعی در اسلام، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.

۶۹. نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ و هاشم بیگی، حمید؛ دانشنامه جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.

۷۰. نجفی توانا، علی؛ جرم شناسی، انتشارات خیام، چاپ اول، سال ۱۳۷۷ش.

۷۱. نظامی گنجوی، جمال الدین؛ مخزن الاسرار، تصحیح وحید دستگردی به کوشش سعید حمیدیان، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ش.

۷۲. هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ صحیفه عدالت، ج ۲، مرکز مطبوعات و انتشارات، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.

۷۳. وکیو، ژرژ دل؛ تاریخ فلسفه حقوق، م: جواد واحدی، تهران،۱۳۳۶ ش.

۷۴. ولیدی، محمد صالح؛حقوق جزای عمومی، ج ۲، نشر داد، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.

مقالات

۷۵. توسلی، حسین؛ مبنای عدالت در نظریه جان رالز؛ مجله نقد و نظر، ش ۱۰ و ۱۱، بی نا، بهار و تابستان ۱۳۷۶ ش.

۷۶. گرجی، ابوالقاسم؛ مقالات حقوقی، ج ۱، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش.

۷۷. کرباسی، محمدمهدی؛ اینترنت، فارس نیوز، یکشنبه، ۱۷ / ۷ / ۸۴ .

ب . منابع عربی

کتب

۷۸. الآمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غررالحکم و دررالکلم، بی نا، تهران، ۱۳۳۷ ش.

۷۹. ابن سینا، حسین؛ الاشارات و التنبیهات، ج ۳، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱ ش و ۱۴۲۳ ق.

ص: ۱۵۵

۸۰. انصاری، مرتضی؛ رساله عدالت، ضمیمه مکاسب، موسسه مطبوعات دینی، چاپ سوم، ۱۳۶۸ ش.

۸۱. بدوی، عبدالرحمان؛ افلاطون، ص ۴۶، کویت وکالت المطبوعات، دارالقلم، ۱۹۷۹ م.

۸۲. بیومی مهران، محمد؛ الامام علی بن ابی طالب، انتشارات اسلامی، چاپ دوم،۱۴۱۹ق.

۸۳. التیمی المغربی، نعمان بن محمد؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ۲ ج،دارالمعارف، مصر، ۱۳۸۳ ق.

۸۴. الحر العاملی، محمد بن الحسن؛ وسائل الشیعه، ج۲، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۸۵. ج۲، مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۷ ش.

۸۶. ج ۱۱، مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۷ ش.

۸۷. ج ۶، احیاء التراث العربی، چاپ پنجم، بی تا.

۸۸. حسن زاده آملی، حسن؛ کشف المراد فی شرح تجریدالاعتقاد، ص ۳۶۲، موسسه نشر اسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۵ ق.

۸۹. حکیمی، محمد رضا، محمد، علی؛ الحیاه ج ۴، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۷ ش.

۹۰. ج ۵، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۷ ش،

۹۱. ج ۶، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.

۹۲. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور؛ ج ۳، دارالمعرفه، ۱۳۶۵ ق.

۹۳. صدر، اسماعیل؛ التشریع الجنایی الاسلامی، بی نا، بی تا .

۹۴. صدر، سید محمد باقر؛ اقتصاد ما، ج ۱، بی نا، ۱۳۵۷ ش.

۹۵. دروس فی علم الاصول، جزء اول از حلقه سوم، دارالکتاب اللبنانی، بیروت، ۱۴۲۳ ق.

۹۶. صدوق، ابن بابویه القمی ؛ علل الشرایع، ج۱، مکتبه حیدریه، ۱۳۸۶ ق.

۹۷. صدوق، ابن بابویه محمد بن علی؛ خصال، تحقیق علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین.

۹۸. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، منشورات رضی، چاپ دوم، ۱۳۶۸ ش.

۹۹. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، تحقیق علی اکبر غفاری، موسسه نشر اسلامی، بی تا.

۱۰۰. کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق علی اکبر غفاری، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.

۱۰۱. الطباطبایی، السید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القران، ج۱، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۹۱ ق.

۱۰۲. المیزان، ج ۹، الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۱ ق.

۱۰۳. الطبرسی، فضل بن الحسن، تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، دارالمعرفه، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.

۱۰۴. عبده، محمد؛ رساله التوحید، دار احیاء العلوم، بیروت، ۱۳۱۵ ق.

۱۰۵. غزالی، ابو حامد محمد؛ احیاء علوم الدین، ۵ ج، ج ۱، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

۱۰۶. احیاء علوم الدین، ۵ ج، ج ۳، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.

۱۰۷. السیوری، جمال الدین المقداد، کنزالعرفان، ج ۲، مکتب مرتضویه، تهران، ۱۳۸۴ ق.

۱۰۸. قمی، شیخ عباس (ره)؛ مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۰۹. الکلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول الکافی، ج۱، دار الاضواء بیروت.

۱۱۰. اصول الکافی، ج۲، ح ۸، دارالاضواء، بی تا.

۱۱۱. اصول الکافی، ج۲، دارالاضواء بیروت.

۱۱۲. گلپایگانی، محمدرضا؛ مجمع المسائل، ج ۳، موسسه دارالقران، ۱۴۰۳ ق.

ص: ۱۵۷

۱۱۳. اللیثی الواسطی، علی بن محمد؛عیون الحکم و المواعظ، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.

۱۱۴. ماوردی، ابوالحسن؛ الاحکام السلطانیه و الولایات الدینیه، دارالکتاب العربی، ص ۲۱۱،بیروت، ۱۴۱۵ ق.

۱۱۵. المتقی الهندی، علاء الدین علی؛کنزالعمال، مکتبه التراث الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۷ ق.

۱۱۶. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، ج ۷۲، موسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

۱۱۷. محمدی ری شهری، محمد و همکاران ؛ میزان الحکمه، ج ۲، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.

۱۱۸. موسوی الخمینی، روح الله ؛ تحریر الوسیله، ج ۲، پیام، تهران، چاپ ششم،۱۴۰۷ ق.

۱۱۹. تحریر الوسیله، ج ۴، مسئله ۵، پیام، تهران، چاپ ششم،۱۴۰۷ ق.

۱۲۰. کتاب البیع، ج۲، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

۱۲۱. النجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام، ج ۱۵، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۴۰۰ ق.

۱۲۲. نراقی، مهدی؛ جامع السعادات، ج۱، ۳ج، چاپ سوم، اسماعیلیان، قم، ۱۳۸۳.

مقالات عربی

۱۲۲. جنتی، احمد؛ التوحید، العدله الاجتماعیه، بی نا، بی تا.

۱۲۳. الکرمی، علی؛ رساله القرآن، مقاله دورالعدل فی المجتمع الانسانی، بی نا، بی تا.

۱۲۴. شیخ محمد ابوزهره، التامین الاجتماعی فی ضوءه الشریعه الاسلامیه، محمود آل محمود، بی نا، بی تا.

ص: ۱۵۸

مجموعه کتب عدالت و سلامت

۱. راهکارهای کنترل جرم از نگاه امیر المؤمنین(علیه السّلام) .... منتشر شده

۲. مبانی پیشگیری از جرم .... منتشر شده

۳. مأخذشناسی پیشگیری از جرم ....منتشر شده

۴. مجموعه قوانین پیشگیری از وقوع جرم .... منتشر شده

۵. نقش عدالت در پیشگیری از جرم .... منتشر شده

۶. جرائم و گناهان ریشه ای .... منتشر شده

۱. نقش حکومت در پیشگیری از جرم .... منتشر می شود

۲. نقش خانواده در پیشگیری از جرم .... منتشر می شود

مجموعه کتب فقه زندگی

۱. احکام مسجد ....منتشر شده است

۲. احکام تاکسیرانی ....منتشر شده است

۳. احکام معاملات ملکی .... منتشر شده است

۴. احکام پرستاری ....منتشر شده است

۵. احکام اعتکاف .... منتشر شده است

۶. احکام کشتیرانی .... منتشر شده است

۷. احکام تالارهای پذیرایی .... منتشر شده است

۸. احکام ورزش بانوان ....منتشر شده است

۹. احکام مدیریت و کارمندی.. .... منتشر شده است

۱۰. احکام انتخابات ....منتشر شده است

۱۱. احکام قنادیها .... منتشر شده است

۱۲.احکام سینما .... منتشر شده است

۱۳. احکام عکاسی ....منتشر شده است

۱۴. احکام آرایشگری.....................منتشر شده است

۱۵. احکام هتل داری.....................منتشر شده است

۱۶. احکام مسکن.....................منتشر شده است

۱۷. احکام جشن و شادمانی.............منتشر شده است

۱۸. احکام و آداب پوشش و حجاب .... منتشر شده است

۱۹.احکام وآداب تعلیم وتربیت ....منتشر می شود

۲۰.احکام اعیاد ودیدوبازدید...............منتشر می شود

۲۱.احکام نانوایی ....منتشر می شود

برای تهیه آثار فوق با ما به نشانی: قم، میدان معلم، بلوار سمیه، ۱۶ متری عباس آباد جنب مدرسه شهیدین، انتشارات نورالسجاد تماس بگیرید.

تلفن: ۷۸۳۵۵۵۴-۰۲۵۱ و ۰۹۱۲۲۵۱۹۵۳۸

ص: ۱۶۱

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹